

# بسم الله الرحمن الرحيم



وزارت آموزش و پرورش  
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی  
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

## رشد آموزش علوم اجتماعی

فصلنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی  
برای دبیران، دانشجویان و کارشناسان آموزش و پرورش  
• دوره‌ی پانزدهم • زمستان ۱۳۹۱  
• شماره‌ی بی‌دری ۵۷

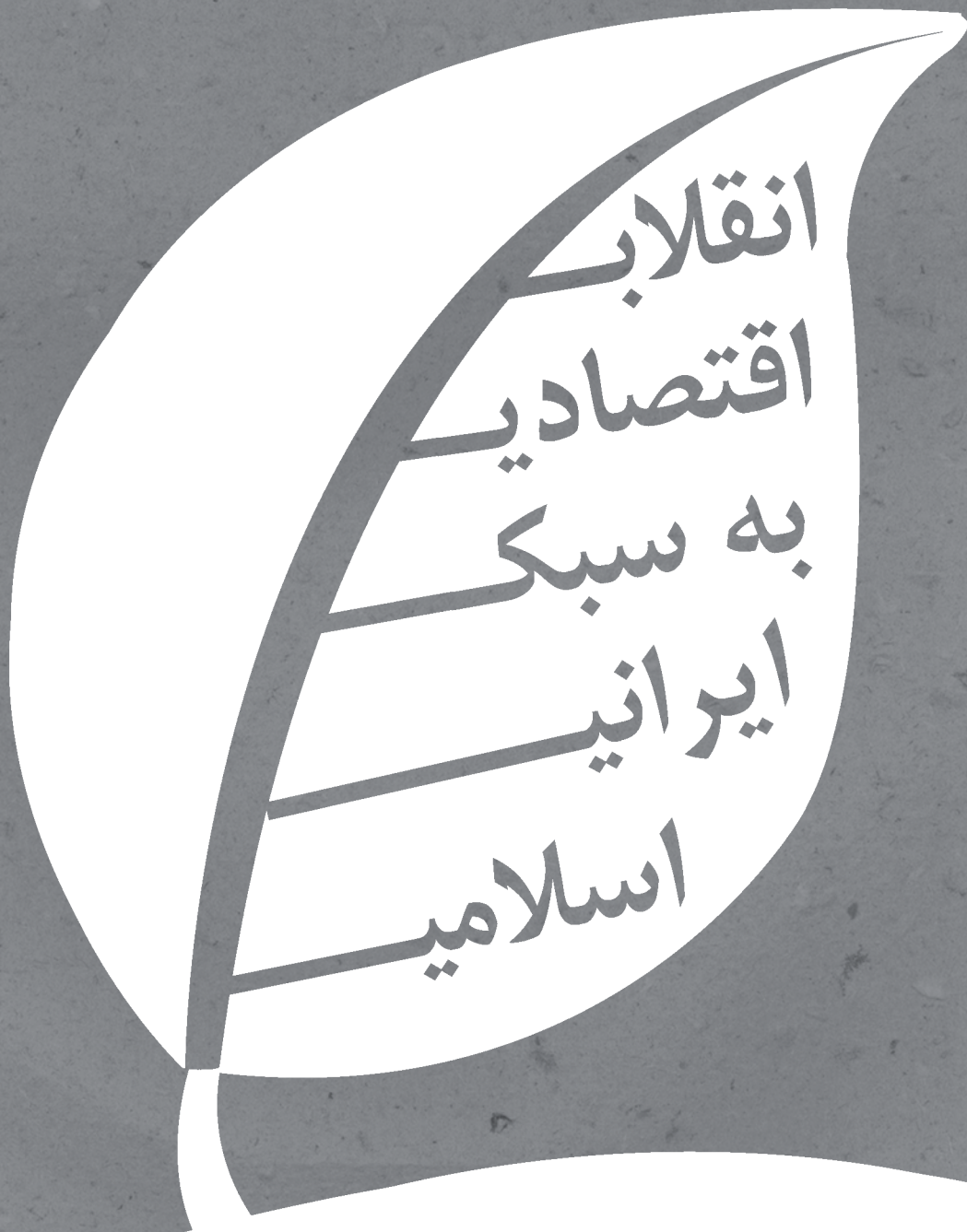
• مدیرمسئول: محمد ناصری  
• سردبیر: دکتر مسعود فرهادیان مقدم  
• مدیر داخلی: دکتر احمد کلاه مال همدانی  
• هیئت تحریریه: دکتر فزیه خانی، دکتر حبیب‌الله فصیحی، دکتر ناهید فلاحیان، فریبرز بیات، ابوالفضل نفر  
• طراح گرافیک و طرح جلد: پریسا سمندسی  
• ویراستار: بهروز راستانی  
• نشانی دفتر مجله: تهران، ایران شهر شمالی، پلاک ۲۶۶  
• صندوق پستی: ۱۶۵۹۵/۱۷۹  
• تلفن: ۸۸۳۴۴۷۵۷  
• نمابر: ۸۸۳۰۱۴۸۷

وبگاه: [www.roshdmag.ir](http://www.roshdmag.ir)  
رایانامه: [ejtemaie@roshdmag.ir](mailto:ejtemaie@roshdmag.ir)  
تلفن پیام‌گیر نشریات رشد: ۸۸۳۰۱۴۸۲  
کد مدیرمسئول: ۱۰۲  
کد مشترکین: ۱۱۴  
تلفن امور مشترکین: تهران، صندوق پستی: ۱۶۵۹۵/۱۱۱  
تلفن امور مشترکین: ۷۷۳۳۶۶۵۶-۷۷۳۳۶۶۵۵  
شمارگان: ۷۵۰۰ نسخه  
• چاپ: شرکت افست (سهامی عام)

- ۲
- ۴
- ۱۲
- ۱۸
- ۲۴
- ۲۸
- ۳۶
- ۳۸
- ۴۴
- ۵۰
- ۵۵
- ۵۹

انقلاب اقتصادی به سبک ایرانی اسلامی / سردبیر  
عوامل مؤثر بر هویت دانش‌آموزان / نسیمه مظفر  
خودرایی والدین سرکشی فرزندان / خلیلی کمربیگی  
آغاز بیداری آفریقا-۲ / فاطمه سلیمی  
تبیین مفاهیم و واژگان اقتصادی / فخری امام جمعه  
خانواده‌ها ریسک می‌کنند بچه‌ها می‌لغزند! / محمد دشتی  
مدارس شبانه‌روزی و تنوع فرهنگ‌ها / محمود اردوخوانی  
مدارس شبانه‌روزی، جلوه‌ای از عدالت آموزشی / فاطمه خرقانیان  
بسیار سفر باید تا پخته شود خامی / مریم معین‌فر  
تأثیر ارزشیابی در بهبود یاددهی - یادگیری / فریبرز اصل مرز  
نقش امام خمینی (ره) در احیای هویت ایرانی اسلامی / اسدالله رضایی  
آشنایی با روزهای ملی / زهرا صادقی

قابل توجه  
همکاران محترم:  
۱. سعی شود مطالب ارسالی  
بیش‌تر جنبه‌ی کاربردی  
داشته باشد و از پرداختن  
طولانی به مبانی نظری و  
تئوری پرهیز شود.  
۲. مطالبی را که برای درج  
در مجله می‌فرستید، با آموزش  
علوم اجتماعی مرتبط باشد و  
در جای دیگری هم  
چاپ نشده باشد.  
۳. مطالب ترجمه شده  
با متن اصلی ارسال شود.  
۴. بهتر است متن را از طریق پست  
الکترونیکی (E-mail)  
برای ما بفرستید.  
۵. نثر مطالب روان و از نظر  
دستور زبان فارسی درست  
باشد و در انتخاب واژه‌های علمی و فنی  
دقت لازم مبذول شود.  
۶. مجله در رد، قبول، اصلاح  
و تلخیص مطالب رسیده مجاز است.  
۷. در ابتدای مطالب ارسالی،  
واژه‌های کلیدی نوشته شود.  
۸. شماره تلفن تماس و نشانی دقیق  
پستی حتماً نوشته شود.



گمان


می‌کنم مخاطبان  
گران‌قدر «رشد آموزش  
علوم اجتماعی» به اندازه کافی  
تحلیل‌هایی را در خصوص انقلاب اسلامی  
مطالعه کرده باشند. اما هر چه پیش می‌رویم،  
بهار در بهار شکل می‌گیرد. انقلاب اسلامی اکنون  
با پدیده شکوفه‌های آزادی و اسلام‌خواهی تحت عنوان  
بهار عربی و به تبع با مسائل جدیدی روبه‌روست که بهار  
آزادگی، انقلاب‌گیری و اسلام‌خواهی را در دنیا شکوفا ساخته است.  
در سیاست خارجی، بیداری اسلامی - انقلابی را در همه جهان به پا کرده  
است که در بعد شرقی آن، کشورهای اسلامی را مشاهده می‌کنیم. این گروه  
از کشورها تلاش می‌کنند با بهره‌گیری از مدل ایرانی - اسلامی انقلاب، به آگاهی  
بخشی بین‌المللی دست بزنند و مردم جهان را آگاه سازند که دنیای استکباری غرب  
اکنون چه مصیبت‌هایی برای آنان به وجود آورده است. تمام مشکلات امروزین بشر به سبب  
اندیشه‌های مادی‌گرایانه و تمامیت‌خواه دنیای استکباری غرب است. در بعد غربی ملاحظه  
می‌کنیم که نهضت اقتصادی ۹۹ درصدی‌ها شکل گرفته است و هر روز دنیای غرب با بحران جدید  
اقتصادی دست و پنجه نرم می‌کند. آمریکا به تنهایی ۳۲۰۰۰ میلیارد دلار مقروض‌ترین کشور دنیاست.  
دلارهایی که بدون پشتوانه به نقدبنگی بازارهای داخلی و خارجی خود تزریق کرده است. این چیزی  
است که عن‌قریب سقوط اقتصادی وحشتناکی به مراتب مهلک‌تر از رکود دهه‌های آغازین قرن بیستم  
برای اقتصاد آمریکا در پی خواهد داشت! اقتصادهای ریاضتی تجویزی به کشورهای کم‌توان اروپایی آغازگر  
تسری فقر به جوامع غربی است و این نیز ناشی از اندیشه‌های اقتصادی سرمایه‌داری غرب است که نتیجه‌ای  
فلاکت‌بار را برای همه جهانیان شکل داده است.

این شرایط نشان می‌دهد که به لحاظ سیاست خارجی، ایران باید تلاشی نو را آغاز کند تا بتواند سیاست  
و اقتصاد جهانی را با الگوی جدیدی که برخاسته از اندیشه‌های اسلامی است سازمان دهد و به کمک  
کشورهای مسلمان، جهانی پر از زیبایی و بهاری دل‌انگیز برای امور اقتصادی و سیاسی به وجود آورد. اما  
چگونه؟ این پرسشی است که سیاست‌گذاران اقتصادی و اقتصاددانان سیاسی مسلمان باید برای آن در  
قالب پاسخ راه‌حل‌ها و مدل‌های مطلوب و حساب‌شده‌ای ارائه دهند.

از منظر دوم مسئولیت اقتصاددانان مطرح می‌شود. می‌دانیم که مقام معظم رهبری طی سال‌های  
متمادی در پیام نوروزی خود عناوینی را انتخاب کرده‌اند که اکثر آن‌ها جنبه اقتصادی دارد. در این  
میان، هشدارهای مکرر ایشان در خصوص توطئه‌ها و دشمنی‌های جهان غرب با پیشرفت ایران  
اسلامی، جایگاه ویژه‌ای دارد. این بدان معناست که سیاست‌های جهانی و اقتصاد جهانی به  
شکلی کاملاً پیچیده درهم تنیده شده‌اند. یعنی باید «اقتصاد سیاسی» جدیدی مطرح کرد  
که با الگوی پیشرفت ایرانی - اسلامی همساز باشد و بتوان آن را به جهانیان ارائه کرد.

لذا دومین نکته مهم در شرایط فعلی انقلاب اسلامی، طرح مباحث اقتصاد  
سیاسی از منظر اسلام است. می‌باید بتوان الگویی ارائه کرد که فارغ از  
ویژگی‌های نابخردانه و استعمارگرانه دنیای مادی امروز باشد. باید  
بدانیم که بیداری اسلامی به هر حال نتیجه خواهد داد و به فضل  
الهی، پس از پیروزی نهایی، نوبت به سامان دادن اقتصاد  
می‌رسد. تجربه نشان داده است که این حوزه  
به شدت با مسائل سیاسی درمی‌آمیزد  
و نیازهای جدیدی را مطرح  
می‌کند.

بهر  
مخاطبان  
این فصل نامه  
است که بدانند  
در آینده‌ای نه چندان  
دور دانش‌آموزان اسلامی در  
سکان‌داران انقلاب اسلامی  
سراسر جهان خواهند بود و اکنون  
باید در حوزه تجربه بخت‌شوند تا زمانی  
که مسئولیت را به عهده گرفتند، بتوانند با  
الگوی ایرانی - اسلامی، اقتصاد سیاسی جهان را  
هدایت و رهبری کنند. می‌بینید که مسئولیت جهان را  
اقتصادی و علمی را به دانش‌آموزان اسلامی  
نیازهای دانش‌آموزان اسلامی در این حوزه  
آن‌ها را به آندیشیدن در این حوزه ترغیب کند تا در  
سیاسی جهان را با الگوهای اسلامی که  
از استعمارزدگی و استکبارمنشی است،  
هدایت و رهبری کنند؛ ان‌شاءالله.  
سر دبیر



نسیبه مظفر  
کارشناس ارشد جامعه‌شناسی

# عوامل مؤثر بر هویت ملی دانش آموزان

مطالعه موردی: آموزش و پرورش دوره متوسطه منطقه ۷ تهران

## چکیده

هدف از نگارش مقاله حاضر، ارائه گزارش پژوهشی با موضوع هویت ملی دانش آموزان و عوامل تأثیرگذار بر آن است که برگرفته از تحقیقی با همین عنوان است. متغیر وابسته این تحقیق هویت ملی است و متغیرهای مستقل تحقیق عبارت‌اند از: حفظ قلمرو سیاسی، علاقه به زبان پارسی، آگاهی از تاریخ ایران، علاقه به میراث فرهنگی، آگاهی از نمادهای ملی، آشنایی با مفاخر دینی و ملی، پایبندی به دین اسلام، پایبندی به مناسک ملی، علاقه به هنرهای ملی، نابرابری اجتماعی، پایگاه اجتماعی، سطح تعاملات اجتماعی، رشته تحصیلی، آگاهی اجتماعی و مشارکت اجتماعی. محقق برای دست‌یابی به اطلاعات مورد نیاز از پرسش‌نامه طراحی شده استفاده کرد. جامعه آماری تحقیق شامل تمامی دانش آموزان دوره متوسطه منطقه ۷ تهران است. در این مطالعه از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده شد و با انتخاب نمونه‌ها، بین آن‌ها پرسش‌نامه‌ها توزیع شد. در پژوهش حاضر محقق کوشیده است با توجه به عوامل اثرگذار بر هویت ملی، آن‌ها را در دانش آموزان دوره متوسطه آموزشی شناسایی کند.

براساس یافته‌های این پژوهش، متغیرهای علاقه به زبان پارسی، علاقه به هنرهای ملی، آشنایی با مفاخر ایران، پایبندی به دین اسلام، آگاهی از نمادهای ملی، پایبندی به مناسک ملی و مشارکت اجتماعی بر هویت دانش آموزان تأثیرگذار بوده‌اند، اما متغیرهای تعاملات اجتماعی، علاقه به میراث فرهنگی و حفظ قلمرو سیاسی کمتر تأثیر داشته‌اند.

**کلیدواژه‌ها:** هویت ملی، نابرابری اجتماعی، پایگاه اجتماعی، مشارکت اجتماعی، وحدت ملی، میراث فرهنگی

در عصر حاضر، نظام آموزشی از یک سو انسان‌ها را به افرادی بالنده از لحاظ فرهنگی و اجتماعی تبدیل می‌کند و از سوی دیگر دانش عمومی مورد نیاز نیروی انسانی را در بخش‌های گوناگون اقتصادی و اجتماعی فراهم می‌آورد. ضمن آن که نقش مهمی در تحکیم هویت ملی، وحدت ملی و تقویت هم‌بستگی اجتماعی از طریق اشاعه سنت‌ها، رسوم اجتماعی و ایدئولوژی‌ها ایفا می‌کند [ارزعی، ۱۳۸۳: ۲۵۹]. از این رو، نظام آموزشی یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های دوام و پایداری حکومت‌ها محسوب می‌شود؛ به نحوی که عدم کارکرد صحیح آن می‌تواند مولد بحران‌هایی نظیر بحران هویت شود. یکی از عوامل مؤثر در ایجاد هم‌بستگی اجتماعی، تقویت هویت‌یابی ملی در نوجوانان و جوانان است. نظام تعلیم و تربیت که یکی از نهادهای اجتماعی است، این وظیفه مهم را برعهده دارد که به جوانان و نوجوانان هویت فرهنگی مشترک ببخشد و آنان را فرهنگ‌پذیر و جامعه‌پذیر سازد [ارزعی، ۱۳۸۳: ۶۷]. پژوهش حاضر، ضمن بررسی هویت، به تبیین نقش نظام تعلیم و تربیت در ایجاد هویت ملی می‌پردازد و در خلال آن، تأثیر مدرسه و نظام تعلیم و تربیت را بر هویت فرهنگی مورد بحث قرار می‌دهد.

آموزش و پرورش و به‌طور کلی فرهنگ، نقش انکارناپذیری در زمینه‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی دارد، به‌طوری که امروزه بسیاری از صاحب‌نظران در دنیا معتقدند هر نوع حرکت اساسی و اصلاحی مهم را باید از آموزش و پرورش شروع کرد [الطف‌آبادی، ۱۳۷۹: ۳۹]. بنابراین، با توجه به جمعیت بیش از ۱۴ میلیون دانش‌آموز و بالغ بر یک میلیون آموزگار در دوره‌های گوناگون تحصیلی و ارتباطی که خانواده‌ها، مستقیم یا غیرمستقیم، با آموزش و پرورش دارند، این مقاله به نقش آموزش و پرورش در زمینه تحقق هم‌بستگی ملی پرداخته و مؤلفه‌های دخیل در این مهم را در دانش‌آموزان دوره متوسطه منطقه ۷ تهران اندازه‌گیری کرده است.

در دنیای کنونی، هویت به یکی از مفاهیم و موضوعات محوری در پژوهش‌ها و ادبیات علوم اجتماعی تبدیل شده است. نویسندگان و محققان رشته‌های گوناگون علمی مجبورند به آن بپردازند. رشد طیف وسیع فعالیت‌های علمی در این باره - که منشأ جامعه‌شناختی، مطالعات فرهنگی، علوم سیاسی، فلسفه و مطالعات روابط بین‌الملل دارند - همگی حاکی از اهمیت مقوله هویت است (ترنر و اتال، ۲۰۰۶، ص ۳۴). علاوه بر این، از منظر حاکمیتی نیز هویت اجتماعی و ابعاد مختلف آن، مانند هویت ملی، هویت قومی و غیره، مورد توجه جدی قرار گرفته و در سیاست‌ها و برنامه‌های موجود جایگاه ویژه‌ای یافته‌اند. از جمله در جمهوری اسلامی ایران و در «سند چشم‌انداز بیست‌ساله» نیز ارتقای سطح هویت ملی به عنوان یکی از اهداف راهبردی در نظر گرفته شده است [احجیانی، ۱۳۸۵: ۹۰].

سه رکن مهم و عمده تشکیل هویت ملی در ایران عبارتند از:

۱. جغرافیا و سرزمین با نوسانات میان فلات ایران با مناطق کوهستانی آن.
۲. زبان فارسی با همه تغییراتی که در اثر آمیزش با زبان‌های ترکی، مغولی و عربی داشته است.
۳. دین اسلام که به‌رغم همه اختلافات فرقه‌ای، اصل و اساس آن ثابت و استوار مانده است [شاه‌محمدی، ۱۳۸۵: ۴۹].

علاوه بر این، عوامل تسهیل‌کننده شکل‌گیری هویت ملی را می‌توان تعلق خاطر به فرهنگ، تمدن و ملیت، ثبات فرهنگی، مرزهای جغرافیایی و دین و باورهای دینی داشت [گیدنز، ۱۳۷۳: ۱۴۹].

### چارچوب نظری

نظریات متعددی در این زمینه ارائه شده‌اند که با توجه به قرابت معنایی این پژوهش با نظریات مید و کولی به ارائه توضیحاتی کوتاه در این زمینه می‌پردازیم.

جامعه‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی دارای گرایش جامعه‌شناختی، غالباً تحت تأثیر نگرشی است که جرج هربرت مید از «خود» دارد. مید «خود» را از لحاظ رشد و تحول به زبان وابسته می‌انگاشت و معتقد بود که «خود» در زمینه «تجربه و عمل اجتماعی پدید می‌آید. کلمه «خود» که ضمیری انعکاسی است، امکان دارد هم به فاعل و هم به مفعول اشاره داشته باشد. «خود» کاملاً از ارگانسیم (سازواره) قابل تمیز است. خود به صورت مفعول اساساً یک ساختار اجتماعی است و در تجربه اجتماعی پدید می‌آید. صفت متمایز خود براساس نظریه مید، «خودمشیاری» است. او «خود» را که مکالمه‌های درونی با خویش انجام می‌دهد، جزئی از کل فرایند ارتباط با تفاهم اجتماعی می‌دید. در این ظهور خود و مکالمه درونی‌اش با خویش، رفتار از طریق ارزیابی‌های منعکس می‌شود و انتظارات تبادلی غیرصادقانه (مرا) و پاسخ‌های سطح پایین‌تر نسبت به دیگران درونی شده (من) هدایت می‌شود [کوزر، ۱۳۷۳: ۲۵].

چارلز هورتون کولی در سال ۱۹۰۹ کتابی در حوزه ارتباطات تألیف کرد به نام «سازمان اجتماعی». در این کتاب درباره حوزه جدید تحقیقات ارتباطی چنین آمده است: «ارتباطات سازوکاری است که از طریق آن، روابط انسانی پدید می‌آیند و توسعه پیدا می‌کنند. ارتباطات به این معنی شامل تمامی نمادهای ذهنی به همراه معانی‌شان است که از طریق فضا منتقل و در زمان حفظ می‌شوند. اگر با نگاه دقیق‌تری زندگی یک گروه اجتماعی را بررسی کنیم درمی‌یابیم که ارتباطات حاصل یافتن عناصری چون ادبیات، هنر و مجموعه نهادهایی است که واقعیت خارجی دارند و از ساختار فکری قابل مشاهده برخوردارند؛ تا حدی که بر زندگی واقعی انسان تأثیر می‌گذارند. نظام ارتباطی نوعی ابزار است؛ یک اختراع توسعه‌یافته که پیشرفت‌های آن در مقابل بشر واکنش نشان می‌دهد و موجب تغییر در زندگی هر شخص یا نهادی می‌شود؛ به‌ویژه از زمانی که ما به عصر جدید گام نهاده‌ایم. به دیگر سخن، هیچ امری را به‌درستی در نمی‌یابیم، مگر روشی را که انقلاب ارتباطات برای ما در دنیای جدید ساخته است، دریابیم» [کریمی، ۱۳۷۰: ۶۱].

کولی دو نظریه اساسی دارد که اولی در جامعه‌شناسی و دومی در ارتباطات کاربرد دارند و عبارت‌اند از: «خود آینه‌سان» و «گروه نخستین».

کولی در ابتدای نظریه‌پردازی‌اش بسیار تحت تأثیر جان دیویی، جیمز بالدوین، و ویلیام جیمز و همچنین متأثر از نگرش ارگانیک به جامعه بود؛ دیدگاهی که برکنش متقابل دوسویه بین فرد و جامعه تمرکز دارد. از نظر کولی، هر نوع درک و شناختی از جامعه می‌باید بر درک و شناخت افراد در آن جامعه مبتنی باشد [پیشین].

کولی، در تلاش برای تبیین رابطه خویشستن - جامعه، بر فرایندهای ذهنی افراد تأکید می‌کرد که به خود آگاهی جامعه و آگاهی افراد می‌انجامد. به نظر کولی، «ذهن فرد» و «ذهن جامعه» مانند خودآگاهی و جامعه آگاهی تفکیک‌ناپذیرند و ریشه در فرایند تفسیری تصویرسازی ذهنی دارند. کولی نظریه‌پردازی‌اش را بر این مبنا ادامه می‌دهد که «خودانگاره» در بافت و بستر کنش متقابل با گروه‌ها رشد و بسط می‌یابد. گروه‌های اولیه نخستین وسیله ارتباط و همکاری چهره به چهره و نزدیک ارتباط با یکدیگر توصیف می‌شوند و در شکل دادن به ماهیت اجتماعی ایده‌آل‌ها و مطلوب‌های افراد نقشی بنیادین دارند.

مید نیز همانند کولی تحت تأثیر اندیشمندان اجتماعی روزگار خودش بود. او در معروف‌ترین کتاب خود یعنی «ذهن، خویشستن و جامعه»، به توصیف نظریه‌اش درباره «رشد خویشستن اجتماعی» می‌پردازد. مید این اندیشه اجتماعی‌اش را «روان‌شناسی اجتماعی» نام نهاده بود، اما آن را از گرایش روان‌شناسی اجتماعی که از منظر روان‌شناختی مطرح می‌شد، متمایز می‌دانست. به باور وی، عضویت در ساختاری اجتماعی یا در گروهی اجتماعی در تعیین چگونگی رفتار و تجربه‌های فرد مؤثر است. از این‌رو، خودآگاهی انسان، «ذهن» و «خویشستن» اساساً فراورده‌هایی اجتماعی به حساب می‌آیند که در بستر فرایندهای اجتماعی موجود ایجاد می‌شوند. این نقطه نظر دقیقاً

شاید به دلیل مسائلی  
که در چارچوب  
داوری رفتار گرایانه  
مید وجود دارد،  
روان‌شناسان اجتماعی  
دارای گرایش  
جامعه‌شناسی، تأکید  
بیشتری بر بازتاب  
اجتماعی و شناختی  
دارند. هویت خود  
بیشتر با فرایند مکالمه  
درونی شناخته  
می‌شود تا عامل فعالی  
که مکالمه در آن  
رخ می‌دهد و «من»  
به‌طور فزاینده‌ای تابع  
«مرا» می‌شود

مخالف نظر روان‌شناسان رفتارگرایی آن روزگار بود. آن‌ها اهمیت خودآگاهی انسان در مطالعه رفتار را انکار می‌کردند [جنکینز، ۱۳۸۳: ۵۷].

شکی نیست که تعبیر و تفسیر مید درباره «خود» یکسره جنبه اجتماعی و شناختی دارد. از سوی دیگر، منظور کولی و مید از این گفته‌ها این نیست که «خود» دارای بُعد عاطفی نیست و یا این که «خود» فقط بازتابی از مناسبات اجتماعی موجود است، نظر مید مبنی بر این که عواطف مانند عقاید و تصورات اساساً منشأ اجتماعی دارند، بدان معنی نیست که عقاید مطلقاً قراردادی یا غیرارتجالی هستند. مهم‌تر این که از نظر مید، ماهیت اجتماعی «خود» و خودهشیاری آن به این معنی نیست که خود صرفاً مفعول است نه فاعل، یا این که خود کاملاً انعکاسی از جامعه است و نه تا حدی که عنصر خودبه‌خودی اجتماع. «من» یک عامل ارتجالی - تجلی‌بخش - است، نه یک مفعول منعکس‌شده [Dollinger, 1995: 17].

شاید به دلیل مسائلی که در چارچوب داوری رفتار گرایانه مید وجود دارد، روان‌شناسان اجتماعی دارای گرایش جامعه‌شناسی، تأکید بیشتری بر بازتاب اجتماعی و شناختی دارند. هویت خود بیشتر با فرایند مکالمه درونی شناخته می‌شود تا عامل فعالی که مکالمه در آن رخ می‌دهد و «من» به‌طور فزاینده‌ای تابع «مرا» می‌شود [Marcia, 2000: 156].

همان‌طور که ذکر شد، در این پژوهش هدف بررسی میزان هویت ملی دانش‌آموزان دوره متوسطه و عوامل مؤثر بر آن بوده است. در ضمن می‌خواستیم بدانیم که جایگاه هر یک از این مؤلفه‌ها در مجموعه هویت ملی ایرانیان چیست. به این منظور ابتدا با توجه به نظر نویسندگان موجود به تعریف هویت، هویت ملی و هویت ایرانی پرداختیم و تلاش کردیم با استعانت از اندیشه‌اندیشمندان معاصر، مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان را به دست آوریم. سپس با نگاهی گذرا به تاریخ ملت ایران به مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان در طول تاریخ پرفراز و نشیب آن توجه کردیم و در انتها جایگاه هر یک از این مؤلفه‌ها را در ارتباط با دیگر مؤلفه‌ها مشخص ساختیم.

## اهداف تحقیق

هدف آرمانی: رسیدن به سطح مطلوب هویت ملی در میان دانش‌آموزان ایرانی

دوره متوسطه.

هدف کلی: تعیین میزان هویت ملی دانش‌آموزان دوره متوسطه منطقه ۷ تهران.

اهداف کاربردی:

● ارائه الگویی برای ارزیابی میزان هویت ملی دانش‌آموزان دوره متوسطه منطقه ۷ تهران؛

● شناسایی مؤلفه‌های مرتبط با هویت ملی در میان دانش‌آموزان دوره متوسطه منطقه

۷ تهران؛

● تبیین چگونگی تأثیر مؤلفه‌های مرتبط با هویت ملی در میزان هویت ملی دانش‌آموزان دوره

متوسطه منطقه ۷ تهران.

## پرسش‌های تحقیق

● هویت ملی در میان دانش‌آموزان دوره متوسطه منطقه ۷ تهران براساس مؤلفه‌های مرتبط

چه میزان است؟

● مؤلفه‌های مرتبط با هویت ملی در میان دانش‌آموزان دوره متوسطه منطقه ۷ تهران

کدام‌اند؟

● تأثیر مؤلفه‌های مرتبط با هویت ملی در میزان هویت ملی دانش‌آموزان دوره متوسطه

منطقه ۷ تهران چگونه است؟

## فرضیات تحقیق

۱. بین هویت ملی دانش‌آموزان دوره متوسطه و حفظ قلمرو سیاسی کشور رابطه معنی‌داری وجود دارد.
۲. بین هویت ملی دانش‌آموزان دوره متوسطه و علاقه به زبان پارسی رابطه معنی‌داری وجود دارد.
۳. بین هویت ملی دانش‌آموزان دوره متوسطه و آگاهی از تاریخ ایران رابطه معنی‌داری وجود دارد.
۴. بین هویت ملی دانش‌آموزان دوره متوسطه و علاقه به میراث فرهنگی رابطه معنی‌داری وجود دارد.
۵. بین هویت ملی دانش‌آموزان دوره متوسطه و علاقه به هنرهای ملی رابطه معنی‌داری وجود دارد.
۶. بین هویت ملی دانش‌آموزان دوره متوسطه و آشنایی با مفاخر ملی رابطه معنی‌داری وجود دارد.
۷. بین هویت ملی دانش‌آموزان دوره متوسطه و پایبندی به دین اسلام و مذهب تشیع رابطه معنی‌داری وجود دارد.
۸. بین هویت ملی دانش‌آموزان دوره متوسطه و پایبندی به مناسک ملی رابطه معنی‌داری وجود دارد.
۹. بین هویت ملی دانش‌آموزان دوره متوسطه و آگاهی از نمادهای ملی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

## روش تحقیق

تحقیق حاضر با استفاده از روش پیمایشی در میان دانش‌آموزان دوره متوسطه منطقه ۷ شهر تهران، با استفاده از پرسش‌نامه انجام شد. این تحقیق از نوع هم‌بستگی بود و در آن رابطه میان متغیرها براساس هدف تحقیق تحلیل شد. به عبارت دیگر، هدف روش تحقیق هم‌بستگی مطالعه حدود تغییرات یک یا چند متغیر با حدود تغییرات یک یا چند متغیر دیگر است. در این تحقیق رابطه بین مؤلفه‌های هویت ملی بررسی شد [بازرگان و همکاران، ۱۳۷۶: ۱۸۴].

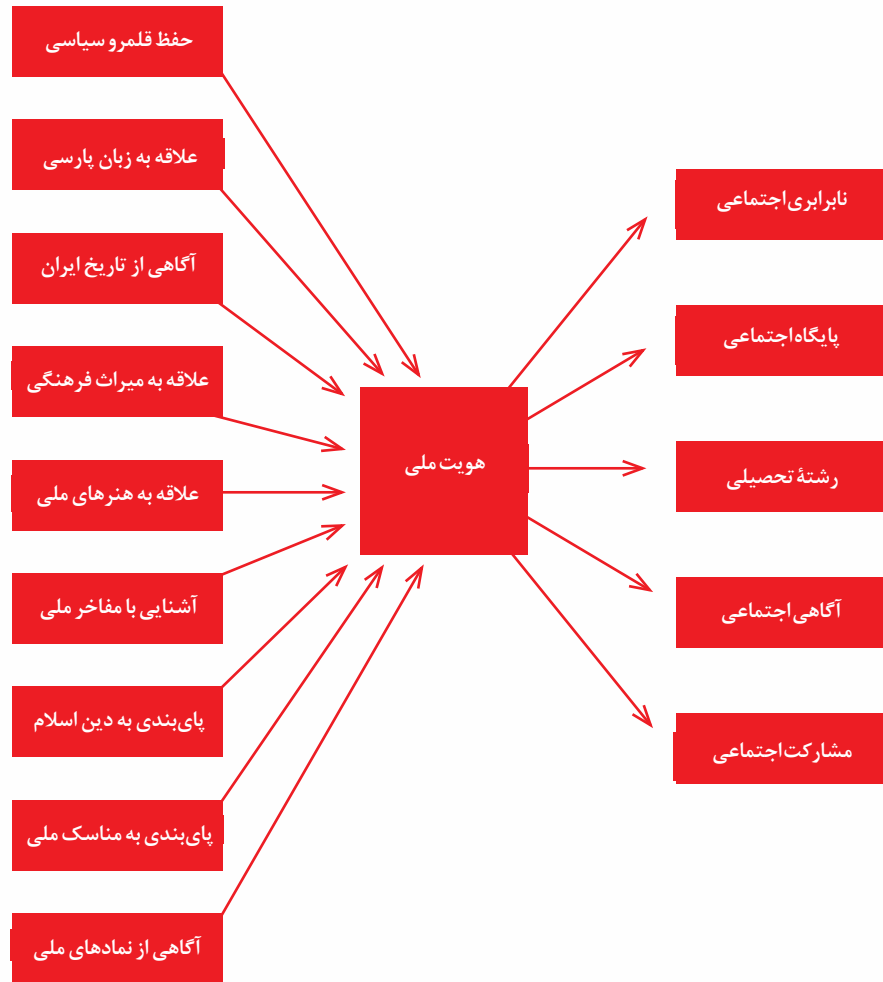
## جامعه آماری

جامعه آماری این پژوهش شامل دانش‌آموزان دوره دبیرستان منطقه ۷ آموزش و پرورش شهر تهران بود که در سال ۸۹-۱۳۸۸ در مدارس تحصیل می‌کردند. حجم نمونه آماری از میان این دانش‌آموزان براساس «فرمول کوکران» محاسبه شد. تعداد دانش‌آموزان دبیرستانی منطقه ۷ طبق آمار ارائه شده از سوی منطقه ۲۶۰۰ نفر بود و حجم نمونه برابر با ۳۴۰ نفر محاسبه شد. با احتساب ۱۰ درصد امکان عدم برگشت پرسش‌نامه و یا ناقص بودن آن، ۳۷۵ پرسش‌نامه بین دانش‌آموزان به روش نمونه‌گیری تصادفی پخش شد.

$$n = \frac{Nt^2S^2}{Nd^2 + t^2S^2}$$
$$\frac{2600 \times (1/96)^2 \times (0/5)^2}{[2600 \times (0/05)^2] + [(1/96) \times (0/5)^2]} = 340$$

پس از تعیین محیط پژوهش، با توجه به پراکندگی جامعه آماری موردنظر در مدارس منطقه آموزش و پرورش، از جامعه آماری مذکور تعداد ۳۴۰ نفر با توجه به ضوابط نمونه‌گیری (سطح اطمینان آماری ۹۵٪، میزان خطای نمونه‌گیری ۰/۱ و بالاترین میزان واریانس) و با استفاده از فرمول کوکران، به عنوان نمونه تحقیق انجام شدند. لازم به ذکر است که به منظور جلوگیری از ارباب‌بودن (شانس اضافه‌دادن به گروهی برای انتخاب شدن) و نیز برای این‌که هر فرد از جامعه آماری موردنظر، شانس برابر در انتخاب داشته باشد، از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده شد [دلاور، ۱۳۸۸: ۲۷۹].





مدل مفهومی «بررسی عوامل تأثیرگذار بر هویت ملی دانش آموزان»

- سه رکن مهم و عمده تشکیل هویت ملی در ایران عبارتند از:
۱. دین اسلام که اصل و اساس آن همواره ثابت و استوار مانده است.
  ۲. جغرافیا و سرزمین با نوسانات میان فلات ایران با مناطق کوهستانی آن.
  ۳. زبان فارسی با همه تغییراتی که در اثر آمیزش با زبان های ترکی، مغولی و عربی داشته است.

## بین میانگین یافته‌های تحقیق

- از ۳۴۰ دانش‌آموز، ۵۷٪ (۱۷/۱) نفر در پایه اول، ۷۸٪ (۲۲/۹) نفر در رشته تجربی، ۱۳۴٪ (۳۹/۴) نفر در رشته ریاضی و ۷۰٪ (۲۰/۶) نفر در رشته انسانی تحصیل می‌کردند.
- از ۳۴۰ دانش‌آموز، ۵۸٪ (۱۷/۱) نفر در پایه اول، ۱۷۰٪ (۵۰) نفر در پایه دوم و ۱۲٪ (۳۲/۹) نفر در پایه سوم تحصیل می‌کردند.
- مدرک تحصیلی پدران ۱۰٪ (۲/۹) دانش‌آموز زیر دیپلم، ۱۴۳٪ (۴۲/۱) دانش‌آموز دیپلم، ۵۲٪ (۱۵/۳) دانش‌آموز فوق دیپلم، ۷۸٪ (۲۲/۹) دانش‌آموز لیسانس و ۵۷٪ (۱۶/۸) دانش‌آموز فوق لیسانس و بالاتر بود.
- مدرک تحصیلی مادران ۱۰٪ (۲/۹) دانش‌آموز زیر دیپلم، ۱۹۱٪ (۵۶/۲) دانش‌آموز دیپلم، ۶۱٪ (۱۷/۶) دانش‌آموز فوق دیپلم، ۶۴٪ (۱۸/۸) دانش‌آموز لیسانس و ۱۴٪ (۴/۱) دانش‌آموز فوق لیسانس و بالاتر بود.
- بین میانگین هویت ملی و سطوح متفاوت رشته تحصیلی تفاوت معنی‌داری وجود دارد؛ یعنی رشته تحصیلی اثر معنی‌داری بر هویت ملی دارد. نتایج «آزمون توکی» نشان‌دهنده آن است که میانگین هویت ملی دانش‌آموزان سال اول با دانش‌آموزان رشته‌های تجربی، ریاضی و انسانی تفاوت معنی‌داری دارد.
- بین میانگین هویت ملی دانش‌آموزان و تحصیلات پدر تفاوت معنی‌داری وجود ندارد؛ یعنی تحصیلات پدر اثر معنی‌داری بر هویت ملی دانش‌آموزان ندارد.
- بیان میانگین هویت ملی دانش‌آموزان و تحصیلات مادر تفاوت معنی‌داری وجود دارد؛ یعنی تحصیلات مادر اثر معنی‌داری بر هویت ملی دانش‌آموزان دارد. نتایج «آزمون توکی» نشان‌دهنده آن است که بین میانگین هویت ملی دانش‌آموزانی که مادرشان تحصیلات لیسانس داشته و دانش‌آموزانی که مادرشان تحصیلات زیردیپلم داشته است، تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

- رابطه خطی معنی‌دار بین هویت ملی و علاقه به زبان فارسی وجود دارد.
  - همبستگی خطی مثبت معنی‌داری بین هویت ملی و آگاهی از تاریخ ایران وجود دارد.
  - همبستگی خطی مثبت معنی‌داری بین هویت ملی و حفظ قلمرو سیاسی وجود دارد.
  - همبستگی خطی مثبت معنی‌داری بین هویت ملی و علاقه به میراث فرهنگی وجود دارد.
  - همبستگی خطی مثبت معنی‌داری بین هویت ملی و علاقه به هنرهای ملی وجود دارد.
  - همبستگی خطی مثبت معنی‌داری بین هویت ملی و آشنایی با مفاخر ملی وجود دارد.
  - همبستگی خطی مثبت معنی‌داری بین هویت ملی و پای‌بندی به دین اسلام وجود دارد.
  - همبستگی خطی مثبت معنی‌داری بین هویت ملی و آگاهی از نمادهای ملی وجود دارد.
  - همبستگی خطی مثبت معنی‌داری بین هویت ملی و پای‌بندی به مناسک ملی وجود دارد.
  - همبستگی خطی مثبت معنی‌داری بین هویت ملی و تعاملات اجتماعی وجود دارد.
  - همبستگی خطی مثبت معنی‌داری بین هویت ملی و مشارکت اجتماعی وجود دارد.
- متغیرهای علاقه به زبان فارسی، آگاهی از تاریخ ایران، علاقه به هنرهای ملی، آشنایی با مفاخر ملی، پای‌بندی به دین اسلام، آگاهی از نمادهای ملی، پای‌بندی به مناسک ملی و مشارکت اجتماعی کوچک‌تر از ۰/۰۵ هستند. یعنی این متغیرها به صورت معنی‌داری بر هویت ملی دانش‌آموزان تأثیر گذارند. متغیرهای تعاملات اجتماعی، علاقه به میراث فرهنگی و حفظ قلمرو سیاسی اثر معنی‌داری بر هویت ملی دانش‌آموزان ندارند ( $p > 0/05$ ). ضریب تعیین برابر با ۵۳/۶ درصد است؛ یعنی ۵۳/۶ درصد از تغییرپذیری هویت ملی دانش‌آموزان توسط متغیرهای مستقل توضیح داده می‌شود.

## پیشنهادها

از آن‌جا که نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد مؤلفه‌هایی چون رشته تحصیلی، سن و تحصیلات مادر، علاقه به زبان فارسی، آگاهی از تاریخ ایران، علاقه به هنرهای ملی، آشنایی با مفاخر ملی، پای‌بندی به دین اسلام، آگاهی از نمادهای ملی، پای‌بندی به مناسک ملی و مشارکت اجتماعی، با هویت ملی در دانش‌آموزان رابطه معنادار دارد، لذا پیشنهاد می‌شود:

● با تحلیل محتوای دروس رشته‌های گوناگون، به علل این تفاوت معنادار در سطح هویت ملی دانش‌آموزان پی برده شود و تمهیدات لازم برای گنجاندن سرفصل‌های مربوطه در کتب تحصیلی دانش‌آموزان به عمل آید.

● کارشناسان امر به علل تفاوت معنادار سطح هویت ملی در سنین متفاوت بپردازند.  
● با توجه به اهمیت موضوع هویت ملی و رابطه معنادار بین هویت ملی و تحصیلات مادران، پیشنهاد می‌شود علل این مهم کارشناسی شود و در جهت افزایش هویت ملی دانش‌آموزان دارای مادران کم‌سواد مطالعات لازم انجام گیرد.

● از طریق آموزه‌های مختص خانواده‌ها می‌توان جنبه‌هایی را که به اعتقادات، باورها و حیات فرد مربوط می‌شوند، تقویت کرد. به دلیل این که بسیاری از بحران‌های هویتی ریشه در خانواده دارند، خانواده در این زمینه نقش مهمی ایفا می‌کند [Baumeister, 2005: 36]

● در کنار خانواده، آموزش‌های رسمی دانشگاه، مدرسه و حوزه‌های علمیه در انتقال آموزه‌های متفاوت، از جایگاه بااهمیتی برخوردار هستند.

● رسانه‌ها و آموزش موازی آن‌ها در کنار سایر آموزش‌ها، نقش بسیار مهمی در انتقال به موقع اطلاعات و آگاهی و تقویت ارزش‌ها و میراث فرهنگی جامعه دارند و می‌توانند جنبه‌های دانشی و نگرشی این اطلاعات را در افراد تقویت کنند و به تغییرات رفتاری بینجامند [شرام، ۱۳۸۱: ۱۹۴]. برای مثال، با پخش یک سریال خوب می‌توان اعتقادات افراد، باور آن‌ها را به آخرت و عدالت‌خواهی را در آن‌ها تقویت کرد.

● گروه‌های هم‌سالان و گروه‌های دوستی می‌توانند از طریق انجمن‌ها و NGOها، آموزه‌های مثبت را در جهت حفظ هویت افراد به آن‌ها ارائه دهند.

#### منابع

۱. جنکینز، ریچارد. هویت اجتماعی. ترجمه تورج یاراحمدی. نشر شیراز. تهران.
۲. حاجیانی، ابراهیم. «تحلیل جامعه‌شناسی هویت ملی ایران و طرح چند فرضیه». فصل‌نامه مطالعات ملی. سال دوم. شماره ۵. پاییز ۱۳۸۵.
۳. دلاور، علی. روش‌های آماری در روان‌شناسی و علوم تربیتی. انتشارات دانشگاه پیام نور. تهران. ۱۳۸۸.
۴. رزمی، محمدرضا. «بررسی تأثیر انعطاف‌پذیری خانواده بر شکل‌گیری هویت جوانان و نوجوانان شهر شیراز». فصل‌نامه مطالعات جوانان. شماره ۷. ۱۳۸۳.
۵. سرمد، ز؛ بازرگان، ع؛ حجازی، ا. روش‌های تحقیق در علوم رفتاری. نشر آگه. تهران. ۱۳۷۶.
۶. شاه‌محمدی، عبدالرضا. فرهنگ علوم ارتباطات. زرباف. تهران. چاپ اول. ۱۳۸۵.
۷. شرام، ویلیبر. پیش‌تازان علم ارتباطات. ترجمه غلامرضا و زهرا آذری. رسا. تهران. چاپ اول. ۱۳۸۱.
۸. کریمی، یوسف. روان‌شناسان اجتماعی. انتشارات دانشگاه پیام نور. تهران. چاپ اول. ۱۳۷۰.
۹. کوزر، لوئیس. زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی. ترجمه محسن ثلاثی. علمی. تهران. چاپ پنجم. ۱۳۷۳.
۱۰. گیدنز، آنتونی. جامعه‌شناسی. ترجمه منوچهر صبوری. نشر نی. تهران. ۱۳۷۳.
۱۱. لطف‌آبادی، حسین. روان‌شناسی کاربردی نوجوانی و جوانی. انتشارات سازمان ملی جوانان. تهران. ۱۳۷۹.

12. Baumeister, roy f. (red) (2008). The self in social psychology. pa: psychology pres.
13. Dollinger, S.M. (1995). Identity style and the five factor model of personality. Journal of research in personality. 29, 475-479.
14. Marcia, J.E., (2000). Development and validation of ego identity status. Journal of personality and social psychology, 3, 551-558.
15. Turner, john C. & onorato, rins S. (2006). social identity, personality, and self-categorization perspective. In tom r. tylor, Roderick. m. Kramer, & oliver p.john (eds). the psychology of the social self. London: Lawrence Erlbaum associates, publishers. pp. 11-46.



## شکاف نسل‌ها

در شکاف نسل‌ها، والدین و فرزندان دارای ارزش‌های متفاوت و دیدگاه‌های مختلفی هستند و غالباً فرزندان از این‌که والدین آنها خودرأی و از مذاق‌تاده‌اند، اظهار ناراحتی می‌کنند. از طرف دیگر، والدین نیز رفتار فرزندان خود را برخلاف سنت می‌بینند. این امر موجب کشمکش و رنج متقابل، تفاوت ارزشی، سرگشتگی و آشفتگی متقابل می‌شود و از اقتدار والدین می‌کاهد. همچنین سبب تضعیف احساساتی می‌شود که والدین و فرزندان را به هم پیوند می‌دهد و باعث افزایش زمینه تنش و کشمکش در روابط آنها می‌شود [Idib: 2].

برخی معتقدند زمانی که اصطلاح شکاف نسل‌ها به کار می‌رود، منظور شکاف سنی است که بین والدین و فرزندان به وجود می‌آید؛ در حالی که اصطلاح مزبور کمتر بدین معنا به کار می‌رود. شکاف نسل‌ها را می‌توان شکاف بین نسل جوان با نسل بزرگسال، شکاف نسل جوان یا کلیت جامعه و یا شکاف بین ارزش‌های موردنظر جوانان با ارزش‌های موردنظر کارگزاران نظام سیاسی قلمداد کرد. این شکاف، الزاماً به معنای عناد و دشمنی نیست. هنگامی که جامعه از یکدستی خود خارج می‌شود و در مسیر تحولات فرهنگی و اجتماعی قرار می‌گیرد، باید منتظر پدیدآمدن شکاف نسل‌ها

مراد از شکاف نسل‌ها چیست؟ این پدیده چه ویژگی‌هایی دارد؟ چه عواملی باعث پدیدآمدن آن می‌شوند؟ عوارض آن چیست؟ نهاد تعلیم و تربیت چه ارتباطی با این پدیده دارد؟ در این نوشتار کوشیده‌ایم پاسخی برای این پرسش‌ها بیابیم. در فرهنگ واژگان فارسی به این اصطلاح پرداخته نشده و یا نگارنده بدان برخورد نکرده است. در فرهنگ انگلیسی «آکسفورد»<sup>۱</sup> اصطلاح شکاف نسل‌ها چنین تعریف شده است:

۱. شکست یا ناتوانی نسل‌های جوان و پیر برای برقراری ارتباط و درک یکدیگر [Oxford, 2000: 354].

۲. تفاوت‌های بین نسل‌های پیر و جوان که باعث می‌شود، درک یکدیگر برای آنها مشکل شود [Oxford, 1994: 348].

جامعه‌شناسان و انسان‌شناسان، اصطلاح شکاف نسل‌ها را نخستین بار در سال ۱۹۶۰ به کار بردند اما امروزه این اصطلاح به گستردگی متداول شده است. یکی از تعاریف شکاف نسل‌ها در آن سال‌ها این بود که والدین و فرزندان در اعتقادات خود اختلاف داشته باشند و در نتیجه والدین بترسند که نفوذ خود را بر بچه‌ها از دست بدهند و بچه‌ها عقاید هم‌سالان خود را ارزشمند تلقی کنند [Duncan, 1999].

## نقش آموزش و پرورش در پدیده شکاف نسل‌ها

# خودرأیی والدین سرکشی فرزندان

خلیل کمربیگی

کارشناس ارشد جامعه‌شناسی و دبیر آموزش و پرورش ایلام

بود. با گسترده‌ی جامعه، پدیده‌ی شکاف نسل‌ها نیز هر روز چهره‌ی خویش را عریان‌تر می‌سازد و بنابراین، این شکاف از لاک پنهان خود خارج و آشکار می‌شود.

اندیشمندان سیاسی و اجتماعی معتقدند که تأثیر پدیده‌ی شکاف نسل‌ها در جوامع نیمه‌صنعتی، یا به بیانی دیگر، در حال گذار، بیشتر از جوامع سنتی یا صنعتی است. با رجوع به بحث شکاف‌های اجتماعی می‌توان گفت که شکاف نسل‌ها شکافی ساختاری نیز هست؛ زیرا هرچه ساختار جمعیتی جامعه به سوی جوانی میل کند، بروز این شکاف بیشتر احساس می‌شود. از طرف دیگر، شکاف نسل‌ها شکافی فرهنگی نیز به حساب می‌آید؛ چرا که شرایط و عوامل مؤثر بر جامعه‌پذیری نسل بزرگسال با نسل جوان تفاوت دارد و این تفاوت در جامعه‌پذیری، سبب پدیدآمدن شکاف نسل‌ها می‌شود.

**باتومور<sup>۲</sup> معتقد است:** «استمرار در یک جامعه به وسیله‌ی فرایند جامعه‌پذیری که سنت اجتماعی نسل‌های پیشین را به نسل‌های جدید انتقال می‌دهد، تأمین می‌شود، لیکن جامعه‌پذیری هرگز کامل نیست؛ یعنی، نسل‌های جدید هرگز زندگی اجتماعی پیشینیان خود را دقیقاً تکرار نمی‌کنند، بلکه این تکرار همواره با انتقاد، رد برخی از جنبه‌های سنن و یا نوآوری همراه است. در زمان ما این خصائص به علت

تغییرات عمومی که بر محیط اثر می‌گذارند و به سبب تنوع فراوان هنجارها و ارزش‌ها، بازتر و بارزتر می‌شوند؛ چرا که به نسل جدید امکان می‌دهند تا حدی بین راه‌های مختلف زندگی به انتخاب بپردازد و یا عناصر گوناگون فرهنگ را از نو در انگاره‌های جدیدی ترکیب کند. این یکی از خصائص مهم جوامع صنعتی است که نوعی فرهنگ متمایز جوانان همراه با جنبش‌های متشکل جوانان که از طرق مختلف با ارزش‌های فرهنگی نسل قدیم سر مخالفت دارند، در بطن آنها به ظهور می‌رسند. البته پدیده‌های ناشی از تعارض بین نسل‌ها در جوامعی که با سرعتی فوق‌العاده از یک نوع جامعه به نوع دیگر تغییر می‌یابند نیز نمایان است.» (باتومور، ۱۳۵۷: ۳۴۲).

**کلیدواژه‌ها:** شکاف نسل‌ها، آموزش و پرورش، خودرأیی والدین

### شکاف نسل‌ها و دیدگاه مانهایم

در زمینه‌ی تحولات ارزشی و پدیدآمدن شکاف نسل‌ها، نظریات مختلفی ارائه شده است. کارل مانهایم<sup>۳</sup> اولین و شاید پایدارترین نظریه‌ی شکاف نسل‌ها را ارائه کرده است. او در سال ۱۹۵۲ مقاله‌ای تحت عنوان «مشکل نسل‌ها» نوشت و بحث در



**نظریه مانهایم که در سطح جامعه‌شناسی کلان مطرح شده است، به بحث پیرامون این موضوع می‌پردازد که افراد متولد شده در یک نسل خاص، مجموعه‌ای از وقایع یکسان سیاسی - اجتماعی را که در طول دوره رشد آنها رخ می‌دهد، تجربه می‌کنند. این امر آنها را به صورت گروه اجتماعی خاصی درمی‌آورد؛ همان‌طور که وقتی اعضای یک نسل خاص از موقعیت مشتری در فرایند تاریخی و اجتماعی برخوردار می‌شوند، تنها از طریق این موقعیت، تشابهات و همانندی‌های مشخصی بروز می‌دهند**

مورد نسل‌ها را به‌طور جدی آغاز کرد و بسیاری پس از آن به این بحث توجه نشان دادند. نوشته‌های مانهایم کارهای جامعه‌شناسی در زمینه نسل را تحت تأثیر قرار داد. عدم تمیز بین معانی متعدد از نسل، از قبیل نسل به معنای تبارشناسی و نسل به معنای هم‌دوره‌ای، زمینه‌ساز اختلاط معانی نسل در میان اسلاف او شد و هنوز این بدفهمی در تحقیقات حاضر ادامه دارد. مانهایم نوشته است که پدیده جامعه‌شناسی نسل در نهایت براساس زیست‌شناسی تولد و مرگ استوار است (اسچومن و اسکات، ۱۹۸۹: ۳۵۹، به نقل از: آزاد ارمکی، ۱۳۸۳: ۲۸). مانهایم افرادی را که در درون نسل‌ها موجودند و دیدگاهی مشترک براساس تجربیات مشترک دارند، از افرادی که این وضعیت را ندارند، متمایز می‌کند و از آنها به عنوان «واحدهای نسلی» نام می‌برد (پیشین). مرکزی‌ترین عنصر نظر او واحد نسلی است که به معنای گروه سنی-زیستی در نظر گرفته شده است و اعضای آن ویژگی‌هایی به این شرح دارند:

۱. دارای محل مشترک در جریان اجتماعی و تاریخی هستند؛  
۲. سرنوشت و علقه مشترکی براساس طبقه‌بندی اقتصادی - اجتماعی دارند؛

۳. دارای هویت واحد براساس تجربه مشترک‌اند.

نظریه مانهایم که در سطح جامعه‌شناسی کلان مطرح شده است، به بحث پیرامون این موضوع می‌پردازد که افراد متولد شده در یک نسل خاص، مجموعه‌ای از وقایع یکسان سیاسی - اجتماعی را که در طول دوره رشد آنها رخ می‌دهد، تجربه می‌کنند. این امر آنها را به صورت گروه اجتماعی خاصی درمی‌آورد؛ همان‌طور که وقتی اعضای یک نسل خاص از موقعیت مشتری در فرایند تاریخی و اجتماعی برخوردار می‌شوند، تنها از طریق این موقعیت، تشابهات و همانندی‌های مشخصی بروز می‌دهند. بنابراین، موقعیت در درون یک نسل، همانند موقعیت در درون ساخت اقتصادی و اجتماعی، اعضا را به میزان پایینی از تجارب منحصر می‌سازد و آنها را برای شیوه‌های نهادی افکار، آماده می‌کند؛ به همان اندازه که نسل‌های جوان‌تر سعی در تحمیل نگرش خود به جامعه دارند. این اختلافات می‌تواند به تضاد میان نسل‌ها منجر شود.

از سوی دیگر، نسل مسن‌تر شرط عمده‌ای در حفظ شرایط اجتماعی موجود به‌شمار می‌رود. تعامل میان گروه‌های نسلی متباین، طبق نظر مانهایم، تا حد زیادی جنبه مهمی از زندگی اجتماعی بشر را تشکیل می‌دهد. به‌طور قطع، مانهایم تعلق به یک نسل را با تعلق به یک گروه به هم پیوسته‌تر، مانند خانواده، مقایسه نمی‌کند؛ چرا که یک نسل فاقد چارچوب سازمانی مشخصی است. به علاوه، او به این نکته که ممکن است درون نسل‌ها اختلافاتی وجود داشته باشد، اشاره کرده است. به این معنا که درون یک نسل، خرده‌گروه‌ها (به زبان مانهایم، واحدهای نسلی) می‌توانند شکل بگیرند و این خرده‌گروه‌ها از یکدیگر متفاوت‌اند و حتی ممکن است نسبت به هم حالت خصومت‌آمیز داشته باشند. (توکلی، ۱۳۷۸: ۶۱)



## گیدنز و اختلاف بین نسل‌ها

از نظر گیدنز، اختلاف بین نسل‌ها نوعی به حساب آوردن زمان در جامعه مدرن است. در گذشته، مفهوم نسل در واقع نوعی به حساب آوردن تیره‌ای از آدمیان بود که زندگی فردی آن‌ها، به صورت گروهی نیز انتقال می‌یافت. با این حال در عصر جدید، مفهوم نسل رفته‌رفته فقط در برابر پس‌زمینه‌ای از زمان استاندارد شده، معنا پیدا می‌کند. به عبارت دیگر، اینک فقط از نسل دهه ۵۰ یا نسل دهه ۶۰ قرن بیستم و غیره سخن می‌گوییم و توالی زمانی به این معنا، در معنای صریح خود دلالت تلویحی دیگری هم دارد که به‌خصوص مفهوم «از نو شروع کردن» از آنها استنباط می‌شود؛ زیرا تکرار روش‌های گذشته، تنها در صورتی تحقق می‌یابد که آن روش‌ها، به‌طور بازتابی قابل توجه باشند (گیدنز، ۱۳۸۷: ۲۷). گیدنز بر این اعتقاد است که نسل جوان امروز نسبت به نسل‌های پیشین به مسائل اخلاقی بسیار بیشتر حساس است اما این ارزش‌ها را به سنت ربط نمی‌دهد یا شکل‌های سنتی اقتدار را به مثابه تعیین‌کنندهٔ هنجارهای شیوهٔ زندگی نمی‌پذیرد. (گیدنز، ۲، ۱۳۸۷: ۴۳)

## آموزش و پرورش و شکاف نسل‌ها

یکی از عوامل مؤثر بر جامعه‌پذیری کودکان، آموزش و پرورش است. رسالتی که اینک بر دوش نهاد تعلیم و تربیت نهاده شده است، دیر زمانی برعهدهٔ خانواده گذاشته می‌شد و یکی از مهم‌ترین کارکردهای خانواده، کارکرد آموزشی و تربیتی آن بود. پدر اولین معلم و کنج‌خانه اولین مدرسه محسوب می‌شد. کودک از طریق نهاد خانواده آموزش‌های لازم را فرامی‌گرفت و به جامعه پا می‌گذاشت اما اینک کارکرد آموزش از خانواده گرفته شده و برعهدهٔ نهادی به نام آموزش و پرورش و به گسترهٔ تعلیم و تربیت گذاشته شده است. مقصود از آموزش و پرورش ساختار سازمانی و اداری آن نیست بلکه همهٔ آموزش‌ها، از پیش‌دبستانی تا سطوح عالی آموزشی را شامل می‌شود.

نقش آموزش و پرورش در انتقال ارزش‌ها، یکی از مهم‌ترین وظایفی است که برعهدهٔ این نهاد گذاشته شده است. آموزش و پرورش باید بتواند ارزش‌های رایج و مورد قبول اکثریت جامعه را به کودکان انتقال دهد و آنها را در وجودشان نهادینه سازد. آموزش و پرورش باید زمینهٔ مناسبی را برای پذیرش ارزش‌ها در وجود کودکان و نوجوانان مهیا کند تا کودک و نوجوان با فراغ بال و آزادی به گزینش و انتخاب ارزش‌های موردنظر خود دست بزنند. بسترسازی و آماده‌کردن کودک و نوجوان برای قبول یا رد برخی از ارزش‌ها را باید دستگاه آموزشی برعهده داشته باشد. کودک و نوجوان از طریق مدرسه با ارزش‌های رایج در جامعه آشنا می‌شود و خود دست به انتخاب

می‌زند. «مؤسسه‌های آموزشی مانند دانشگاه‌ها، نقشی برجسته در پرورش جوانان و توجه به آنها برعهده دارند و آموزش است که شالوده و پایهٔ تغییر در جامعه محسوب می‌شود. در جریان تغییر و پیشرفت در هر جامعه، سنگین‌ترین مسئولیت‌ها برعهدهٔ مؤسسات آموزشی است و دانشگاه بزرگ‌ترین وسیلهٔ ارتباطی با جوانان محسوب می‌شود که با داشتن مجموعه‌ای از قوانین و ترسیم اهداف، جوانان را برای رسیدن به آن اهداف یاری می‌کند» (Sarhan, 2000).

آموزش و پرورش با انتقال ارزش‌ها به کودک و نوجوان، زمینهٔ بروز پدیدهٔ شکاف نسل‌ها را مهیا می‌سازد. ارزش‌هایی که در مدرسه به کودک و نوجوان آموخته می‌شوند، گاهی با ارزش‌های خانواده و جامعه در تضاد قرار می‌گیرند. همین تضاد ارزشی بین ارزش‌های رایج در مدرسه با ارزش‌های خانه و جامعه، در بروز پدیدهٔ شکاف نسل‌ها مؤثر می‌افتد. از طرف دیگر، با اجباری کردن آموزش در بسیاری از کشورهای جهان و عمومیت یافتن آموزش برای کودکان و نوجوانان، اینک در جامعه با حجم عظیمی از کودکان و نوجوانان تحصیل کرده روبه‌رو هستیم و میزان باسوادی این نسل، از نسل پیشین آنها بسیار بیشتر شده است.

شعار آموزش برای همه با اولویت خاص برای آموزش ابتدایی، همچنین آموزش جوانان که عموماً در بسیاری از جوامع با نوعی رقابت همراه است، آگاهی‌های بیشتری را برای جوانان به همراه آورده است که خود به «فاصلهٔ بین نسل‌ها» انجامیده است. هرم‌های سنی جمعیت نیز در بسیاری از جوامع بیانگر نسبت بالایی از جمعیت بی‌سواد در گروه‌های سنی بالاتر است. این عدم تناسب خود فاصلهٔ بین‌المللی را افزایش می‌دهد. از این‌رو، با توجه به وضعیت بی‌سواد بزرگسال در جوامع رو به توسعه، فاصلهٔ بین نسل‌ها در این جوامع خیلی بیشتر از جوامع صنعتی است. (شیخی، ۱۳۷۹: ۱۰۲)

اینگلهارت معتقد است افزایش سطح سواد عاملی تأثیرگذار بر تفاوت‌های بین نسلی است. از نظر او، تحصیلات رسمی به افراد کمک می‌کند استعدادهایشان را در جهت تصمیم‌گیری مستقل افزایش دهند. براساس نتایج حاصل از تحقیقات اینگلهارت، افراد تحصیل کرده‌تر به ارزش‌های فرامادی گرایش دارند (Inglhart, 1992: 112). به نقل از: یوسفی، ۱۳۸۳: ۱۰۲). همچنین، نتایج یک پژوهش نشان می‌دهد، که بین والدین و فرزندان که نسبت به والدین خود از لحاظ تحصیلات در رتبهٔ بالاتری قرار دارند، در حیطهٔ ارزش‌های سیاسی شکاف عمیقی دیده می‌شود. (رک کمریگی، ۱۳۸۰)

با نگاهی به آمار میزان باسوادی در کشور درمی‌یابیم، تعداد باسوادان کشور، از حدود ۴۷ درصد در سال ۱۳۵۵، به ۸۴/۵ درصد در سال ۱۳۸۸ رسیده است. در مناطق روستایی

## نسل‌های جدید هرگز زندگی اجتماعی پیشینیان خود را دقیقاً تکرار نمی‌کنند بلکه این تکرار همواره با انتقاد و رد برخی از جنبه‌های سنن یا نوآوری همراه است

نرخ رشد سواد شتاب قابل توجهی داشته و رشدی معادل ۲۱/۲ درصد را تجربه کرده است، در آموزش عالی، تعداد حدود ۱۰۰ دانشجو در هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت، به حدود ۵۰۰۰ دانشجو در هر ۱۰۰ هزار نفر رسیده است. یعنی نرخ رشد بیش از ۵۰ برابر بوده است و هم‌اکنون بیش از چهار میلیون نفر تحصیلات عالی دارند. نتیجه این رشد، پیدایش قشر جدیدی است. پس می‌توان عنوان نمود که ما اینک با نسلی آموزش دیده روبه‌رو هستیم که با نسل گذشته از این لحاظ بسیار متفاوت است. (رک سایت عصر ایران، ۱۳۸۸).

کیفیت فضاهای آموزشی، نحوه ارائه درس، توجه به زمان و مکان در برنامه آموزشی، همه و همه در انتقال ارزش‌های نوین به کودکان و نوجوانان مؤثرند. گذشت زمان سبب شده است که آموزش و پرورش نگاه خود را به مسائل ارزشی و اولویت‌های آن تغییر دهد. این تغییر نگرش در مبانی آموزش سبب می‌شود که پاره‌ای از موارد ارزش‌های ارائه شده در مدارس و آموزشگاه‌ها، با ارزش‌های خانه متفاوت و به نوعی متضاد باشند.

یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهند که بین ارزش‌های اجتماعی خانه و مدرسه تضاد بالایی وجود دارد. دانش‌آموزان بیشترین گرایش را به ارزش‌های اجتماعی گروه هم‌سالان و سپس خانواده نشان داده‌اند و کمترین میزان تضاد ارزشی را با دوستان صمیمی و سپس خانواده خود داشته‌اند. بیشترین تضاد ارزشی و کمترین میزان گرایش، بین دانش‌آموزان و مدرسه دیده شده است. یافته‌های این پژوهش مؤید آن است که ارزش‌های اجتماعی خانه و مدرسه و همچنین تضاد ارزشی دانش‌آموز با خانه و مدرسه، تأثیر چشمگیری بر میزان هم‌نوایی او به خصوص با مدرسه دارد. (رک کاشانی، ۱۳۷۹)

از نتایج این پژوهش‌ها چنین برمی‌آید که تضاد ارزشی و عدم هم‌نوایی دانش‌آموز با خانه یا مدرسه به نفع دیگری تمام نمی‌شود، بلکه به روی گردانی دانش‌آموز هم از خانه و هم از مدرسه می‌انجامد. نوع مدرسه دانش‌آموزان نیز در ارزش‌های آنها مؤثر است و بین ارزش‌های اجتماعی آنها با والدینشان تفاوت ایجاد می‌کند. ارزش‌های دانش‌آموزانی که در مدارس یا دانشگاه‌های دولتی تحصیل می‌کنند، با ارزش‌های دانش‌آموختگان مدارس و دانشگاه‌های آزاد و غیرانتفاعی تفاوت دارد و طبیعتاً آنها بر خورد با والدین خود نیز به سبک‌های مختلفی رفتار می‌کنند. حتی نوع و رشته تحصیلی نیز از متغیرهای مؤثر بر پدیده شکاف نسل‌هاست. غالباً دیده می‌شود نوع نگاه و زاویه دید دانش‌آموختگانی که در رشته‌های متفاوت با رشته تحصیلی والدین خود به تحصیل اشتغال داشته و دارند به مسائل گوناگون، با زاویه دید والدین باسواد یا بی‌سوادشان فرق دارد. همین عامل سبب می‌شود که آنها از زاویه دید خود و براساس آنچه آموخته و بدان ایمان داشته‌اند، تحلیل و تفسیر

ارائه دهند. به عقیده اعزازی، ایجاد مدارس عمومی و اجباری در اواخر قرن نوزدهم، بقایای آموزش حرفه‌ای پدر به پسر را از میان برد. مدارس نه تنها آموزش حرفه‌ای را در اختیار گرفتند بلکه ارزش‌های جدیدی چون ملت، کشور، میهن را جای‌گزین ارزش‌های خانوادگی، محله‌ای و قومی کردند (اعزازی، ۱۳۷۶: ۱۲۸). گسترش آموزش و پرورش سبب عمیق‌تر شدن پدیده شکاف نسل‌ها شده است. بالا رفتن نرخ باسوادی و افزایش دانشجو در دوره‌های تحصیلی بالا، و کیفی شدن آموزش‌ها و تنوع در نوع و میزان آنها سبب پدید آمدن نسلی شده است که از هر حیث با نسل قبل از خود تفاوت دارد.

افزایش میزان باسوادی تأثیرات دیگری نیز بر جای می‌گذارد که به عمیق‌تر شدن پدیده شکاف نسل‌ها منجر می‌شود. نیازها و حوایج فرد تحصیل کرده و باسواد با فرد بی‌سواد تفاوت دارد. به همین ترتیب، طرز تفکر و رفتار سیاسی یک فرد بی‌سواد با یک باسواد متفاوت است. علاوه بر اینکه افزایش باسوادی در سایر اجزای جامعه، نظیر افزایش نرخ رشد مطبوعات، کتاب‌ها و وسایل ارتباط جمعی تأثیر دارد، اثر متقابل آن نیز، آگاهی افراد از محیط پیرامون خود و واکنش آنها در قبال تحولات محیط پیرامونی است. بنابراین، تغییر ذائقه‌های افراد باسواد در جامعه مدرن و توسعه‌یافته یا در حال توسعه امری طبیعی است و باید انتظار داشت نوع برداشت و تلقی آنها از مسائل سیاسی و اجتماعی با پدران و مادرانشان، که اغلب آنها بی‌سواد یا کم‌سوادند، متفاوت باشد. این افراد که اغلب در شهرها سکونت دارند، عوامل مستقل و ویژه‌ای نظیر تخصص، سطح سواد، دانش سیاسی و اجتماعی، آزادی و... را در انتخاب‌ها و تصمیم‌گیری‌های خود دخالت می‌دهند و از استقلال بیشتری برخوردارند تا افراد بی‌سواد که به تبعیت از بزرگان، علماء، رئیس قبیله، شیخ محله و خلاصه گروه‌های مرجع سنتی تصمیم می‌گیرند. این قبیل افراد حس مشارکت‌جویی بیشتری در مسائل سیاسی و اجتماعی دارند، غالباً با نگاه انتقادی به مسائل می‌نگرند و نسبت به حق و حدود آزادی‌های خود حساس و نگران‌اند. (ریبعی، ۱۳۸۰: ۶۷)

از سوی دیگر، آموزش و پرورش با اشاعه دانش‌ها، نگرش‌ها، فنون و مهارت‌های جدید در میان قاطبه مردم، شیوه زندگی اجتماعی را به تدریج دگرگون می‌سازد. آشنایی مردم با روش‌های نوین انجام کار و فعالیت‌های اجتماعی و یادگیری آنها، الزاماً موجب سازگاری با اوضاع و شرایط جدید می‌شود. از این رو می‌توان نتیجه گرفت که آموزش و پرورش، مقاومت در برابر تغییر را که مشخصه سنت‌گرایی است، متزلزل می‌سازد (علاقه‌بند، ۱۳۷۹: ۱۴۹). نگرش والدینی که غالباً در تحولات اجتماعی و سیاسی دیدگاهی قدیمی دارند، با نگرش نسل نو به این تحولات متفاوت و به نوعی متضاد



است. همین افزایش میزان باسوادی سبب شده است تحلیل نسل جوان از زاویه دید خود از پدیده‌های اجتماعی و سیاسی ارائه می‌دهد، با تحلیل نسل بزرگسال، که اغلب محافظه‌کارانه است، متفاوت باشد. امروزه در جامعه ما افزایش میزان باسوادی در کشور آثار خود را نمایان ساخته است. بروز و ظهور نسلی که احساس می‌کند خود می‌تواند با دستان خویش سرنوشتش را تغییر دهد و به توانایی و دانایی خویش ایمان و اعتقاد دارد، نتیجه و ثمره همین افزایش باسوادی در کشور است.

امروزه آموزش و پرورش توانسته است چتر آموزش‌های خود روی اغلب زوایای زندگی افراد بگستراند و از آموزش‌های فنی و حرفه‌ای گرفته تا مسائل خانه و خانه‌داری را آموزش دهد. بدین سبب در اغلب موارد فرزندان را از تجربیات والدین خود بی‌نیاز ساخته است. نسلی که می‌تواند در کوتاه‌ترین زمان ممکن با استفاده از ابزار و امکاناتی که آموزش و پرورش توانسته است طرز استفاده از آنها را به او بیاموزد، ده‌ها، صدها و شاید هزاران صفحه پیرامون مسائل ریز و درشت زندگی بخواند و نیازهای خود را در جزئی‌ترین موارد رفع کند و حتی آموزشی مطمئن‌تر از آموزش والدین از آموزش و پرورش دریافت دارد، چگونه می‌تواند والدین خود را الگو قرار دهد و در برابر نظر آنها سر تعظیم فرو بیاورد؟

در مورد وضع نهاد آموزشی و وظایف آن قبل و بعد از انقلاب کاظمی‌پور معتقد است: «امروزه وظایف نهاد خانواده به نهاد آموزش و پرورش انتقال پیدا کرده است. این نهاد خصوصاً در گذشته این رسالت را تا اندازه‌ای انجام می‌داد اما بعد از انقلاب می‌بینیم که نهاد آموزش ما هم ضعیف شده است. در گذشته دانش‌آموز ممکن بود به مرور از قبول کردن تمام نظریات والدین خود و پذیرفتن صلاحیت همه جانبه آنها سرباز زند اما معلم را الگوی خود قرار می‌داد یا در دانشگاه، استادش را در آن جایگاه می‌پذیرفت اما بعد از انقلاب می‌بینیم که حرمت معلم هم کاهش یافته است. امروز یکی از پایین‌ترین مشاغل از لحاظ برخورداری از مزایای اجتماعی، معلمی است. در نتیجه الگویی که کودک و جوان باید داشته باشد، در اختیارش قرار نمی‌گیرد؛ یعنی الگوسازی درستی نیز وجود ندارد. اینجاست که کارکرد نهاد آموزش و پرورش ضعیف شده است و دیگر نمی‌تواند وظایفی را که از خانواده گرفته شده بود و به آن انتقال یافته بود، به خوبی ایفا کند. این مسئله باعث شده است که در انتقال فرهنگی به نسل نو، شکاف ایجاد شود.» (کاظمی‌پور، ۱۳۷۹: ۵).

نتیجه آنکه آموزش و پرورش به عنوان یک نهاد اثرگذار بر پدیده شکاف نسل‌ها خود را نمایان ساخته است. در جوامعی که این نهاد نتواند کارکردهایی را که در ارتباط با انتقال ارزش‌های جامعه و بحث نهادینه‌سازی آنها برعهده دارد ایفا کند، این خطر وجود دارد که جامعه با بحران عمیق‌تری روبه‌رو شود؛ بحرانی که به ستیز و خشونت می‌انجامد و ارزش‌های جامعه را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد.

منابع در دفتر مجله موجود می‌باشد.



آغاز بیداری آفریقا - ۲  
مروری جامعه‌شناختی  
بر نهضت بیداری اسلامی

# مصر

فاطمه سلیمی  
کارشناس مطالعات اجتماعی و  
دبیر منطقه ۱۳ آموزش و پرورش تهران

## چکیده

یکسال و نیم پیش شاهد اعتراضاتی گسترده در قاره آفریقا بودیم؛ از جمله کشور مصر که خواهان برکناری دیکتاتور زمان خود بود. به این انقلاب‌ها، خیزش‌ها و اعتراضات، در سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ در جنوب غربی آسیا و شمال آفریقا بهار عربی و در ایران بیداری اسلامی اطلاق شده است. اولین جرقه بهار عربی در حقیقت در ۱۵ ژانویه ۲۰۱۱ (۲۵ دی ۱۳۸۹) با تظاهرات شهروندان مصری در مقابل سفارت تونس که برای حمایت از انقلاب تونس بود، زده شد. بسیاری از تحلیلگران تظاهرات فوق را اولین جرقه انقلاب مصر قلمداد می‌کردند. در ۱۰۰ سال اخیر، یکی از جرقه‌های بیداری در مصر، توسط «شیخ محمد عبده»، زده شد. او محصول فکر و اندیشه استاد خود، سید جمال‌الدین اسدآبادی بود که فرزند حوزه بود و با حضور در قاهره، شاگردان زیادی تربیت کرد. در این میان اما معاون بین‌الملل حوزه‌های علمیه، فعالیت حسن البنا را دیگر جرقه بیداری در مصر معرفی کرد و اذعان داشت: «حسن البنا، مؤسس گروه اخوان المسلمین و عضو دارالتقريب مذاهب اسلامی مصر بود دارالتقريب توسط نماینده آیت‌الله العظمی بروجردی (ره) که در مصر حضور داشت، راه‌اندازی شد. حضور «شهید سیدنواب صفوی» در دانشگاه الازهر مصر و ترویج اندیشه انقلاب اسلامی در این کشور و قیام مردم مصر بود.»

این وقایع مهم برگرفته از اندیشه‌های امام خمینی و تحت تأثیر انقلاب اسلامی است. ولی برخی از افراد نیز اعتقاد دارند که این بیداری اسلامی ربطی به انقلاب اسلامی ایران ندارد که دشمنان نیز بر این نظریه تأکید می‌کنند.

کلیدواژه‌ها: انقلاب، بیداری اسلامی، مصر، بهار عربی، خالد السعید، خالد اسلامبولی، انور سادات، حسنی مبارک، اخوان المسلمین

## امواج خروشان

یک جوان مصری به نام عبده عبدالمنعم حماده جعفر خلیفه، در اعتراض به بسته شدن رستوران خود و توجه نکردن مسئولان به شکوایت‌هایش، در مقابل ساختمان مجلس شعب (مردم) این کشور دست به خودسوزی زد. این جوان مصری قبل از خودسوزی در مقابل مجلس شعارهایی نظیر «ای نیروهای امنیتی، حق من درون مصر ضایع و پایمال شده است»، سر داد. این امر باعث شعله‌ور شدن خشم مردم علیه نظام مصر شد.

در پی این ناآرامی‌ها، مردم مصر با دعوت از مخالفین تظاهراتی میلیونی در «میدان التحرير» قاهره برپا کردند. تنها در یکی از این تظاهرات ۵۰۰ تن دستگیر و روانه زندان حکومت مصر شدند. فعالان سیاسی مصر با انتشار بیانیه‌هایی در صفحه‌های در «فیس‌بوک» با عنوان «همه خالد سعید» هستیم»، از ملت مصر درخواست کردند، پس از نماز جمعه در اعتراض به شرایط بد معیشتی و ادامه «انقلاب خشم» در تظاهرات اعتراض‌آمیز روز خشم به‌طور میلیونی و سراسری شرکت کنند. مردم و اقشار مختلف جامعه مصر، به‌ویژه جوانان مصری، با در دست داشتن پلاکارد و سردادن شعار علیه حکومت حسنی مبارک در این روز، خواهان کناره‌گیری رییس‌جمهور مادام‌العمر مصر از قدرت و برقراری آزادی و دموکراسی واقعی در کشورشان شدند.

در این تظاهرات نیروهای ضدشورش به‌طور گسترده با مردم با شلیک گلوله و گاز اشک‌آور و ماشین‌های آب‌پاش درگیر شدند. در این تظاهرات شخصیت‌ها، گروه‌ها و احزاب مختلف مصر، به‌ویژه گروه اخوان المسلمین، شرکت داشتند. ناظران سیاسی تظاهرات روز خشم را برای تعیین سرنوشت مبارک تعیین‌کننده می‌دانستند. سرانجام روز ۲۸ ژانویه ۲۰۱۱، پس از فشار بی‌امان مردم با حضور در تظاهرات‌های میلیونی در مصر، حسنی مبارک رییس‌جمهور مادام‌العمر مصر مجبور شد با اعلام حکومت نظامی در شهرهای قاهره، اسکندریه و سوئز به مقابله با تظاهرات‌ها برود.

حسنی مبارک با دستور مستقیم خود به نیروهای امنیتی کشور، دستور شلیک گلوله را به طرف تظاهرکنندگان صادر کرد و نیروی هوایی را به حالت آماده‌باش درآورد. در همین روز دیوار صوتی در میدان تحریر قاهره توسط جنگنده‌های ارتش مصر شکسته شد. هم‌زمان با انتشار خبر فرار فرزند حسنی مبارک به لندن، پایتخت انگلیس، مردم مصر با حضور در خیابان‌ها با نیروهای امنیتی درگیر شدند و در همین درگیری بالغ بر ۸۶۰ نفر از معترضین دستگیر شدند. با افزایش درگیری‌ها و اعتراضات در قلب مصر، «توییتر» روز ۲۸ ژانویه ۲۰۱۱ توسط دولت مصر فیلتر شد. دولت مصر معتقد بود که مخالفین از طریق شبکه اجتماعی توییتر دست به هماهنگی‌های بیشتر می‌زنند. هنوز یک روز از فیلتر شدن توییتر نگذشته بود که دولت مصر اینترنت سراسری در مصر را قطع کرد. با گسترش دامنه اعتراضات، حسنی مبارک دولت را برکنار و عمر سلیمان را در تاریخ ۲۹ ژانویه ۲۰۱۱ رسماً به عنوان نخست‌وزیر جدید مصر منصوب کرد. عمر سلیمان تا قبل از آن رییس دستگاه امنیتی در مصر بود. طبق اسناد ویکی‌لیکس، سه سند عمده از عمر سلیمان یافت می‌شود که به دیدار محرمانه وی با دریا سالار مایک مولن، رییس ستاد مشترک نیروهای مسلح آمریکا برمی‌گردد. عمر سلیمان در آن ملاقات گفت هدفش مقابله با رادیکالیسم در نوار غزه، ایران و سودان است. طبق اسناد ویکی‌لیکس، جمال مبارک و اطرافیانش به دنبال کاستن از نفوذ و قدرت افرادی چون عمر سلیمان و طنطاوی بودند تا انتقال قدرت از پدر به پسر با سهولت انجام پذیرد. در همین روز در شهر دیگر مصر، یعنی اسکندریه، معترضین توانستند شهر را در اختیار بگیرند. در این روز معترضین ساختمان استانداری را به آتش کشیدند و پلیس از این شهر عقب‌نشینی کرد. بدین‌گونه معترضین نفرت خود را نسبت به عمر سلیمان اعلام کردند.

۱. جوان ۲۸ ساله مصری که در ژوئن دوهزار و ده بر اثر شکنجه و

ضرب و شتم پلیس مصر کشته شد...

تحولات عمیق، اسباب بروز اندیشه‌های تازه و نوینی را پدید آورد و مسیر حرکت فرهنگ و تمدن را در اروپا دگرگون ساخت.

این تحولات زمانی صورت می‌پذیرفت که ممالک اسلامی - برخلاف سوابق درخشان علمی و فرهنگی خود - به دلیل وجود کشمکش‌های سیاسی و نظامی، از آن چه در جهان غرب به وقوع می‌پیوست، بی‌اطلاع بودند و از طرف دیگر، حاکمیت سلاطین فاسد و خودکامه، بنیان‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ترقی و توسعه را سست کرده بود. تداوم این روند طی قرون متمادی موجب اقتدار روزافزون کشورهای اروپایی و ضعف و فتور کشورهای اسلامی شد، به نحوی که دست‌اندری‌ها و تجاوزات غرب به سرزمین‌های اسلامی شدت یافت. نکته قابل توجه در این میان آن است که هرگاه حرکتی واقعی و مردمی با شرکت توده‌های مردم آغاز شد و شعاع آن از محدوده نخبگان تحصیل کرده فراتر رفت، بیش از آن که جنبه ناسیونالیستی یا اقتصادی به خود بگیرد، به صورت اسلامی تجلی کرده است. در این مسیر، مصر به عنوان کشوری مسلمان یکی از این کانون‌های ویژه بود که مورد توجه قرار گرفت. وجود دانشگاه الازهر در این کشور به زمان فاطمیان بازمی‌گردد. ضمن این که ناپلئون بناپارت از جمله حکمرانانی بود که خیلی زود به اهمیت مصر واقف شد و آن سرزمین را به تصرف خود درآورد.

### ۲ تاسیس دانشگاه دارالعلم

تاسیس این دانشگاه در قاهره توسط فرانسویان، مقدمه‌ای برای ورود فرهنگ غرب به این کشور شد. سپس سوریه و لبنان نیز در معرض هجوم مسیونرهای مسیحی و فرهنگ غرب قرار گرفتند. به وجود آمدن دولت اشغالگر اسرائیل و وقوع جنگ اول اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۴۸ و شکست اعراب در آن جنگ نشان داد که اعراب تا چه اندازه



### زمینه‌های بیداری اسلامی در مصر

#### ۱ اسلام‌گرایی

یکی از مهم‌ترین پدیده‌های سیاسی و اجتماعی عصر حاضر اسلام‌گرایی است که بیش از آن که معلول عوامل اجتماعی و یا اقتصادی باشد، از مایه‌های فلسفی و عرفانی برخوردار است. جنبش اسلامی در مصر را باید با تأکید بر فعالیت «سازمان جماعت اسلامی» و نمودهای توحیدباوری و معاداندیشی این سازمان بررسی کرد و در پی آن، شرایط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را هم به‌عنوان عوامل مؤثر در تشریح جنبش اسلامی در نظر گرفت. در واقع برای شناخت بهتر جنبش اسلامی مصر باید به شکلی جدی‌تر به ابعاد دینی و اعتقادی آن پرداخت و علت گرایش طبقات مختلف مردم، به‌خصوص محرومان را به مبارزات سیاسی و همچنین ستم‌ستیزی‌های اجتماعی در قالب باورهای دینی، احساس مسئولیت انسان در برابر خدا دانست.

#### ۲ رنسانس

وقوع رنسانس در اروپا به نحوی آغاز جریان دین‌زدایی در این قاره محسوب می‌شود؛ دینی که باید بر مبنای نحوه حاکمیت کلیسا در قرون وسطا به آن نگریست. در سال‌های مدیدی که حکومت استبدادی کلیسا، عملکرد خوشونت‌بار و فجیعی را در برابر دیدگان ساکنان اروپا به نمایش گذاشته بود، مردم و اندیشمندان که قربانیان اصلی استبداد دینی قرون وسطا بودند، درصدد یافتن راهی برای فردی ساختن دین و اندیشه‌های دینی و حذف آن از صحنه‌های اجتماعی برآمدند؛ خواستی که با رنسانس تحقق یافت. این تغییر و



در جهان معاصر تنها و رها شده هستند. در این زمینه، تشکیل «سازمان اخوان المسلمین» مصر که در سال ۱۹۲۸ توسط استاد حسن البنا در شهر اسماعیلیه پایه‌گذاری شد، پاسخی بود به روند سلطه‌جویی غرب در جهان اسلام و خصوصاً کشور مصر. البته این سازمان با طرح مبهم و کلی حکومت اسلامی نتوانست کاری از پیش ببرد، اما به عنوان یک حرکت و شروع، قابل توجه محسوب می‌شود. اعضای داوطلب خدمت در اخوان المسلمین، مدتی در فلسطین به همراه رزمندگان این کشور به جنگ علیه رژیم صهیونیستی پرداختند تا این که حسن البنا توسط پلیس مخفی مصر ترور شد.

بعد از حسن البنا، قاضی الهضیبی، پس از یک دوره انتقال رهبری توسط صالح عشناوی، مرشد عام اخوان المسلمین و جانشین وی شد. اما به علت اتخاذ شیوه‌های لیبرالیستی و محافظه‌کارانه وی، هیچ گام مثبتی جز تشدید تفرقه میان اعضای سازمان برداشته نشد. در ۲۵ ژوئیه ۱۹۵۲ نیز که کودتای افسران آزاد در مصر به رهبری جمال عبدالناصر باعث سقوط ملک فاروق از مسند قدرت شد، باز هم امکانی برای هماهنگی میان اخوان المسلمین و حکومت ناصر به وجود نیامد. تا آن جا که در سال ۱۹۵۴، انحلال اخوان المسلمین آخرین مانع کسب قدرت مطلقه ناصر محسوب شد.

#### ۴ انقلاب اسلامی ایران

شرایط نوین بازخیزی اسلامی در مصر تأثیر گرفته از انقلاب اسلامی است. دولت‌های حاکم بر مصر و رژیم پهلوی در ایران، در چند بحران مشابه نظیر بحران هویت، بحران مشروعیت، بحران اخلاقی و بحران اقتصادی، دست و پا می‌زدند که آن‌ها را وادار می‌کرد برای جلوگیری از نابودی خویش به سرکوب ملت‌هایشان بپردازند؛ مانند رفتار هنرپیشه‌گونه سادات. عملکرد ضد اخلاقی وی و همسرش، جیهان سادات و خانواده وی موجب شد که او به لحاظ اخلاقی مورد اتهام و تنفر افکار عمومی مردم مسلمان مصر و مسلمانان جهان قرار گیرد. انحطاط فرهنگی و اخلاقی شدید نیز که به دنبال انحطاط اقتصادی به وجود آمده بود، به مرور مردم مسلمان مصر را به چاره‌جویی وامی‌داشت؛ چاره‌ای که نه سوسیالیستی و شرقی باشد و نه بر مبنای سرمایه‌داری مهاجم غربی.

#### ۵ اعدام انقلابی سادات

اقدام خالد اسلامبولی از دو جنبه قابل توجه بود: اول آن که جنبش اسلامی مصر، پس از دو دهه رویارویی نافرجام با رژیم حاکم و تحمل اعدام‌ها و فشارهای ظالمانه، توانست ضربه‌ای مهلک بر رژیم وارد سازد. دوم آن که از لحظه ترور

سادات به بعد، آن‌چنان دستگیری‌ها و سرکوب مسلمانان انقلابی شدت گرفت که باعث کنترل جدی حرکات و برقراری حکومت وحشت و سپس شکست طرح انقلاب اسلامی در آن سرزمین شد.

#### ۶ وجود تشکل‌های اسلامی

تشکل‌های اسلامی در مصر، نظیر اخوان المسلمین که تحت رهبری شیخ عمر تلمسانی قرار داشتند و تشکل صرفی‌ها که حتی رهبری آنان نیز از طرف حکومت انتخاب می‌شد، به عبادت آمیخته به خرافات مشغول بودند. «مؤسسه الازهر و اوقاف» تشکل دیگری بود که در واقع عامل اجرای دستورات حکومت مصر و رهبری آن بود و وظیفه داشت، همه عملکردهای دولت را به دین ربط دهد. «سازمان جماعت اسلامی» ابتدا به نام «اتجاه الصعید» شناخته می‌شد، اما به خاطر اعتراض به سیاست‌های اخوان المسلمین و سلفی‌ها از آنان جدا شد و نام جماعت اسلامی را بر خود نهاد.

#### عمل به تکلیف راهبردی کسب قدرت سیاسی

رهبران جماعت اسلامی می‌دانند که تنها حکومت اسلامی با استقرار خود می‌تواند به عنوان یک مرکز قوی مطرح باشد و شکست رهبری که نتواند اندیشه‌های اصلاحی خود را پیاده کند فقط به خاطر عدم توفیق آنان در پیاده کردن یک حکومت اسلامی در کشور بوده است. کشته شدن سادات به وسیله خالد اسلامبولی و سه تن دیگر از یاران و دوستان او که همگی در این عملیات شهید شدند.



نخستین چیزی که پس از ترور سادات مشکوک به نظر می‌رسید، قطع برنامه مستقیم رژه در حضور رییس جمهور بود. تلویزیون پس از قطع برنامه، ابتدا مناظر روستایی نمایش داد و دقایقی بعد، مارش‌های نظامی پخش کرد. به این شکل ملت مصر دریافتند که واقعه‌ای مهم رخ داده است. به حکومت رسیدن حسنی مبارک در مصر پیامدهای منفی بسیاری را برای جنبش اسلامی در پی داشت. او برای کسب وجهه بیشتر نزد دولت‌های غربی، سیاست درهای باز را گسترش داد و مبارزه علیه گروه‌های مسلمانان را شدت بخشید.



پس از ادامه بحران و ناتوانی دولت در کنترل مخالفین، با گسترش تظاهرات‌ها و حضور مردم خشمگین در تمام نقاط شهرهای مصر، سفارت اسرائیل در مصر دیپلمات‌های خود را با هواپیمای اختصاصی از مصر خارج کرد. در واقع سفارت اسرائیل اولین و آخرین سفارت‌خانه‌ای بود که دیپلمات‌های خود را از مصر خارج کرد.

شورای عالی نظامی مصر در بیانیه‌ای تأکید کرد که مصر همه معاهدات بین‌المللی این کشور، و در صدر آن‌ها پیمان صلح با اسرائیل را محترم می‌شمارد. اما در ۳۰ ژانویه ۲۰۱۱، پس از آن‌که دولت امنیتی مصر بر سر کار آمد، با تشدید ناآرامی‌ها و تظاهرات خیابانی مردم مصر علیه دولت، این کشور بسیاری از مراکز مهم دولتی و خصوصی از جمله بانک‌ها و سازمان بورس قاهره را تعطیل کرد. فدراسیون فوتبال مصر نیز برای جلوگیری از هرگونه بهره‌برداری از تجمعات در استادیوم‌ها و با توجه به غیبت بسیاری از مربیان و بازیکنان، لیگ فوتبال این کشور را تعطیل اعلام کرد.

**شرایط نوین بازخیزی اسلامی در مصر تأثیر گرفته از انقلاب اسلامی است. دولت‌های حاکم بر مصر و رژیم پهلوی در ایران، در چند بحران مشابه نظیر بحران هویت، بحران مشروعیت، بحران اخلاقی و بحران اقتصادی، دست و پا می‌زدند که آن‌ها را وادار می‌کرد برای جلوگیری از نابودی خویش به سرکوب ملت‌هایشان بپردازند**

سرانجام پس از روزها کشمکش و خون‌ریزی، روز ۱ فوریه ۲۰۱۱ ارتش مصر رسماً اعلام بی‌طرفی کرد. ارتش مصر رسماً اعلام کرد که خواسته‌های مردم مصر را که از یک هفته پیش در خیابان‌های این کشور علیه دولت تظاهرات می‌کنند، قانونی می‌داند. به باور بسیاری از تحلیلگران، این امر در واقع مقدمات سقوط حسنی مبارک، دیکتاتور مصر تلقی می‌شود. به باور بسیاری از تحلیلگران، ارتش مصر آخرین سنگر مقاومت حسنی مبارک بود.

در فوریه ۲۰۱۱، باراک اوباما، رییس جمهور ایالات متحده آمریکا، در پیامی به مردم مصر رسماً اعلام کرد که انقلاب در مصر را باور کرده و در گفت‌وگویی تلفنی با حسنی مبارک، خواستار عدم شرکت وی در انتخابات آتی حکومت شد. حسنی مبارک در آخرین پیام ویدیویی خود خاطرنشان کرده بود که با وجود فشارهای داخلی و خارجی از قدرت کنار نخواهد رفت و فقط قول خواهد داد که در انتخابات آینده مصر شرکت نداشته باشد. در این زمینه فرستاده‌ای ویژه از جانب ریاست جمهوری آمریکا به مصر رفت تا حسنی مبارک را متقاعد کند که شرکت وی و فرزندش جمال مبارک در انتخابات آتی مصر به صلاح نخواهد بود.

گروه اخوان المسلمین که یکی از قوی‌ترین و جدی‌ترین گروه‌های مختلف دولت حسنی مبارک محسوب می‌شد، در پیامی، ارتباط خود را با دولت حسنی مبارک برای مذاکره رد کرد و طرحی را برای آینده مصر و درگیری‌ها اعلام کرد. محمد بدیع، رهبر گروه اخوان المسلمین، نظام کنونی مصر را برای اداره این کشور غیرقانونی و فاقد مشروعیت دانست و گفت که اخوان المسلمین همه اقداماتی را که مبارک از آغاز انتفاضه مردم در ۲۵ فوریه گذشته تاکنون اتخاذ کرده است، رد می‌کند. در بیانیه رهبر اخوان المسلمین مصر آمده بود که هدف طرح شش مرحله‌ای پیشنهادی برای تحقق آزادی‌ها، زندگی مسالمت‌آمیز و دموکراتیک و ساخت آینده‌ای روشن برای همه ملت مصر است.

محمد بدیع اولین مرحله این طرح را کناره‌گیری مبارک از قدرت و انحلال دو مجلس مشورتی و خلق مصر اعلام کرد. در مرحله دوم پیشنهاد کرد که رییس دادگاه عالی قانون اساسی جای‌گزین وی شود و امور کشور را به دست گیرد. در مرحله سوم طرح پیشنهادی رهبر اخوان المسلمین، حالت فوق‌العاده لغو و فرمان عفو عمومی صادر می‌شود. همه زندانیانی که به دلیل بیان نظرات و مواضع سیاسی خود بازداشت شده‌اند، آزاد می‌شوند. محمد بدیع، تشکیل دولت وحدت ملی انتقالی و برگزاری انتخابات پارلمانی آزاد و شفاف تحت نظارت دستگاه قضایی را برای تحقق اراده ملت، چهارمین و پنجمین مراحل طرح خود اعلام کرد. او در

ششمین مرحله طرح خود تعدیلات لازم در قانون اساسی را پیش‌بینی کرده است تا زمینه برگزاری انتخابات آزاد و فراگیر ریاست جمهوری با رأی مستقیم مردم مصر فراهم شود.

روز ۴ فوریه سال ۲۰۱۱، پس از موج سرکوب‌ها توسط حسنی مبارک، «کمیته انقلاب ملی مصر» تشکیل شد. عضو کمیته اصلی انقلاب ملی مصر اعلام کرد که این کمیته پس از رایزنی‌های طولانی و با هدف حمایت از جوانان مصری و اقدامات قانونی آن‌ها برای مقابله با عوامل نظام مبارک تشکیل شده است.

در تاریخ ۵ فوریه، با استعفای حسنی مبارک از حزب حاکم، اعضا و بدنه حزب حاکم نیز از این حزب استعفا دادند. گفتنی است حسنی مبارک باز هم از کناره گرفتن از قدرت سرباز زد. سرانجام پس از روزها کشمکش و اعتراضات خیابانی و اعتصاب، حسنی مبارک به همراه همسر خود مصر را از فرودگاه «الماضه» به سمت محلی نامعلوم ترک کردند. بسیاری این روزها را روز پیروزی انقلاب مصر قلمداد می‌کنند. پس از استعفای حسنی مبارک و فرار وی، اداره امور مصر به یک شورای ارتشی واگذار شد و ارتش در بیانیه‌ای مفصل اعلام کرد که این شورا جای‌گزین دولت مشروع موردنظر ملت مصر نیست. لازم به ذکر است که مسئولیت این شورا برعهده وزیر دفاع مصر، محمد حسین طنطاوی قرار گرفت. دولت آمریکا نیز در جریان اعتراضات مردم مصر، خواهان توقف خشونت علیه معترضان مصری شده بود. روزنامه «واشنگتن پست» با تحلیلی گسترده از آینده روابط آمریکا و مصر پس از دولت حسنی مبارک، در گزارشی مفصل با طرح این موضوعات اعلام داشت که کارشناسان عقیده دارند، در صورت برگزاری انتخابات آزاد در مصر، اخوان المسلمین قدرت را در این کشور به دست خواهد گرفت که مخالف برخی از سیاست‌های دولت اسرائیل است؛ هر چند اخوان المسلمین مصر اعلام کرد که به پیمان صلح با رژیم صهیونیستی پای‌بند است. همچنین در ادامه این گزارش مفصل اضافه شده است که قطعاً دولت ایالت متحده آمریکا بدون سیستم اطلاعاتی مصر، در جمع‌آوری اخبار از گروه‌های بنیادگرای اسلامی در منطقه به مشکل خواهد خورد.

پس از مدتی نظامیان حاکم بر مصر با فشارهایی که از سوی مردم بدان‌ها وارد شد، دست به انجام انتخابات آزاد برای ریاست جمهوری زدند. در این دور دو گروه اسلام‌گرایان و بقایای رژیم سابق در انتخابات شرکت کردند، اما در عمل این اسلام‌گرایان بودند که برنده واقعی شدند. چند تن از اسلام‌گرایان در این انتخابات کاندیدای ریاست جمهوری بودند و به همین سبب رأی‌ها شکسته شدند و انتخابات به مرحله دوم رسید. در این مرحله محمد مرسی، کاندیدای

اسلام‌گرایان و از گروه اخوان المسلمین و احمد شفیق، از ژنرال‌های نظامی رژیم منحل حسنی مبارک در یک رقابت تنگاتنگ قرار گرفتند.

نتیجه‌های غیررسمی و اولیه انتخابات نشان می‌داد که محمد مرسی با ۵۴ درصد آرا برنده این انتخابات است، اما نظامیان حاکم دست به توطئه زدند و با تعطیلی مجلس و اعلام نظر در قانون اساسی و محدود کردن اختیارات رییس جمهور منتخب، تا چند روز پس از رأی‌گیری از اعلام نتایج رسمی خودداری کردند تا فضا را به گونه‌ای مهیا کنند که احمد شفیق رأی بیاورد و منویات آمریکا و صهیونیست‌های غاصب تأمین شود. اما مردم مجدداً به میدان تحریر سرازیر شدند و این اقدامات را کودتای نظامیان علیه انقلاب خود دانستند. به هر حال نظامیان با توجه به جو حاکم نهایتاً محمد مرسی را به عنوان برنده انتخابات و رییس جمهور مصر اعلام کردند. اکنون باید منتظر اقدامات محمد مرسی شد تا آزمایش خود را در پیشگاه ملت مصر پس دهد و معلوم شود که او تا چه حد اسلام‌گرای واقعی است و با مردم مصر چگونه رفتار می‌کند.

اما آینده مصر را نمی‌توان به دقت پیش‌بینی کرد. برخی از افراد شخصیت‌ها و مجامع جهانی درباره مصر اظهار نظر کرده‌اند. از جمله، دبیر کل «مجمع جهانی بیداری اسلامی» با اشاره به آینده مصر گفت: «حق مردم مصر است که بدون دخالت خارجی سرنوشت خود را تعیین کنند و جمهوری اسلامی ایران به عنوان دوست ملت مصر، برای آن‌ها آرزوی توفیق هر چه بیشتر دارد.»

وی ادامه داد: «از دوران حسنی مبارک، نظام‌های فکری دیگری به مردم مصر تحمیل شدند که مورد قبول مردم مصر نبودند و برای این کشور وابستگی‌هایی را ایجاد کردند. ما مطمئن هستیم مصر با رجوع به اسلام و احیای ارزش‌های اسلامی می‌تواند جایگاه اصلی خود را به دست آورد.»

#### منابع

۱. توکلی، یعقوب. اسلام‌گرایی در مصر (پژوهشی در تفکر و عملکرد جماعت اسلامی مصر). انتشارات سوره مهر. تهران. ۱۳۹۰.
۲. وبگاه‌ها و پایگاه‌های اطلاع‌رسانی بیداری اسلامی.



# تبیین مفاهییم و واژگان اقتصادی

تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی

فخری امام جمعه

عضو گروه‌های آموزشی

متوسطه نظر اداره کل آموزش

و پرورش شهر تهران و دبیر اقتصاد

منطقه‌های ۱ و ۶ شهر تهران

## اشاره

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی در پیام نوروزی خود، سال ۱۳۹۱ را سال «تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی» نامیدند. ایشان با دعوت از همه دست‌اندرکاران اقتصادی و آحاد ملت برای حرکت به سوی رونق تولید داخلی، بر ضرورت مجاهدت اقتصادی و حضور جهادگونه ملت ایران در عرصه‌های اقتصادی تأکید کردند.

توجه به عناوین پنج سال اخیر بیانگر این واقعیت است که نوعی ارتباط منطقی و سلسله مراتبی در نام‌گذاری‌ها وجود دارد، به گونه‌ای که نوآوری و شکوفایی، اصلاح الگوی مصرف، همت مضاعف، کار مضاعف، و جهاد اقتصادی، همگی زمینه‌ساز و پیش‌نیازهای تقویت تولید و ارتقای کیفیت تولیدات داخلی هستند.

اشاره مقام معظم رهبری به راهبرد حمایت از تولید، تکلیف بزرگ‌تری را برای همه متولیان عرصه‌های گوناگون به‌ویژه دستگاه‌های فرهنگ‌ساز و در رأس آن‌ها، آموزش و پرورش، ایجاد کرده است تا بسترها و توانمندی‌های لازم را برای حمایت مؤثر از تولید و توسعه و تقویت آن فراهم آورند. شاید بتوان گفت نخستین قدم در راستای توجه عملی به «تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی» تبیین دقیق مفهوم تولید ملی و ابعاد متفاوت آن با هدف افزایش سطح دانش و فهم اقتصادی آحاد مردم، تشریح مزایا و امتیازات تولیدات داخلی و همچنین تفهیم سود این رویکرد برای جامعه، یافتن راه‌ها و راهکارهای عملیاتی شدن این شعار، و توجه به آثار و پیامدهای اهتمام به تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی است. به همین منظور در این نوشتار کوتاه سعی شده است مفاهیم و واژگان کلیدی پیام پربار نوروزی امام خامنه‌ای تبیین شود. در پایان نیز به اختصار به نقش مردم، مسئولین، تولیدکنندگان و دستگاه‌های فرهنگی در این زمینه اشاره شده است.

**کلیدواژه‌ها:** تولید ملی، تولید داخلی، سرمایه انسانی و غیر انسانی، مصرف‌کننده و تولیدکننده، آموزش و پرورش، سیاست‌های اقتصادی دولت



## تولید و عوامل آن

«تولید» از اصطلاحات

علم اقتصاد و به معنی فرایند تهیه کالا

و خدمات مورد نیاز با استفاده از منابع و امکانات موجود است. از نظر اقتصادی، تولید به معنای ساخت کالا (شیئی ملموس) یا ارائه خدمات (غیرملموس) است. خدماتی مانند خدمات ارائه شده توسط پزشکان، معلمان، تعمیرکاران و... نیز تولید به حساب می‌آیند، زیرا هدف از ارائه این گونه خدمات هم رفع نیازهای مردم است. عوامل تولید عبارتند از:

۱. عناصر انسانی (عامل کار):

- نیروی کار جسمی: در برخی از فعالیت‌های اقتصادی، کارگر ساده مورد نیاز است.
- نیروی کار فکری یا سرمایه انسانی: نیروی انسانی که متخصص، ماهر، مدیر یا کارآفرین است.

۲. عناصر غیرانسانی:

- سرمایه فیزیکی: شامل زمین، ذخایر معدنی، آب‌ها و به‌طور کلی منابع طبیعی است.
- سرمایه مالی: شامل پول، اعتبارات و وجوه دریافتی حاصل از فروش اوراق بهادار است که وارد فرایند تولید می‌شوند.
- سرمایه اجتماعی<sup>۱</sup>: دربردارنده اعتماد عمومی، همکاری و روابط متقابل بین اعضای جامعه، احساس امنیت و... است. سرمایه اجتماعی فضا و بستر را برای انجام فعالیت‌های دیگر فراهم می‌کند.
- سرمایه معنوی<sup>۲</sup>: این مفهوم در ادبیات اقتصادی غرب به تازگی مطرح شده است و سابقه زیادی ندارد. شاید بتوان از نظام ارزشی و دین و فرهنگ به سرمایه معنوی تعبیر کرد.

## تولید ملی و تولید داخلی

تولید ملی: مجموعه کالاها و خدمات نهایی تولیدشده از سوی عوامل مولد موجود در یک کشور طی یک زمان معین -

که معمولاً یک‌ساله است - با معیار دارا بودن تابعیت آن کشور، تولید ملی نامیده می‌شود. بدین ترتیب، همه کالاها و خدمات تولید شده و نیز عایدات حاصل از سرمایه‌گذاری‌های انجام شده توسط ایرانیان مقیم داخل و خارج از کشور در تولید ملی محاسبه می‌شوند.

**تولید داخلی:** مجموعه کالاها و خدمات نهایی تولید شده از سوی عوامل مولد یک کشور طی یک زمان مشخص - که معمولاً یک‌ساله است - با معیار داخل کشور بودن، تولید داخلی نامیده می‌شود. بدین ترتیب، تمامی کالاها و خدمات تولید شده و نیز سود حاصل از سرمایه‌گذاری‌های انجام شده توسط ایرانیان و نیز خارجی‌های ساکن کشور، در تولید داخلی منظور می‌شود.

**کالاها و خدمات نهایی:** کالا و خدماتی هستند که در انتهای زنجیره تولید قرار گرفته‌اند و خود آن‌ها برای تولید کالاها و خدمات دیگر خریداری نمی‌شوند.

## محاسبه تولید جامعه

معمولاً برای محاسبه تولید کل، مجموع ارزش پولی تمامی کالاها و خدمات تولید شده در طول یک سال اندازه‌گیری می‌شود. در اندازه‌گیری و سنجش میزان تولید جامعه به چند نکته باید توجه کرد:

- کالا شیء ملموس است، اما خدمات ملموس نیست. بنابراین نمی‌توان آن‌ها را با هم جمع بست. از سوی دیگر، واحد اندازه‌گیری کالاها و خدمات با یکدیگر متفاوت است. مثلاً نمی‌توان دو تن سیب را با هزار جلد کتاب جمع کرد. برای رفع این مشکل، ارزش پولی تولیدات - که عبارات از حاصل ضرب مقدار کالاهای تولید شده در قیمت هر واحد از آن کالا است - برحسب واحد پول ملی سنجیده می‌شود.
- تولیدات متعلق به بخش غیر پولی اقتصاد در محاسبه تولید در نظر گرفته نمی‌شود. برای مثال، کالاها و خدمات تولید شده توسط زنان خانه‌دار و کارهای اجتماعی چون مراقبت از سالمندان و بیماران در چارچوب خانواده، به این علت که در بازار مورد معامله و خرید و فروش قرار نمی‌گیرند، در تولید محاسبه نمی‌شوند.

● تا زمانی که هزینه استهلاک سرمایه‌های به کار گرفته شده در بخش تولید، از تولید ملی یا داخلی کسر نشده باشد، آن را «تولید ناخالص ملی»<sup>۲</sup> و «تولید ناخالص داخلی»<sup>۴</sup> می‌نامیم. در صورتی که هزینه‌های استهلاک از رقم تولیدات فوق کسر شود،

«تولید»

خالص» به دست می آید. البته در

اقتصاد معمولاً تولید ناخالص ملاک محاسبه قرار می گیرد. ● برای یکسان سازی معیارها، تولیدات هر کشور بر اساس «ترخ ارز برابری قدرت خرید»<sup>۵</sup> که صندوق بین المللی پول برای هر کشوری اعلام می کند، محاسبه می شود. این شاخص برای مقایسه استانداردهای زندگی در کشورهای مختلف ضروری است.

● با توجه به تفاوت چشم گیر جمعیت کشورها، برای مقایسه سطح زندگی و رفاه افراد جوامع از شاخص های سرانه استفاده می شود که از تقسیم هریک از شاخص های فوق بر جمعیت آن کشور به دست می آید.

● از آن جایی که قیمت ها معمولاً در طول زمان افزایش می آید، میزان تولید محاسبه شده در هر سال رقم بیشتری را نشان می دهد، در حالی که ممکن است مقدار تولید افزایش نیافته باشد. برای رفع این مشکل باید ارزش تولیدات هر سال را بر مبنای قیمت کالاها و خدمات در سال معینی (سال پایه) محاسبه کرد. بدین ترتیب GDP و GNP حقیقی به دست می آید. به عبارت دیگر، در صورتی که میزان تورم از تولید ناخالص داخلی و ملی کسر نشده باشد، آن ها را GDP و GNP اسمی می گویند.

چگونه از تولید ملی، کار و سرمایه ایرانی حمایت کنیم؟ نقش آفرینان عرصه حمایت از تولید ملی را با در نظر گرفتن اختیارات و ذی نفع بودنشان به چهار گروه تقسیم می کنیم:

### گروه اول: مصرف کنندگان (مردم)

بخش عظیم حمایت از تولید ملی، کار و سرمایه ایرانی به مردم باز می گردد. نقش افراد جامعه در این حمایت نه تنها کم رنگ تر از دولت و حلقه های اصلی اقتصاد، یعنی کارگران و سرمایه گذاران نیست، بلکه بسیار اساسی و با اهمیت است. مصرف کننده نهایی، حلقه اصلی زنجیره تولید است؛ به این مفهوم که اگر مصرف کننده ای وجود نداشته باشد تولید معنایی نخواهد داشت. بنابراین هم تولید کنندگان و نهادهای دولتی در قبال مصرف کننده داخلی مسئولیت دارند و هم یکایک افراد ایرانی باید خود را ملزم بدانند به عنوان یک وظیفه و تعهد در قبال میهن و با درک شرایط حاکم بر کشور، نسبت به محصولات داخلی با ارفاق برخورد و از تولیدات داخلی استفاده کنند. به علاوه، به عنوان یک

مطالبه گر،

ارتقای کیفیت این کالاها را از تولید کنندگان بخواهند. در واقع احساس مسئولیت عمومی و عزم ملی در مصرف کالای داخلی بارزترین و مهم ترین رمز و راز تحقق تولید ملی است.

### گروه دوم: دولت و دست اندر کاران عرصه سیاست گذاری

تولید و صیانت از سرمایه های داخلی در جهت پیشرفت کشور، نیازمند توجه جدی دولت مردان به عنوان مجربان اقتصاد کلان کشور، قوه مجریه به عنوان سیاست گذار و قوه قضاییه به عنوان ضابط نظام در عرصه حمایت از فعالیت های سالم اقتصادی است. بهبود فضای کسب و کار و سرمایه گذاری در کشور، اجرای کامل سیاست های اصل ۴۴ قانون اساسی، تأمین نقدینگی لازم برای فعالیت های مولد اقتصادی، گسترش مناسبات و پیوندهای منطقه ای و حضور فعال در بازارهای جهانی با هدف توسعه مبادلات اقتصادی و تجاری، تجهیز بنگاه های تولیدی به دانش فنی روز با هدف ارتقای بهره وری و رقابت پذیری، توسعه بسترهای تحقق اقتصاد دانایی محور، جلوگیری از واردات بی رویه کالاهای خارجی، افزایش بهره وری عوامل تولید به ویژه نیروی انسانی، توجه به مقوله کار آفرینی، حمایت از مخترعان و کار آفرینان و تعریف راهکارهای عملی شدن اختراعات، حمایت از تولیدات فرهنگی و علمی، جذب سرمایه گذاری خارجی، اعمال سیاست های اقتصادی در بخش صادرات، عدم اتکالی صرف به تقاضای داخلی و دستیابی به تقاضاهای جدید از طریق بازارهای جهانی، از اصلی ترین وظایف دولت برای تقویت بخش تولید هستند.

### گروه سوم: سرمایه گذاران، تولید کنندگان و کار آفرینان

صاحبان صنایع برای حفظ منافع خود و مصرف کننده باید کیفیت تولیداتشان را ارتقا دهند تا مصرف کننده داخلی را راضی نگه دارند. زیرا مرغوبیت کالای داخلی مصرف کننده را قانع خواهد کرد که کالای داخلی را بر کالای خارجی ترجیح دهد. فرهنگ کار و تولید و ارتقای کیفیت باید به فرهنگ عمومی کشور تبدیل شود. تمامی دست اندر کاران عرصه تولید کالا و خدمات باید تلاش کنند، افزایش تولید ملی و استفاده بهینه از سرمایه های مادی و انسانی ایرانی تحقق یابد.

افزایش تولید نیازمند ارائه الگوها، نظریه ها و تئوری های کارآمد و علمی است. افزایش دانش و مهارت

**بخش عظیم حمایت از تولید ملی، کار و سرمایه ایرانی به مردم باز می گردد. نقش افراد جامعه در این حمایت نه تنها کم رنگ تر از دولت و حلقه های اصلی اقتصاد، یعنی کارگران و سرمایه گذاران نیست، بلکه بسیار اساسی و با اهمیت است. مصرف کننده نهایی، حلقه اصلی زنجیره تولید است؛ به این مفهوم که اگر مصرف کننده ای وجود نداشته باشد تولید معنایی نخواهد داشت**

تخصصی به جهش در تولید منجر می‌شود. بنابراین تولیدگران و صاحبان سرمایه باید با پشتوانه علمی لازم به افزایش و کیفی‌سازی تولید روی آورند. همچنین، شرایط امروز ایران عاری از فرصت‌های طلایی برای کارآفرینان و سرمایه‌گذاران نیست. کارآفرینان می‌توانند با خلق ایده و نوآوری در تولید، نقش بسزایی در افزون‌سازی تولیدات داشته باشند.

### گروه چهارم: دستگاه‌های فرهنگی و رسانه‌های جمعی به‌ویژه آموزش و پرورش و صداوسیما

الف) آموزش و پرورش و تولید علم و آگاهی برای جامعه نقش آموزش و پرورش و معلمان در آگاهی بخشی و هوشیار کردن ذهن مخاطبان نسبت به ظرافت‌ها و دقت‌هایی که درباره مصرف تولیدات داخلی وجود دارد، به نحوی که به ارزشمندی کالای ایرانی و ایجاد روحیه حمایت از تولید ملی منجر شود، غیرقابل انکار است. ترویج آموزه‌های دینی و معیار قراردادن نگاه قرآنی در مصرف و دوری کردن از اسراف و تجمل‌گرایی، افزایش سطح دانش عمومی و تخصصی اقتصادی، و ایجاد روحیه خودباوری، وجدان کاری و مسئولیت‌پذیری، از وظایف مهم نهاد تعلیم و تربیت در راستای تربیت شهروندان حامی تولید ملی است. آموزش و پرورش در هم‌سوئی با سیاست‌های سند چشم‌انداز، باید روحیه کار و تولید و نیز افتخار به ایرانی بودن را از کودکی در دانش‌آموزان این مرز و بوم تقویت کند تا نسل آینده، نسلی پرتلاش و تولیدکننده تربیت شود و در تولید ملی ایفای نقش کند. بدین ترتیب ضرورت ایجاد می‌کند که آموزش و پرورش، حمایت از تولید ملی را به عنوان سرفصل تربیت اقتصادی نسل آینده در برنامه‌ریزی‌های خود قرار دهد.

### ب) رسانه و فرهنگ‌سازی

رسانه‌ها نقش اساسی در بازنمایی مفاهیم و اندیشه‌های گوناگون دارند و قادرند اندیشه‌ها را در اذهان پرورش دهند. توجه رسانه‌های جمعی به موضوعات معین موجب می‌شود که اهمیت آن موضوعات در نظر مردم افزایش یابد. بنابراین وظایف زیادی را می‌توان در باب فرهنگ‌سازی برای مصرف تولیدات داخلی متوجه رسانه دانست. شاید بتوان رسانه را «دستگاه تولید فرهنگ» نامید، زیرا نقش مهمی در فراهم آوردن بسترهای فرهنگی دارد. در رأس رسانه‌ها، «صداوسیما» به عنوان پرمخاطب‌ترین رسانه، اصلی‌ترین

نقش و وظیفه را برعهده دارد. بی‌تردید حمایت از تولید ملی نیازمند ایجاد بسترهای فرهنگی مناسب در جامعه است. به این منظور باید فرهنگ مصرف جامعه را اصلاح کنیم. اگر الگوی مصرف اصلاح شود، حمایت از کار و سرمایه ایرانی محقق خواهد شد. صداوسیما می‌تواند با ساخت برنامه‌های مناسب، آگاهی عمومی مردم را نسبت به کالاهای داخلی افزایش دهد و مصرف محصول داخلی را به یک عادت و فرهنگ تبدیل کند. به این ترتیب، به تدریج مصرف کالای خارجی نه تنها از وضعیت موجود، یعنی نوعی تفاخر، خارج می‌شود، بلکه آثار این اقدام که تضعیف موقعیت کارگر داخلی و سرمایه داخلی است، تشریح می‌شود. در این صورت، جز در مواردی که جنس مشابه داخلی وجود ندارد، مصرف کالای خارجی به یک ضدارزش تبدیل می‌شود. اگر مردم بدانند با حمایت از تولید ملی بسیاری از مشکلات گریبانگیر جامعه حل خواهد شد و پیشرفت علم و فناوری سرعت بیشتری می‌گیرد، آگاهانه به سمت حمایت از تولید ملی حرکت می‌کنند.

یکی دیگر از نقش‌آفرینی‌های رسانه، بازتعریف و طراحی سبک زندگی ایرانی برای مخاطبان مختلف براساس معیارهای غنی اسلامی و بومی است که اساسی‌ترین ویژگی آن تولید و مصرف داخلی باشد. هر کالایی که از یک جامعه به جامعه‌ای دیگر صادر می‌شود، بخشی از فرهنگ جامعه مبدأ را با خود به جامعه مقصد منتقل می‌کند. چه بسا فلسفه صدور و راهیابی آن کالا به جامعه مقصد، انتقال فرهنگ جدید باشد، چرا که فرهنگ‌ها زیربنای اصلی هر اجتماعی را تشکیل می‌دهند و تنها با حاکمیت فرهنگی است که می‌توان بساط سلطه را بر یک جامعه پهن کرد. بسیاری از کالاهای وارداتی بر مبنای نیاز جامعه ایرانی طراحی و تولید نشده‌اند، بلکه هدف از تولید آن‌ها ایجاد «نیازهای کاذب» در مصرف‌کننده است. همین نیاز کاذب که بخش عمده‌ای از درآمد خانواده ایرانی را به خود اختصاص می‌دهد، فرصت را از تولیدکننده و کارگر ایرانی می‌گیرد. رسانه‌ها می‌توانند با اصلاح الگوی مصرف و تغییر سلیقه فرهنگی مردم، زمینه حرکت شتابنده همگانی را در مسیر توسعه و تعالی ایران اسلامی فراهم سازند.

پی‌نوشت

1. Social capital
2. Spiritual capital
3. Gross National Product/ GNP
4. Gross Domestic Product/ GDP
5. purchasing power parity/ ppp

# خانواده‌ها ریسک‌می‌کنند، بچه‌ها می‌لغزند!

محمد دشتی

امروز در مورد دغدغه‌های اجتماعی مشترکی که ما و شما داریم گفت‌وگو کنیم. آیا در مدارس شما دانش‌آموز معتاد وجود دارد؟»

اعضای جلسه نگاه‌های معنی‌داری به هم می‌کنند و وقتی یکی از آنان می‌خواهد چیزی بگوید، دکتر یا عذرخواهی می‌گوید: «نه! نمی‌خواهم الان پاسخ بدهید. می‌خواستم بگویم که گفت‌وگوی ما در مورد مسائلی است که حرف زدن من و شما پیرامون آن می‌تواند ناراحت‌کننده اما مفید، اثربخش و اثرگذار باشد. نگاه ما و مأموریت ما، نگاه و مأموریت بازرسی و مچ‌گیری نیست! ما یک رسانه همکار و در واقع نمایندهٔ معلمان و دیگر همکاران آموزش و پرورش و دانش‌آموزان هستیم. اگر سؤالاتی از این دست مطرح می‌کنیم، قصدمان محاکمه کردن کسی و تلخ کردن کام دوستان نیست! تلخی آن نیست که ما در مورد بود یا نبود معضلاتی مانند طلاق و اعتیاد در یک استان با هم گفت‌وگو کنیم، بلکه تلخی و غصه آن جایی است که حتی یک دانش‌آموز معتاد در کشور وجود داشته باشد و ما از آن بی‌اطلاع و یا نسبت به آن بی‌توجه باشیم.»

اشاره

به اتفاق گروهی از همکاران مجله «رشد آموزش علوم اجتماعی» گزارشگران دفتر انتشارات کمک آموزشی به استان خراسان شمالی سفر کرده‌ایم.

روز یکشنبه ۳۱ اردیبهشت ماه به شهرستان شیروان می‌رسیم و در محل ادارهٔ آموزش و پرورش شیروان، با آقای فریدون سیاوشی، معاون آموزش متوسطهٔ این شهرستان و جمعی از معلمان و اعضای گروه‌های آموزشی استان دیدار و گفت‌وگو می‌کنیم.

کمی دیر می‌رسیم و همکاران در محل دفتر آقای سیاوشی منتظرمان هستند. سلام و علیک و خوش و بشی می‌کنیم و سر جاهایمان می‌نشینیم. آقای دکتر همدانی، مدیر داخلی مجله، از تأخیری که در رسیدن به شهرستان داشته‌ایم عذرخواهی می‌کند و پس از معرفی گروه همکاران می‌گوید: «دوستان عزیز در جریان باشند که ما برای پرسیدن سؤالات تکراری و کلیشه‌ای به استان نیامده‌ایم و می‌دانیم که در پایان سال تحصیلی وقت شما کم و در عین حال بسیار ارزشمند است. من می‌خواهم

### چهره‌ها شکفتند!

چهره‌ها باز تر می‌شوند! نشانه‌های تعجب و گرفتگی در صورت کم به کم به تبسم کم‌مایه‌ای تبدیل می‌شود. با ادامه بحث و توضیحات بیشتر دکتر احمد همدانی، شکفتگی و لبخند اعضای جلسه را هم مشاهده می‌کنیم. انگار از این همدلی و هم صدایی در مورد مسائلی که علی‌رغم وجود، صحبت کردن در مورد آن‌ها تابو و دور از انتظار است، خوش‌حال‌اند.

آقای همدانی، می‌گوید: «عرض بنده فعلاً تمام! اگر دوستان اجازه بدهند و ما را و همه خوانندگان مجله را محرم خود بدانند، راحت‌تر با هم صحبت کنیم.»

### نماینده‌ای که تنها پیمان نمی‌گذارد!

**آقای وحدانی**، نماینده مجلات رشد در استان خراسان شمالی که با به پای گروه در بیشتر جلسات حضور دارد و این صحبت‌ها تا حدی برایش عادی شده، ضمن تشکر از همکاران در آموزش و پرورش شیروان که زمینه این گفت‌وگو را فراهم کرده‌اند، می‌گوید: «دوستان ما در مجله رشد آموزش علوم اجتماعی در یکی دو سال اخیر با حضور در استان‌های کشور تلاش کرده‌اند، ضمن تعامل نزدیک‌تر با مخاطبان خود و گفت‌وگوهای رو در رو با دانش‌آموزان، معلمان، مدیران و مسئولان آموزش و پرورش، مسائل مبتلا به حوزه علوم اجتماعی را از نزدیک مورد کنکاش و بررسی قرار دهند و با توجه به مأموریت‌های ملی مجله مبنی بر پوشش دادن به تمامی مخاطبان در سراسر کشور، مسئولیت‌های اجتماعی خود را در گستره کشوری به انجام برسانند. استان خراسان شمالی پس از جدا شدن از خراسان بزرگ و تبدیل شدن به یک استان مستقل، نیازمند توجه بیشتری از سوی مسئولان آموزش و پرورش است. به همین مناسبت همکاران ما در دفتر انتشارات کمک آموزشی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی تصمیم گرفته‌اند در پنجمین سفر استانی خود، به پوشش و انعکاس مسائل استان در حوزه مسئولیت‌های مجله رشد آموزش علوم اجتماعی بپردازند.»

### در زمینه مجلات رشد، رشد داشته‌ایم!

در ادامه جلسه آقای سیاوشی به معرفی همکاران خود می‌پردازد و می‌گوید: «ما در شهرستان شیروان همکاران پرتلاشی داریم که خوشبختانه در کنار آن‌ها توانسته‌ایم تا حد زیادی خدمات مناسبی را به دانش‌آموزان عزیز ارائه دهیم.»

در این جلسه **آقای شیرنژاد**، از همکاران علوم اجتماعی ما در پژوهشکده، آقای جیران، سرگروه درس تاریخ استان (که در بخش علوم اجتماعی و مسائل فرهنگی استان اطلاعات خوبی دارند)، آقای خادم، کارشناس ارشد



علوم اجتماعی و کارشناس شاهد، **آقای مروچی**، سرگروه جغرافیای استان، آقای ملکی، کارشناس ارشد علوم اجتماعی (که سوابق خوبی هم در قسمت پژوهش دارند)، **آقای مهدی افتخاری**، از همکاران پژوهش‌سرای دانش‌آموزی و **آقای ترقی**، کارشناس بخش علوم اجتماعی حضور دارند. در خدمت **آقای خیرآبادی** هم که مسئولیت توزیع مجلات رشد را در شهرستان شیروان برعهده دارند، هستیم. ما خوشبختانه در پناه تلاش‌های ایشان رشد خوبی را به لحاظ دریافت و توزیع مجلات رشد داشته‌ایم.

رشته سخن را آقای دکتر همدانی به دست گرفتند.

**همدانی:** بنده را ببخشید که جلسه را با شروعی متفاوت و با اشاره به معضلاتی آغاز کردم که شاید در وهله اول صحبت کردن از آن‌ها و پرداختن به آن‌ها خوشایند نباشد. ولی ما برای درمان، چاره‌ای جز شناخت درد نداریم. من توفیق داشته‌ام که ضمن تدریس در دانشگاه‌ها، همکاری‌هایی هم با آموزش و پرورش داشته‌ام و ارتباطم با مدارس کمک کرده است به عنوان مدیر داخلی رشد آموزش علوم اجتماعی بتوانم از وجود همکاران خوبم در سرتاسر کشور استفاده کنم. امیدوارم بتوانیم در این شهرستان هم از نظرات و پیشنهادات دوستان بهره کامل ببریم و آن‌ها را برای استفاده بیشتر در سراسر کشور، در مجله منعکس کنیم.

### می‌خواهیم امانت‌دار خوبی باشیم!

نگاه ما در این بحث و تبادلات حضوری و رو در رو، نگاه پژوهشی و فرهنگی است. در چند سال گذشته این

تصور وجود داشت که فضای مجلات ما بیشتر فضایی تهرانی است. به همین دلیل تصمیم گرفتیم با حضور بین مخاطبان حقیقی مجله در استان‌ها، این فضا را عوض کنیم. در واقع این صفحاتی را که به عنوان امانت چند روزی در اختیار ماست، برای انعکاس نظر و نگاه همه مخاطبان کشور، به خصوص استان‌های دوره افتاده‌تر که دسترسی کمتری هم به این فضاها دارند، اختصاص دهیم. این فرصت بسیار خوبی است برای آن که فضای بحث و گفت‌وگو بین مخاطبان در استان‌های کشور پهناور اسلامی ایران را بگشاییم و توسعه دهیم.

تصور وجود داشت که فضای مجلات ما بیشتر فضایی تهرانی است. به همین دلیل تصمیم گرفتیم با حضور بین مخاطبان حقیقی مجله در استان‌ها، این فضا را عوض کنیم. در واقع این صفحاتی را که به عنوان امانت چند روزی در اختیار ماست، برای انعکاس نظر و نگاه همه مخاطبان کشور، به خصوص استان‌های دوره افتاده‌تر که دسترسی کمتری هم به این فضاها دارند، اختصاص دهیم. این فرصت بسیار خوبی است برای آن که فضای بحث و گفت‌وگو بین مخاطبان در استان‌های کشور پهناور اسلامی ایران را بگشاییم و توسعه دهیم.

تصور وجود داشت که فضای مجلات ما بیشتر فضایی تهرانی است. به همین دلیل تصمیم گرفتیم با حضور بین مخاطبان حقیقی مجله در استان‌ها، این فضا را عوض کنیم. در واقع این صفحاتی را که به عنوان امانت چند روزی در اختیار ماست، برای انعکاس نظر و نگاه همه مخاطبان کشور، به خصوص استان‌های دوره افتاده‌تر که دسترسی کمتری هم به این فضاها دارند، اختصاص دهیم. این فرصت بسیار خوبی است برای آن که فضای بحث و گفت‌وگو بین مخاطبان در استان‌های کشور پهناور اسلامی ایران را بگشاییم و توسعه دهیم.

تصور وجود داشت که فضای مجلات ما بیشتر فضایی تهرانی است. به همین دلیل تصمیم گرفتیم با حضور بین مخاطبان حقیقی مجله در استان‌ها، این فضا را عوض کنیم. در واقع این صفحاتی را که به عنوان امانت چند روزی در اختیار ماست، برای انعکاس نظر و نگاه همه مخاطبان کشور، به خصوص استان‌های دوره افتاده‌تر که دسترسی کمتری هم به این فضاها دارند، اختصاص دهیم. این فرصت بسیار خوبی است برای آن که فضای بحث و گفت‌وگو بین مخاطبان در استان‌های کشور پهناور اسلامی ایران را بگشاییم و توسعه دهیم.

فراموش نکنیم که نقش برنامه‌ریزان درسی و آموزشی و مؤلفان محترم کتاب‌های درسی هم در این میان کم نیست. اگر آنان با هنرمندی و ظرافت مسائل جامعه را در کتاب‌های درسی نیاورند، معلم نمی‌تواند به تنهایی چنین مسائلی را در کلاس درس مطرح کند. پس برای حل و رفع این معضلات که در همه استان‌ها ممکن است وجود داشته باشد، به عزم ملی نیاز داریم

تصور وجود داشت که فضای مجلات ما بیشتر فضایی تهرانی است. به همین دلیل تصمیم گرفتیم با حضور بین مخاطبان حقیقی مجله در استان‌ها، این فضا را عوض کنیم. در واقع این صفحاتی را که به عنوان امانت چند روزی در اختیار ماست، برای انعکاس نظر و نگاه همه مخاطبان کشور، به خصوص استان‌های دوره افتاده‌تر که دسترسی کمتری هم به این فضاها دارند، اختصاص دهیم. این فرصت بسیار خوبی است برای آن که فضای بحث و گفت‌وگو بین مخاطبان در استان‌های کشور پهناور اسلامی ایران را بگشاییم و توسعه دهیم.

### تعامل با استان‌ها جزو دستور کار اصلی مجلات رشد است

شک نداریم که برای مجله‌ای مانند رشد آموزش علوم اجتماعی، نمی‌توان در اتاق‌های در بسته و جمع‌های محدود و کوچک نوشت. بنا به ماهیت مجله، نیاز داریم که به میان مخاطبان و خوانندگان خود برویم و با کمک آنان مجله را تهیه و تولید کنیم. ما از سال گذشته به نحوی برنامه‌ریزی کردیم که هر سال بتوانیم در چهار استان حضور پیدا کنیم و با مخاطبان و خوانندگان مجله به بحث و تبادل نظر بنشینیم. پدیده‌های اجتماعی خاص هر استان را هم در نظر داریم و تلاش می‌کنیم پدیده‌های خاص اجتماعی هر استان را برای آشنایی خوانندگان در سراسر کشور معرفی کنیم. امیدوارم در یک دوره چند ساله، خوانندگان عزیز ما با ویژگی‌های خاص تمامی استان‌های کشور به خوبی آشنا شوند و تصویر کاملی از وضعیت اجتماعی و فرهنگی کشور پهناور اسلامی ایران داشته باشند.

در سال گذشته ما در استان‌های خراسان رضوی، بوشهر، ایلام و چهارمحال و بختیاری حضور پیدا کردیم. امسال هم به استان کهگیلویه و بویراحمد و این استان سفر کرده‌ایم. ان‌شاءالله در همین ابتدای سال به استان‌های کردستان و همدان خواهیم رفت تا با مخاطبان خوب مجله از نزدیک گفت‌وگو کنیم.

### غافل نشویم، معضلات اجتماعی کمش هم زیاد است!

به نظر می‌رسد که ما در استان خراسان شمالی می‌توانیم حول سه محور مهاجرت‌های دانش‌آموزی تأثیرات فرهنگی مرز طولانی استان با کشور ترکمنستان و تبادلات فرهنگی و اجتماعی با آن کشور و مسائلی مانند اعتیاد و طلاق با هم گفت‌وگو کنیم. البته بحث‌هایی مانند اعتیاد و طلاق متأسفانه معضلاتی کلی هستند و چون موارد کم آن‌ها هم زیاد است، در این زمینه باید به فکر پیشگیری باشیم و درمان آن خیلی دیر است. این بررسی‌ها و هشدارها در

سالی هم معاون آموزشگاه‌های متوسطه بودهام. همکاران ما در مورد کتاب‌های علوم اجتماعی نظرات متفاوتی دارند و در جلسات سرگروه‌ها و گروه‌های درس علوم اجتماعی هم معمولاً بحث‌هایی در خصوص این کتاب صورت می‌گیرد.

### به نگرانی بچه‌ها پاسخ‌های مناسب بدهیم

وقتی هم به مدارس سر می‌زنیم، بچه‌ها به‌ویژه در سال اول، نگرانی‌هایی در این مورد دارند. نظرشان این است که مباحث مطرح‌شده در سال اول خیلی کلی هستند و درک آن‌ها دشوار است. از سوی دیگر فرصت لازم برای توضیح کافی در این خصوص در اختیار دبیران محترم نیست و از این بابت هم دانش‌آموزان دچار مشکل هستند. در پایه‌های دوم، سوم و حتی سال‌های بالاتر که درس تخصصی‌تر می‌شود، این مشکلات هم تا اندازه‌ای کاهش می‌یابد.

از سوی دیگر، ما در یک ارزیابی کلی در این درس و خصوصاً در مدارس حاشیه شهر، شاهد افت نمرات هستیم. همین موضوع نشان می‌دهد که باید تجدیدنظری در این خصوص توسط کارشناسان و مؤلفان محترم صورت گیرد.

**افتخاری:** بنده ۱۸ سال در آموزش و پرورش سابقه کار دارم. چند سالی در بندرعباس خدمت کرده‌ام و دو سال هم در شهرستان قم مشغول انجام وظیفه بوده‌ام.

در مورد مسئله اعتیاد و طلاق که شما به آن اشاره کردید، شکی نیست که این معضلات می‌توانند در هر جامعه و استان و یا در یک نگاه کلی‌تر در هر کشوری وجود داشته باشند. اعتقاد ما این است که باید این معضلات را به‌ویژه در حوزه دانش‌آموزی با حساسیت خاصی دنبال کنیم تا بتوانیم از تبعات منفی آن در امان بمانیم. تحقیقات میدانی هم که در برخی مدارس انجام شده‌اند از آن حکایت دارند که پدیده اعتیاد متأسفانه جامعه ما را هدف قرار داده است و باید مراقب آن باشیم. البته برای پرداختن به این موضوع به پژوهش‌ها و تحقیقات ویژه‌ای نیاز است تا بتوان سطح و جایگاه آن را به درستی تعیین و با نگاهی کارشناسانه و تخصصی به آن پرداخت. طبیعی است که فقط با اتکا به دانسته‌های محدود فردی نمی‌توان در این خصوص قضاوت کرد. همان‌طور که دوستان هم اشاره کردند، مطرح کردن موضوع برای هشدار و تذکر مفید خواهد بود و نباید آن را به عنوان یک حکم کلی در مورد همه مدارس و احیاناً به عنوان یک مشکل فراگیر مطرح کرد.

### در انعکاس مسائل اجتماعی، دقیق و با مطالعه رفتار کنیم

در مورد طلاق هم ما دریافته‌های کلی خود را بازتاب می‌دهیم، که نمی‌توان آن‌ها را ملاک و معیاری مناسب برای قضاوت در این زمینه دانست. بله! مانند هر جای دیگری



از کشور، در شهرستان شیروان هم طلاق وجود دارد و متأسفانه اثرات منفی خود را هم بر دانش‌آموزان، به‌خصوص دانش‌آموزان دوره ابتدایی می‌گذارد. همه ما با واژه بچه‌های طلاق و معضلات و مشکلات آن‌ها آشنا هستیم. تعلیم و تربیت تنها برعهده آموزش و پرورش نیست. ما در این جا فقط متولی تربیت رسمی در همان ساعات رسمی مدرسه هستیم. اگر نهادهای فرهنگی و اجتماعی دیگری مثل رسانه‌ها، اجتماع و به‌خصوص خانواده‌ها نقش خود را به‌درستی ایفا نکنند، ما هم در انجام این مسئولیت سنگین موفق نخواهیم شد.

من وقتی به گذشته فکر می‌کنم، می‌بینم زمانی که در قم و بندرعباس بودم، مسئله طلاق در این شهرها هم مطرح بود. یعنی این موضوع عمومیت دارد. به همین دلیل نظر من این است که به طلاق باید به‌عنوان یک معضل فراگیر توجه شود و بررسی موردی آن در یک شهرستان مثل شیروان، به حساسیت و دقت خاصی نیاز دارد.

**همدانی:** آیا فکر نمی‌کنید فراوانی این موضوعات در استان شما که سابقه فرهنگی زیادی هم دارد، بیش از حد معمول است و در واقع به مسئله تبدیل شده است؟ یا توجه به زیرساخت‌های اقتصادی و سابقه درخشان فرهنگی این استان، به نظر می‌رسد این دو زمینه، یعنی فقر و ناآگاهی، زمینه‌ساز این معضلات نیستند. به نظر شما دلیل فراوانی اعتیاد و طلاق در استان چیست؟

**ترقی:** بنده فوق لیسانس فلسفه هستم و ۱۶ سال سابقه کار دارم. کارم را از استان اصفهان شروع کرده‌ام و پس از ۱۰ سال تدریس در آن استان، به شهرستان شیروان منتقل شده‌ام.

آینده ندارند. این جوانان بالترژی و پرتوان باید در شهرهایی مثل تهران و بوشهر کارگری کنند و پولی را که طی دو سه ماه در می‌آورند، در یک ماه در شهرستان هزینه می‌کنند. این چرخه معیوب در طول سال تکرار می‌شود. پس این زیرساخت‌های بالقوه، عملاً به کار جوانان ما نمی‌آیند. یعنی با این‌که زیرساخت‌ها و امکانات اقتصادی وجود دارد، ولی چون تبدیل به فعل نشده فقر، هم‌چنان حکم می‌راند و نمی‌توان گفت وجود ندارد. فقر فرهنگی هم نه به‌عنوان نبودن فرهنگ، بلکه به‌عنوان آشنا نبودن، نشناختن و بهره نبردن از این سابقه درخشان فرهنگی وجود دارد. پس مشکل فرهنگی و وجود مرزها را هم می‌شود به‌عنوان زمینه معضلات و مشکلات معرفی کرد.

### خانواده‌ها قمار می‌کنند، بچه‌ها می‌بازند!

موضوع بعدی فراوانی و در دسترس بودن مواد است که قبح و زشتی این موضوع را از بین برده است. این مواد در دسترس خانواده‌ها قرار دارد و متأسفانه گاهی از آن‌ها به‌عنوان آرام‌بخش و دارو استفاده می‌شود. برخی از دانش‌آموزان قربانی خانواده‌های خود هستند. خانواده‌های آن‌ها با مصرف مواد دست به قمار زبانباز اعتیاد زده‌اند و در این میان بچه‌هایشان می‌بازند! البته با وجود همه این‌ها نمی‌توان گفت مسئله اعتیاد حاد و شدید است. دانش‌آموز من می‌گوید پدرم قبلاً کار می‌کرد و هزینه مواد خود را تأمین می‌کرد. ولی الان منتظر است تا در آخر ماه پول یارانه خانواده را برای این مواد هزینه کند. کاری هم به ما و احتیاجات ما ندارد. حل این‌گونه مسائل به عزم و توجه ملی نیاز دارد و من از این بابت خوشحالم که شما به‌عنوان یک رسانه به این موضوعات پرداخته‌اید.

**همدانی:** آیا شما قبول دارید که آموزش و پرورش در این زمینه مهم‌ترین عامل کنترل‌کننده است؟ باتوجه به این‌که شعار دادن در این زمینه مشکلی را حل نمی‌کند، شما به‌عنوان بخشی از آموزش و پرورش چه پیشنهادی عملیاتی در این زمینه دارید؟

**ترقی:** بیاییم در شیروان ۱۰ کارخانه احداث کنیم. آیا این کار ممکن است؟

**همدانی:** پیشنهادتان در حوزه آموزش و پرورش چیست؟ **ترقی:** مگر آموزش و پرورش می‌تواند بدون کمک و ایجاد زیرساخت‌های لازم در این خصوص، برای حل چنین معضل ریشه‌ای گام بردارد؟ من در کلاس درس از زبان‌های مواد برای دانش‌آموزان صحبت می‌کنم، اما همین دانش‌آموز وقتی پا به درون خانه می‌گذارد، با فقر و محرومیت و احیاناً وجود مواد در خانه روبه‌رو می‌شود. آیا به نظر شما این بچه می‌تواند چشمانش را ببندد و با حرف‌های من زندگی کند؟



### مشکل اعتیاد قابل مخفی کردن نیست!

ما شک نداریم که اعتیاد وجود دارد، آشکار است و قابل مخفی کردن هم نیست. متأسفانه علاوه بر خانواده‌ها، دانش‌آموزان هم درگیر این موضوع هستند. شاید بچه‌هایی باشند که مواد مخدر را از بزرگ‌ترها هم بهتر بشناسند. با کمال تأسف، برخی از بچه‌ها تهیه‌کننده این مواد برای خانواده و یا پدر و مادر خود هستند. متأسفانه مواد مخدر در آن استان و در روستایی هم که من تدریس می‌کردم، مواد مخدر وجود داشت و چون پدران بسیاری از بچه‌ها در کشورهای حاشیه خلیج فارس کار می‌کردند، بچه‌ها با این مسئله درگیر بودند. استان ما از پیشینه فرهنگی زیادی برخوردار است و زیرساخت‌های اقتصادی خوبی داریم، اما به نظر من این زیرساخت‌ها و زمینه‌ها، حداقل در حال حاضر بالقوه هستند و به فعل تبدیل نشده‌اند. از سوی دیگر، مردم ما با این فرهنگ غنی زیاد آشنا نیستند و از آن بهره نمی‌برند. این فرهنگ نتوانسته است عاملی بازدارنده در برابر مشکلات اجتماعی باشد و کارکرد مناسب و مفیدی نداشته است. در این استان و شهرستان شیروان، زیرساخت‌ها و منابع طبیعی و خدادادی فراوانی وجود دارد، اما جوانان ما بی‌کارند! زمینه بهره‌گیری از این امکانات هم وجود دارد، ولی متأسفانه به آن توجه نشده است.

### این مشکل ریشه‌هایی دارد که نمی‌توان به آن‌ها بی‌اعتنا بود

جوانان ما بی‌کارند! درصد قابل توجهی از آنان برای کار به تهران و شهرهای بزرگ می‌روند و امید چندانی به



**افتخاری:** در کتاب‌های جدیدی که برای دانش‌آموزان به چاپ می‌رسد، به آن‌ها به عنوان شهروند نگاه می‌شود. به دانش‌آموز گفته می‌شود باید مهارت‌هایی را فرا گیرد که در آینده بتواند به کمک آن‌ها به عنوان شهروندی موفق و خوب در خدمت شهر و نیارهای شخصی خودش باشد.

### در طرح تحول بنیادین،

### دانش‌آموز مطلوب نظام اسلامی تعریف شده است

در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش هم، دانش‌آموز ما به عنوان فردی مفید به حال خود و جامعه خود تعریف شده و شاخص‌هایی برای او تعیین شده که نظام آموزش و پرورش باید چنین دانش‌آموزانی را به جامعه تحویل بدهد. اما در کتاب‌های موجود ما، به‌خصوص در دوره‌های متوسطه و راهنمایی، هنوز اعتیاد و طلاق به عنوان یک معضل اجتماعی و یک ضدارزش معرفی نشده‌اند. اگر هم به آن‌ها اشاره‌ای شده خیلی گذرا و حاشیه‌ای بوده و به عنوان بحثی کلیدی مورد توجه قرار نگرفته است.

شکی نیست که آموزش و پرورش در این زمینه نقش و مسئولیت دارد و معلمان ما هم باید نسبت به آن‌ها حساسیت داشته باشند. حالا جدا از مسئولیت قانونی و حرفه‌ای، اگر خدای ناکرده این مشکل توسعه پیدا کند، می‌تواند فردا دامان فرزندان و خانواده‌های آنان را هم بگیرد و برای خودش هم معضل به وجود آورد.

### معلم به تنهایی نمی‌تواند این مشکل را حل کند

فراموش نکنیم که نقش برنامه‌ریزان درسی و آموزشی و مؤلفان محترم کتاب‌های درسی هم در این میان کم نیست. اگر آنان با هنرمندی و ظرافت این مسائل را در کتاب‌های درسی نیاورند، معلم نمی‌تواند به تنهایی چنین مسائلی را در کلاس درس مطرح کند. پس برای حل و رفع این معضلات که در همه استان‌ها ممکن است وجود داشته باشد، به عزم ملی نیاز داریم. در این میان، نقش مجلات رشد هم به عنوان رسانه‌ای که به همه مدارس کشور می‌رود و از این جنبه بی‌رقیب است، بسیار اهمیت دارد. هر کدام از این مجلات مخاطب و زبان خاص خود و قطعاً تحریریه و کارشناسی حرفه‌ای خود را دارد که باید هنرمندانه و به شکل مناسب و مؤثری به این معضلات بپردازند.

### حتی وجود یک دانش‌آموز معتاد هم شایسته این نظام نیست

متأسفانه در میان دانش‌آموزان دوره‌های ابتدایی و متوسطه، دانش‌آموز معتاد داریم. روشن است دانش‌آموزی که با پدر و مادر معتاد خود زندگی می‌کند، زمینه‌گرایش

به اعتیاد در او بیشتر است. در چنین وضعیتی و در نظام اسلامی، اگر در همه کشور حتی یک دانش‌آموز معتاد هم وجود داشته باشد، از بالاترین مسئول در وزارت آموزش و پرورش تا معلمی که در مدرسه و در کلاس درس زحمت می‌کشد، باید به این موضوع حساس باشند و برای رفع این مشکل قدم بردارند. البته احساس من این است که گام‌های بلندی در آموزش و پرورش برداشته شده است. در طرح تحول بنیادین آموزش و پرورش، تربیت شهروند آگاه و مسئول مورد توجه قرار گرفته و در اسناد تحول، به‌خصوص سند ملی برنامه درسی، به خوبی به آن پرداخته شده است. **همدانی:** آیا به نظر شما، آن چه که در این اسناد آمده است، قادر خواهد بود دانش‌آموز توصیف شده را به جامعه تحویل دهد؟ آیا به ویژگی‌ها و تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی استان‌ها در این اسناد توجه شده است؟ دوستان در صحبت‌هایشان وجود مسائلی از قبیل اعتیاد و طلاق را به عواملی بیرونی ارتباط دادند و آن را مشکلی فراسازمانی بیان کردند. آیا در این سندها هم به این معضلات با همین نگاه واقع‌بینانه (که حاصل حضور شما در محیط و لمس مشکلات از نزدیک است) توجه شده است؟

**ترقی:** البته در طرح تحول ۲۰ تا ۳۰ درصد از تصمیم‌سازی‌ها در اختیار استان‌ها می‌باشد اما مشکل این جاست که ما در خیلی از موارد جزیره‌ای عمل می‌کنیم. یعنی هر کدام در هر بخشی که هستیم، جداگانه تصمیم می‌گیریم، برنامه‌ریزی می‌کنیم و به اجرا درمی‌آوریم. من امیدوارم در بحث‌های تحول این اتفاق نیفتاده باشد و آموزش و پرورش که بر اساس فرمایشات دوستان، متولی بخشی از نظام تعلیم و تربیت است (حتی اگر این بخش، مهم‌ترین بخش باشد)، به تنهایی برای این کار تصمیم نگرفته باشد. از دیگر متولیان بخش‌های فرهنگی که در تعلیم و تربیت نظام سهیم هستند، نظرخواهی کرده و مشورت گرفته باشد؛ زیرا اگر طرح تحول به بهترین شکل هم طراحی و تدوین شده باشد، اما حامل و متضمن نظر و نگاه آنان نباشد و با مشارکت نهادهای ذی‌ربط تهیه نشده باشد، حتی اگر با مقاومت آنان روبه‌رو نشود، حداقل همراهی آنان را با خود نخواهد داشت.

مدیر آموزش و پرورش استان باید برای این کار در کنار فرماندار و استاندار بنشینند و با همکاری آنان فکری به حال این معضلات بکنند. آن‌ها باید در کنار امام جمعه و فرمانده انتظامی شهرستان بنشینند و همه متولیان فرهنگی و اجتماعی منطقه را دور هم جمع کنند و برای حل مشکل راهکار پیدا کنند. در این صورت معلم هم می‌تواند در کنار این برنامه‌ها و با حمایت آنان، نقش خود را به خوبی ایفا کند.

**همدانی:** همه این حرف‌ها درست، ولی چه کسی باید در این کار پیشقدم شود؟

**ترقی:** بسم‌الله، بفرمایید! پیشقدم شوید، ما هم پشت سر و پشتیبان شما هستیم.

**همدانی:** من این موضوع را مطرح کردم و مسئله را در ذهن دوستان ایجاد کردم. خوش‌حالم که دوستان هم در بحث با ما همراه شدند. در جمع ما، معاون آموزش متوسطه شهرستان، آقای سیاوشی هم حضور دارند. من انتظار دارم دوستان این موضوع را فرا روی خود قرار دهند و در حد امکانات و اختیارات خود کار کنند. طبیعی است که در قدم اول نامهربانی‌های زیادی هم ببینید!

**سیاوشی:** این‌گونه نیست که ما دست روی دست گذاشته باشیم و کاری نکرده باشیم. برای روشن شدن مسئله برایتان مثالی می‌زنم. ما محله معروفی داریم که تا نام آن بیاید، دوستانی که در این شهر هستند، یاد مسئله اعتیاد می‌افتند. ما به کمک دیگر دوستان مسئول در شهرستان توجه خاصی به این محله کردیم و قرار شد هر بخشی کاری را انجام دهد. ما هم به عنوان آموزش و پرورش کتابخانه‌ای در آن محل احداث کردیم. نیروی انتظامی دخالت کرد و خانه‌های مورددار را لاک و مهر کرد. فرمانداری و شورای تأمین امنیت شهرستان حضور پیدا کردند. ادارات دیگر هم مانند «میراث فرهنگی» و بقیه ادارات مسئول، هر کدام نقشی را برعهده گرفتند. نتیجه چه بود؟ مشکل آن محله حل شد و سلامت به آن بازگشت، ولی مشکل اصلی حل نشد، فقط یک جابه‌جایی صورت گرفت. مشکل اعتیاد خودش را در محله جدیدی نشان داد. مشتریان به جای مراجعه به محله الف، به محله ب می‌رفتند.

### معنی حرف‌های ما فرار از مسئولیت نیست!

مشکل آن قدر پیچیده است که با این‌گونه برنامه‌ها قابل حل نیست. اگر دوستان من هم از ناهماهنگی و نتیجه ندادن اقدامات فردی و یا حتی دستگاهی صحبت می‌کنند، به مفهوم بی‌انگیزی، فرار از مسئولیت و بی‌تفاوتی نیست. ما و شما می‌توانیم این موضوع را برای اطلاع‌رسانی و آگاهی بخشی منعکس کنیم، ولی کلید حل این مشکل در دست ما و شما نیست. حرف من هم همان فرمایش آقای ترقی است. حل این مشکل در گرو همت عالی و هماهنگی همه دستگاه‌های فرهنگی و اجتماعی و حتی اقتصادی مسئول در سطح شهرستان است. البته برخی اقدامات فرهنگی و رسانه‌ای هم در این زمینه انجام شده است. از جمله هفته گذشته برنامه‌ای از صدا و سیما، خراسان شمالی با عنوان «اعتیاد و راهکارهای مقابله با آن» به مدت یک هفته پخش شد. در این برنامه از زوایای مختلف به این معضل اجتماعی پرداخته و بحث‌های خوب و

**مسائل اجتماعی مانند دانه‌های تسبیح در کنار هم معنا می‌دهند و با یک نگاه نظام‌مند، در کنار هم و در تعامل با هم معنا می‌دهند و می‌توانند نقش واقعی خود را ایفا کنند. پس در یک نگاه ریشه‌ای و عمیق ما باید از خودمان شروع کنیم. باید برای معلمان در عمل نقش و ارزش قائل شویم تا آن‌ها بتوانند دانش آموزان باهویتی را تحویل جامعه دهند**

مفیدی هم در آن مطرح شد. ما در استان از این موضوعات غافل نیستیم، ولی پیچیدگی مسئله و ابعاد تأثیرگذاری آن متأسفانه به‌گونه‌ای است که به اقداماتی اساسی نیاز دارد.

**همدانی:** بله، من متوجه هستم که شما نسبت به این موضوع بی‌تفاوت نیستید، ولی عرضم این است که مسئولیت ما در این زمینه بیشتر از نهادهای دیگر است. ما تعداد زیادی از دانش‌آموزان را چند ساعت در روز در اختیار داریم و با خانواده‌ها در ارتباط هستیم. باید از این سرمایه‌های ارزشمند که در اختیار دیگران نیست، به خوبی و در بالاترین حد خود استفاده کنیم. خودتان اشاره کردید که در مورد فلان محله اقدام کرده‌اید و آن محله پاک شده است. خوب این مدل خوبی است و نشان می‌دهد که اگر هماهنگی و با برنامه باشد، جواب می‌دهد. پس نباید خسته شویم. مطمئن هستیم که نقش آموزش و پرورش در پاک‌سازی آن محله و بیشتر از آن در تثبیت وضع سلامت آن، از همه نهادهای بیشتر بوده است. **افتخاری:** درست است که مشکل این محله حل شده، ولی چرا مشکل از یک محله به محله دیگر منتقل شده است؟ به نظر من فشارهای بیرونی و کنترل خارجی باعث حل مشکل شده‌اند. در درون انسان‌ها و در درون آن محیط اتفاقی نیفتاده است. همان‌طور که قبلاً هم اشاره شد ما باید به فکر تغییر دیدگاه و فرهنگ‌سازی در این زمینه باشیم، وگرنه این اقدامات مسکن‌هایی خواهند بود که در درازمدت و با شیوع این معضلات، حداقل تأثیر خود را هم از دست خواهند داد. در چنین وضعیتی حتی این خطر وجود دارد که با اقدامات موردی و محله به محله، ما به آلوده شدن نوبتی محلات دامن

بزنیم. یک بازی موش و گربه شکل بگیرد که فقط انرژی ما را صرف خود کند و نتیجه مطلوبی هم نداشته باشد.

### ریشه مسئله دربی توجهی به مقاوم و منزلت انسان است!

اما ریشه مسئله کجاست؟ به نظر من مسئله به ارزش قائل نشدن برای انسان‌ها برمی‌گردد. محیط باید به گونه‌ای باشد که انسان‌ها در جامعه احساس تعلق و هویت کنند و خود را ارزان نفروشند. مردی که شغل ندارد و اهمیت و جایگاه خود را در خانواده از دست داده است، به راحتی به مواد مخدر پناه می‌برد. فراموش نکنیم ما در آموزش و پرورش مسائلی داریم که معلمان و همه همکاران ما را رنج می‌دهد! معلم در منزلت و جایگاه واقعی و شایسته خود قرار ندارد. همکاران ما به لحاظ اقتصادی تأمین نیستند و به لحاظ اجتماعی و ارزشی هم جایگاه شایسته‌ای ندارند. این‌ها که دیگر پنهان کردنی نیست. آیا معلمی که برای دانش‌آموز خود الگو نیست، حرفش می‌تواند در او تأثیر بگذارد؟ به قول شاعر شیرین سخن:

ذات نایافته از هستی بخش/کی تواند که شود هستی بخش  
مسائل اجتماعی مانند دانه‌های تسبیح در کنار هم معنا می‌دهند و با یک نگاه نظام‌مند، در کنار هم و در تعامل با هم معنا می‌دهند و می‌توانند نقش واقعی خود را ایفا کنند. پس در یک نگاه ریشه‌ای و عمیق ما باید از خودمان شروع کنیم. باید برای معلمان در عمل نقش و ارزش قائل شویم تا آن‌ها بتوانند دانش‌آموزان باهویتی را تحویل جامعه دهند. انسان‌های ارزشمند هیچ‌گاه ارزش خود را سطح یک معتاد کنار خیابان و یا کسی که از خانواده خود روی گردان شده است، پایین نخواهند آورد. همه انسان‌های ارزشمند آرزوی آن شاعر بزرگ را دارند که «از دیو و دد ملولم و انسانم آرزوست!»

**همدانی:** به نظر دوستان، ما در تألیف و از جمله آقای دکتر عیوضی در کتاب‌های درسی ابتدا باید فلسفه‌های اجتماعی را مطرح کنیم و بعداً مسائل اجتماعی و از جمله مسائل مورد نیاز دانش‌آموزان را براساس این فلسفه تبیین کنیم. آن‌طور هم که دبیران درس مطالعات اجتماعی می‌گویند کتاب به لحاظ فلسفی دشوار نیست. حالا سؤال این است که «به نظر شما آیا باید این مبانی فلسفی گفته شود و یا نه؟»

**سیاوشی:** بله، این مطالب و یا بیان فلسفه درس در جای خود لازم است، ولی باید به گونه‌ای باشد که دانش‌آموزان توانایی درک آن را داشته باشند و دبیران هم بتوانند و فرصت داشته باشند که این مسائل را (که به لحاظ ماهیت فلسفی و تا حدودی انتزاعی هستند) در ساعات در نظر گرفته شده به دانش‌آموزان آن‌گونه که شایسته است، بیاموزند.

**ترقی:** من هم اعتقاد دارم که دانش‌آموزان ما به دانستن مبانی فلسفی این درس نیاز دارند، ولی یادمان



نرود، دانش‌آموزان برای فراگیری این مبانی به کمک معلمان خود نیاز دارند. ما در بیشتر درس‌ها با مسئله کمبود زمان روبه‌رو هستیم و این مسئله قابل کتمان نیست. حتی بعضی معلمان هم قدرت انتقال این مفاهیم را ندارند. به این ترتیب دانش‌آموز درس را درست نمی‌فهمد و در درازمدت به دلیل درک نکردن همین مقدمات، از این درس که می‌تواند درس شیرینی هم باشد، روی گردان می‌شود.

### معلمان به صورت تخصصی برای درس‌ها تربیت نمی‌شوند

ناتوانی برخی از همکاران ما هم دلیل دارد. قبلاً همکاران معلم ما برای درس‌ها به‌طور تخصصی تربیت می‌شدند، اما با برچیده شدن تربیت معلم، بسیاری از همکاران به رشته‌هایی جذب شدند که به درس‌شان مربوط نبود. این موضوع هم خودش تأثیرگذار است و می‌تواند در ارائه تصویری نامناسب از کتاب موجود مؤثر باشد. این نکته به محتوا و مطالب کتاب برنمی‌گردد. کلاس‌های ضمن خدمت هم چندان تأثیرگذار نیستند و شاید بتوان گفت بسیاری از همکاران فقط با انگیزه ارتقای شغلی در این کلاس‌ها شرکت می‌کنند.

چنین معلمی به‌طور طبیعی از تدریس این مبانی فلسفی که به آگاهی و شناخت نیاز دارد، عاجز خواهد بود و دود آن هم در نهایت به چشم دانش‌آموز می‌رود. پس علاوه بر آوردن مبانی فلسفی در کتاب درسی، فضای تدریس را هم باید به نحوی تدارک ببینیم که دانش‌آموز بتواند مطالب را به خوبی درک و هضم کند.

# مدارس شبانه‌روزی و تنوع فرهنگی‌ها

محمود اردو خانی

ازدواج در استان، و بی‌توجهی و نگاه کم‌رنگ به ورزش بیان داشتند.

نوبت به مدیرکل آموزش و پرورش استان خراسان شمالی آقای محمد وحیدی رسید. ایشان پس از خوشامدگویی، عذرخواهی از کمبود و کاستی‌ها و تشکر از زحمات گروه و گرمی داشت ایام ۱۵ خرداد اظهار داشت: «اکنون آموزش و پرورش در استان، از مدیران، معاونان و استادان خوبی بهره‌مند است و قرعۀ خدمت‌گذاری به ایشان به نام بنده خورده است. ما با مجموعه خود روابط دوستانه و صمیمانه‌ای داریم. چارچوب‌های مدیریتی و اداری گاه سخت و بازدارنده هستند و این ظرفیت علمی و مدیریتی دوستان و همکاران است که کارها را پیش می‌برد. در بدنه اداره کل بیش از ۴۵ نفر کارشناس ارشد فعالیت دارند و ما قصد داریم از همه ۸۰۰ فوق لیسانسی که در استان داریم، استفاده کنیم.» لذا برنامه‌هایی را برای رفع ضعف‌ها با توجه به زمان‌بندی شدن آن‌ها ارائه دادیم.

وحیدی شورای آموزش استان را بسیار فعال دانستند و اظهار داشتند این شورا از نظر کیفی در کشور برتر شناخته شده است.

تمرکز کار این شورا بر حوزه تعلیم و تربیت است و مسائل مالی و تجهیزاتی کمتر در این شورا مطرح می‌شوند. استفاده حداکثری از ظرفیت‌های دانشگاهی در پست مدیریت، از دیگر نکات مثبت استان است. کارگروه آموزش و پرورش هم همیشه با این شورا جلسه دارد و تنها کارگروهی است که در تمامی جلسات این شورا شرکت فعال دارد.

وحیدی افزود: در مورد تحقیقات علمی و میدانی در استان باید بدانید که ظرفیت خوبی در نیروی انسانی استان داریم. به‌خصوص به دلیل تفکیک و استانی شدن، انگیزه پژوهش بالا رفته است. قبلاً چون استان بسیار بزرگ بود، افراد و کارها زیاد به چشم نمی‌آمدند، اما حالا همه دیده

گروه اعزامی مجله «رشد علوم اجتماعی» به استان خراسان شمالی، پس از یک هفته حضور در استان، با هماهنگی اداره کل آموزش و پرورش و همکاری‌های بسیار صمیمانه مسئولان آن، توانست با تعدادی از دانش‌آموزان و دبیران درس مطالعات اجتماعی و نیز مدیران و معاونان ادارات شهرستان‌های این استان به گفت‌وگو بنشینند و نظرات آن‌ها را در خصوص مسائل آموزشی و فرهنگی استان جویا شود.

این گروه از موزه‌های مردم‌شناسی و آثار تاریخی نیز گزارشاتی تهیه کرد. همچنین به کمک آقای اکبرزاده، معاون آموزشی اداره، توانستیم در مهمان‌سرای خانه معلم با آقای وحیدی، مدیرکل اداره آموزش و پرورش استان و معاونانشان دیدار و گفت‌وگویی داشته باشیم. در آن خانه معلم ما مهمانانی بودیم که از میزبان خود پذیرایی می‌کردیم.

ابتدا دکتر همدانی، مدیر داخلی «رشد علوم اجتماعی» از ایشان به خاطر همکاری‌های عوامل آموزش و پرورش استان با گروه ما تشکر و قدردانی کرد و سپس به معرفی مجلات رشد و رشد علوم اجتماعی پرداخت. آن‌گاه اهداف حضور ما را در استان‌ها مطرح و اعضای گروه را معرفی کرد. در حالی که آقای مدیرکل با دقت مطالب را گوش می‌دادند، و گاهی یادداشت می‌کردند، اعضای گروه ما نقطه‌نظرات خود را در خصوص رشد کمی و کیفی دانش‌آموزان، برنامه‌های در دست اقدام آموزش و پرورش، همکاری‌های بین‌نهادی در استان، جایگاه علوم انسانی در جامعه، اعتیاد و دل‌نگرانی‌های دانش‌آموزان، مدیریت سخت در بعضی مدارس شبانه‌روزی، حقوق و بهداشت زن در خانواده و عنایت مدیران استان به امر تحقیق و پژوهش، نگرانی‌های دانش‌آموزی در مورد آینده شغلی، دشواری‌های به کارگیری روش‌های فعال در تدریس علوم اجتماعی، پایین بودن سن



باشد. اما بعضی‌ها هم عقیده دارند که طلاق‌ها در سن بالای ازدواج و با درجات عالی تحصیلی، باعث شده است ازدواج در سن پایین بیشتر مورد توجه قرار گیرد. ایشان در بخشی دیگر از سخنانش گفت. حضور دانش‌آموزان در مدارس شبانه‌روزی، به دلیل تماس دانش‌آموزان با فرهنگ‌های متنوع تأثیر مثبتی روی آن‌ها دارد.

دانش‌آموزان بعد از طی دوره تحصیل در این فضا، به افرادی خانواده دوست، قانع و صبور، و بردبار تبدیل می‌شوند و با خانواده کمتر مخالفت می‌کنند. در واقع، موجبات رفتاری اثرگذار و دو طرفه بین دانش‌آموزان و خانواده فراهم می‌آید. البته ایشان مدارس شبانه‌روزی را بیشتر برای مناطق روستایی مناسب می‌داند، نه مراکز شهری، خصوصاً مرکز استان.

و حیدی در حوزه بهداشت زنان در خانواده و تأثیرات آموزش و پرورش بر آن خاطر نشان ساخت که دانشگاه علوم پزشکی و اداره کل آموزش و پرورش همکاری‌های نزدیکی در این زمینه دارند. وی در مورد استقبال معلمان از پژوهش و تحقیق گفت: «بیشتر معلمان ما دوست دارند با بیرون از سازمان قرارداد پژوهش داشته باشند و درآمد آن را بیشتر می‌دانند. در سال تحصیلی ۹۱-۱۳۹۰، یازده قرارداد پژوهشی داریم که هفت مورد آن‌ها راهبردی و بقیه پژوهش‌های نظری هستند. ما پژوهشگر را موظف می‌کنیم، یافته‌های خود را با عاملان اجرایی و درگیر موضوع پژوهش طی جلساتی و در جریان پرسش و پاسخ دوطرفه در میان بگذارند.»

ایشان در پایان از حوصله گروه و زحمات آن‌ها برای ارائه بازخوردهای مثبت و منفی تشکر و قدردانی کردند و خود و معاونشان را موظف به پیگیری نکات مطرح شده دانستند.

مدیر داخلی مجله و اعضای گروه هم از فضای بسیار صادقانه مدیریتی در استان و شفافیت امور قدردانی و تشکر به عمل آوردند.

می‌شوند. این فرصتی بسیار ظریف است که به کمک آن می‌توان جریان تحقیقات را در مسیر درست مدیریت کرد.

ما در این استان سه حوزه تمدنی داریم: اول، نوار حاشیه اترک و ظرفیت طبیعی آن که بیشترین طول را دارد. دوم، حوزه نوار مرکزی که وابسته و متأثر از وضعیت جدید تمرکز جمعیت است و به دلیل راه ابریشم، بیشترین جمعیت در این نوار هستند. بجنورد را شهر هزار چشمه می‌دانند که هفت یا هشت دره دارد و ۷۰ تا ۸۰ درصد جمعیت استان را در شعاع ۳۰ کیلومتری در خود جای داده است. سوم، حوزه قدیم استان که شامل حاشیه نوار کویر مرکزی ایران (جاجرم و اسفراین) و سکونتگاه‌های موجود در مسیر جاده ابریشم است.»

و حیدی رشد فرهنگی استان را حاصل انقلاب اسلامی و افزایش تعداد باسوادان می‌داند. ایشان ادامه می‌دهد: «ما نگرانی‌هایی هم داریم که بیشتر جنبه عمومی و کشوری دارند. از جمله این که در استان جامعه‌شناسی بومی نداریم و از نظر معارف اسلامی هم، عمق فعالیت‌ها کم است. اوج نزدیکی معارف اسلامی و جامعه‌شناسی را می‌توان در نظرات شهید مطهری مشاهده کرد که عرصه جدیدی برای فقهت مطرح کرد، ولی آن هم بارور نشد و تداوم نیافت.

اما سایر مسائل و مشکلات استان بیشتر متأثر از کل کشور هستند؛ مانند مسائل قومیت‌ها، زبان و دین. خوش‌بختانه در این موارد احترامات در استان بسیار کم هستند.

در رشته علوم انسانی فارغ‌التحصیلان زیادی داریم که این یک آسیب است؛ چون شغلی برای آن‌ها پیش‌بینی نشده است. دانش‌آموز ضعیف نباید به رشته علوم انسانی برود، بلکه باید ظرفیت و رشته خاصی در مدارس برای آن‌ها در نظر گرفته شود.»

مدیر کل آموزش و پرورش استان خراسان شمالی اظهار داشت که ازدواج زودرس می‌تواند دلیل آمار بالای طلاق

شیشه‌ها و میزها گرفته تا پوشه‌هایی که با دقت و ترتیب خاص در طبقاتی مشخص جای گرفته بودند. بعدها که بیشتر با مردمان خراسان شمالی آشنا شدم، باورم مبنی بر انضباط و سلیقه این مردم بیش از پیش قوت گرفت. وقتی دانش‌آموزان وارد شدند، به سختی می‌توانستی دختران شهری را از روستایی تمیز دهی. پیش از این‌ها چهره‌های روستایی عموماً با گونه‌هایی سرخ فام و پوستی آفتاب دیده قابل تشخیص بود. اما در برابر چهره‌هایی بود بیگانه از ویژگی‌های روستایی. جالب‌تر از آن ترکیب قومیتی بچه‌ها بود. سه کرد، دو فارس و یک ترک. البته اگر بخوایم به طور دقیق همه اقوام استان را نام ببریم، باید از پارسی‌ها (بوی تات و غیره) کردهای کرمانج، ترک‌ها، ترکمن‌ها، اقوام

خیابان کشی پهن، منظم و هندسی، با درختانی بالابند که به طور منظم در دو سوی خیابان قدم کشیده‌اند. هر از گاهی چند نفری که از خیابان‌ها گذر می‌کنند. شهر خلوت و بسیار آرام به نظر می‌رسد. نشانه‌ها گواهی از شهرسازی مدرن و نوظهور می‌دهند.

حوالی سال ۱۳۸۳ بود که شهر بجنورد به عنوان مرکز استان خراسان شمالی معرفی شد. گرچه بجنورد از این نظر عمر درازی ندارد، اما عقبه‌ای از تمدن شهری را به دوش می‌کشد. گویی که باید انعکاس تمام نمای دستاوردهای مدنیت باشد. در اولین نگاه، پوشش مردم شهر مؤید همین مدعاست. بجنوردی‌ها مردمانی شیک‌پوش و آراسته به نظر می‌رسند. نحوه ترکیب رنگ و مدل لباس‌ها بسیار امروزی و شهر تمیز

# مدارس شبانه‌روزی، جلوه‌ای از عدالت آموزشی

گپ و گفتی با دانش‌آموزان و دبیران مدارس استان خراسان شمالی

فاطمه خرقانیان

عرب، بلوچ و لر یاد کرد. در حقیقت خراسان شمالی آمیزه‌ای از همه فرهنگ‌ها را در خود جای داده است. چگونگی هم‌زیستی و تعامل این اقوام کنار یکدیگر می‌تواند به اولین سؤال هر بیننده‌ای مبدل شود از جمله من!

باور دانش‌آموزان بر این است که در خراسان شمالی، اقوام دیدگاه تعصب‌آمیزی نسبت به هم ندارند و همگی از ارزشی یکسان و برابر بهره می‌برند. با وجود گوناگونی فرهنگی، هم‌زیستی صلح‌آمیز و مثال‌زدنی را تجربه می‌کنند و طعم لذت‌آشنایی با دیگر فرهنگ‌ها را می‌چشند. به‌رغم استفاده از گویش‌های متفاوت، با زبان ملی با یکدیگر سخن می‌گویند و هویت ملی را شاه‌کلید هم‌صدايي‌ها تلقی می‌کنند. چه پرغور و با افتخار هم دلی میان قومیت‌ها را به رخ می‌کشیدند:

**ثابت‌قدم:** ما اول از همه ایرانی هستیم. استانمان پذیرای همه فرهنگ‌هاست. بسیاری نمی‌توانند با این تنوع

و گل‌کاری شده است. ما باید از ظاهر خیابان‌های پهن و دلگشا گذر کنیم و راهی به کالبد بیابیم؛ آن‌جا که نبض زندگی بالا و پایین می‌شود. برنامه ما گفت‌وگو با جمع کثیری از دانش‌آموزان خراسان شمالی بود درباره مسائل جامعه دانش‌آموزی این استان از آنان خواستیم برایمان از از «شادکامی‌ها» و «ناکامی‌ها» و «امیدها» و «تردیده‌ها» گرفته تا «مسائل اجتماعی» و «کاستی‌های آموزشی» و البته «پیچک بالنده بهروزی و پیروزی» بگویند.

## هم‌زیستی فرهنگ‌ها، گنجینه‌ای از تمدن

ایستگاه اول، «دبیرستان شبانه‌روزی نمونه دولتی نرجس»، واقع در شهر بجنورد بود. تقریباً بدون اطلاع قبلی وارد مدرسه شدیم. ما را به سوی اتاقی فرا خواندند، آراسته و منظم؛ از هماهنگی رنگ پرده و میز و صندلی تا نظافت تمام

کنار بیابند، اما ما با صمیمیت زندگی می‌کنیم و این نشانه فرهنگ غنی مردم ماست. و چه راست می‌گفت...

از دیگر جلوه‌های این هم‌زیستی از دیدگاه دانش‌آموزان، تعامل برادر گونه‌های اهل سنت و اهل تشیع است. اهل سنت به لحاظ جمعیتی حضور پررنگی در استان دارد. از مهم‌ترین اقوام آنان می‌توان از قوم ترکمن یاد کرد که در حاشیه نوار مرز شمالی استان با ترکمنستان سکنا دارد و به نوعی پاسداری از مالکیت سرزمینی منطقه را عهده‌دار است. در چنین فضایی، بچه‌ها احترام نهادن به اعتقادات و باورهای متفاوت را هر روزه مشق می‌کنند. معلمان نیز آموزگاران وحدت‌اند. دبیری می‌گفت: «همواره در کلاس تأکیدم بر

**پورهاشمی:** بیشتر جوانان ما دوست دارند از پوشش غربی تبعیت کنند. چالش این جاست. چرا ما نباید درباره فرهنگ اسلامی خودمان تبلیغ داشته باشیم.

با بیان این جملات گفت‌وگوی حکیمانه‌ای میانشان درمی‌گیرد. اما من در این اندیشه‌ام که اگر از بسیاری جوانان چنین سؤالی پرسیده شود، آن‌ها آزادی بیشتر در رفت و آمد و مسائلی از این دست را طلب می‌کنند که اقتضای این سنین است و رایج. در حقیقت شکوه از کم‌رنگ‌شدن ارزش‌های دینی، گواه از پررنگ‌بودن باورهای دینی در نگاهشان می‌داد و نهادینه شدن اعتقادات مذهبی در وجودشان به عنوان ارزشی بی‌بدیل. مشاهدات بیشترم در جامعه خراسان شمالی دین‌داری و تعهد مردم این



گفت‌وگوی خبرنگار رشد علوم اجتماعی در خوابگاه دانش‌آموزان مدرسه شبانه‌روزی

اشتراک‌هاست و از پرداختن به مسائل حساسیت‌زا اجتناب می‌کنم.»

این چنین است که به راستی می‌توان خراسان شمالی را نماد بی‌بدیل هم‌زیستی فرهنگ‌ها دانست. از جمله گلابه‌های دانش‌آموزی در خصوص تدریس، به روز نبودن اطلاعات برخی معلمان است؛ وقتی که در می‌یابند معلم نمی‌تواند متناسب با تغییرات کتاب درسی، اطلاعات کافی را برای تفهیم محتوای کتاب در اختیارشان قرار دهد.

### کمی آن سوی گلابه‌ها چیزی می‌درخشد

زاویه نگاه را می‌گردانم. هیچ کجا بی‌عیب و نقص نیست. می‌خواهم که بچه‌ها از مشکلات و آزرده‌گی‌ها بگویند. ثابت قدم: ما داریم از نظر اعتقادی پسرقت می‌کنیم.

استان را بیش از پیش برایم مسجل کرد؛ حتی میان جوانان.

### علوم اجتماعی دست‌نیافتنی

برای رسیدن به ایستگاه دوم می‌باید دو ساعتی از بجنورد فاصله می‌گرفتیم. مسیر بجنورد تا «رازجرلان»، مسیری سبز و نسبتاً جنگلی، با آب و هوایی معتدل است. تا چشم کار می‌کرد مراتع سبزمی‌خورد که به صورت دیم کشت برنج بر آن صورت می‌گرفت و جنگل‌هایی از جنس چوب «ارس» که گفته می‌شود از مرغوب‌ترین چوب‌هاست. گفت‌وگوی ما این بار با پسران دبیرستان شبانه‌روزی انجام شد. چهره‌ها شیطنت‌هایی از جنس پسران نوجوان را فریاد می‌زد. هر از گاهی زیر لب نجوا می‌کردند و در پیش تبسمی. از آن‌جا که همگی دانش‌آموز علوم انسانی بودند، از

## آتشی که به جان دانش آموز افتاده

دومین موضوع گفت‌وگو، شنیدن گلایه‌هاست. بحث گل می‌کند. باب درد دل باز می‌شود و از آن‌چه خاطرشان را آزاده کرده است، می‌گویند:

**قویدل:** در منطقه باور غلطی ایجاد شده که هر کس در رشته انسانی درس می‌خواند، فرد ضعیفی است.

بعد از این جمله گویی داغ همه تازه می‌شود. از بی‌مهری‌های جامعه می‌گویند و این‌که حتی معلمان نیز در این بی‌مهری سهیم‌اند. می‌گویند که بارها از دبیران طعنه شنیده‌اند و بی‌توجهی‌ها دیده‌اند. می‌گویند کتاب‌خانه از کتاب‌های مناسب برای رشته انسانی خالی است و دردناک‌ترین بخش فراگیری، معضل بی‌کاری فارغ‌التحصیلان این رشته است.

کتاب علوم اجتماعی پرسیدم و میزان درکشان از محتوای کتاب. برآیند گفته‌ها، شکایت از محتوای کتاب، گویا نبودن مفاهیم، کاربردی نبودن و عدم انطباق با نیازهای روز، فلسفی شدن مباحث علوم اجتماعی است.

برای بررسی بیشتر، این موضوع را در چند مدرسه مطرح کردم. نتیجه‌ای که حاصل آمد این بود که جمع کثیری از دانش‌آموزان دبیرستان برای درک محتوای کتاب علوم اجتماعی مشکل دارند و ناگزیر به روخوانی چندین باره کتاب و در نهایت فراگیری نامطلوب هستند. در این میان نباید حلقه اتصال معلم و کتاب را نادیده گرفت. به نظر می‌رسد بسیاری از معلمان در تدریس کتاب و تفهیم مطالب آن دچار مشکل‌اند. از روش‌هایی نظیر روخوانی و یا بیان صرف محتوای کتاب



به نظر می‌رسد درک کتاب در مدارس نمونه دولتی به مراتب بیشتر و مشکل دانش‌آموزان کمتر است. به ویژه آن‌که بارقه‌ای از روش‌های فعال تدریس و بهره‌گیری از ابزارهای کمک‌آموزشی در این مدارس مشاهده شد

**اسفندیاری:** اقوام من فوق‌لیسانس گرفته‌اند، اما بی‌کار هستند. من به چه امیدی درس بخوانم؟

**قویدل:** وقتی می‌گویند رشته انسانی به علت زیاد بودن فارغ‌التحصیلان آن جمع می‌شود، یعنی آن‌هایی که در مناطق برخوردار هستند، کارها را می‌گیرند و ما که در منطقه محروم هستیم، بی‌کار می‌مانیم. حقیقت این است که مدرسه‌ای نبود به آن پا بگذاریم و معضل اشتغال، وحشت از بی‌کاری و بی‌انگیزگی برای ادامه تحصیل به عنوان اصلی‌ترین دغدغه دانش‌آموزان مطرح نشود.

جالب این است که وحشت از بی‌کاری میان هر دو جنس دختر و پسر به یک میزان شیوع و عمومیت دارد. مشکل دیگر بچه‌ها، ناکافی بودن تغذیه‌ای است که مدرسه برایشان در نظر گرفته است.

بهره می‌جویند و با بهانه‌هایی نظیر کمبود وقت، از شکل‌گیری بحث و گفت‌وگو در کلاس جلوگیری می‌کنند.

دبیرانی که توانایی هدایت صحیح بحث را ندارند، با بیان این‌که موضوعات کتاب بحث را به سمت جنجال‌های سیاسی می‌کشاند، تا حد امکان از گفت‌وگو در کلاس امتناع می‌ورزند. مجموع یافته‌هایم در خصوص شیوه‌های تدریس علوم اجتماعی دوره دبیرستان این است که بسیاری دبیران در به کارگیری روش‌های فعال تدریس ناتوان هستند و دوره‌های آموزشی ضمن خدمت در این خصوص کم‌بهره و کم‌کیفیت‌اند.

البته استثناهایی هم همواره وجود دارند. به نظر می‌رسد درک کتاب در مدارس نمونه دولتی به مراتب بیشتر و مشکل دانش‌آموزان کمتر است. به ویژه آن‌که بارقه‌ای از روش‌های فعال تدریس و بهره‌گیری از ابزارهای کمک‌آموزشی در این مدارس مشاهده شد.



**قویدل:** ما این‌جا از نظر غذا مشکل داریم. ظهر که غذا می‌دهند، دیگر تا شب خبری از خوراکی نیست و با این وضع واقعاً درس خواندن مشکل است. مثل این‌که سرانه درست نمی‌رسد و مشکل بودجه دارند.

باتوجه به این‌که پسران دبیرستانی در سنین رشد قرار دارند و نیازشان به مواد غذایی بیش از هر زمان دیگری است، ضروری به نظر می‌رسد که مسئولان در اسرع وقت تدابیری برای حل این مشکل اتخاذ کنند.

مهاجرت دانش‌آموزان، تهدیدی که به فرصت تبدیل شد آخرین ایستگاه «شیروان» است؛ شهری که در دره رود مرزی «ترک»، بین کوه‌های «کپه داغ» و «آلاداغ» جای

**رحیمی:** یاد گرفته‌ام که چه‌طور با خانواده‌ام ارتباط برقرار کنم.

از سختی فراق روزهای نخستین می‌گویند و دل‌تنگی‌ها. همین‌طور از قدرت سازگاری و چگونگی وفق دادن خود با محیط و شرایط. آن‌ها از شرایط امروز تصمیم خود و خانواده برای این مهاجرت و به جان خریدن سختی‌ها خرسندند و تغییرات رفتاری حاصل را مثبت ارزیابی می‌کنند. آنان معتقدند که مستقل‌تر شده‌اند، از جامعه نمی‌ترسند و آموخته‌اند از حق خود دفاع کنند و تأثیرگذار باشند. از دیدگاه آنان، تفاوت دانش‌آموز روستایی با دانش‌آموز شهری در نوع گویش و میزان امکانات است. آن‌ها این مهاجرت را پلی به سمت موفقیت می‌خوانند.

جمع‌کنبری از  
دانش‌آموزان  
دبیرستان برای  
درک محتوای  
کتاب علوم  
اجتماعی مشکل  
دارند و ناگزیر  
به روحانی  
چندین باره  
کتاب و در  
نهایت فراگیری  
نامطلوب  
هستند



**سرحدی:** روستای ما دبیرستان ندارد. اگر بچه‌ها شبانه‌روزی قبول نشوند، صد در صد ترک تحصیل می‌کنند. چون نمی‌گذارند که یک دختر این مسیر را تنها بیاید و برگردد.

دیدگاه چند تن از دبیران و مدیران مدارس شبانه‌روزی را در خصوص آسیب‌های مهاجرت دانش‌آموزی جویا شدم که پاسخ‌ها به اتفاق حاکی از یک نکته بود. آنان معتقدند در ماه‌های آغازین ورود به خوابگاه، دانش‌آموز دچار دل‌تنگی و بحران‌های عاطفی می‌شود. اما با گذشت زمان او خود را با شرایط وفق می‌دهد سازگار می‌سازد. آنان بر این باورند که آسیب جدی دیگری طی سال‌های تدریس خود مشاهده نکرده‌اند. لذا مهاجرت دانش‌آموزی را راهکار مناسبی برای ارائه خدمات آموزشی مناسب و برقراری عدالت آموزشی در مناطق محروم برای دانش‌آموزانی می‌دانند که در صورت

گرفته است. زبان اصلی مردمش فارسی با گویش تاتی است. وارد شهر که می‌شویم شلوغ به نظر می‌رسد و پر همه‌مه. مقصد ما «مدرسه دخترانه شبانه‌روزی فاطمه‌الزها» است.

ایسن بار ما را به خوابگاه می‌برند و دختران با لباس‌های خانگی یک به یک در برابرمان ظاهر می‌شوند. با نیم‌نگاهی به اطراف تخت‌های پرتعدادی می‌بینیم که کنار هم ردیف شده‌اند. چه زندگی خانوادگی شلوغی... و بهانه گفت‌وگو خود به خود رخ عیان می‌کند. می‌پرسم: «تغییر مکان چه تأثیری روی شما داشته است؟»

**سنم‌نژاد:** نسبت به سختی‌ها صبورتر شده‌ام.

**نیک‌نام:** قبلاً منفی‌گرا بودم، اما در زندگی گروهی نگاهم عوض شد. قانع شده‌ام.

**سرحدی:** تعامل و صمیمیت با خانواده خودم بیشتر شده است.

دسترسی نداشتن به مدارس شبانه‌روزی، از ادامه تحصیل با ورود به دانشگاه باز می‌مانند.

### زنگ خطر به صدا در آمده است

اگر بچه‌ها از آسیب مهاجرت در امان مانده‌اند، اما خطری به مراتب سهمگین‌تر در کمین نشسته است: «اعتیاد». خراسان شمالی نیز از این آتش خانمان‌سوز مصون نمانده است و از این معضل اجتماعی رنج می‌برد. بچه‌ها می‌گویند که هر کدام در روستاهایشان با افراد معتادی آشنا هستند. قیمت‌ها را به خوبی می‌دانند و افراد توزیع‌کننده و همین‌طور مکان آن را می‌شناسند. از اقسام مواد کاملاً مطلع‌اند و همچون فردی آگاه، برایم تمایزات مواد صنعتی و غیرصنعتی را برمی‌شمارند.

به هر مدرسه که پا می‌گذاشتیم، با تعدادی دانش‌آموز ازدواج کرده و یا عقد کرده مواجه می‌شدیم. با این اوصاف، شیوع ازدواج در سنین پایین در این استان پررنگ به نظر می‌آید. گاه که بچه‌ها از دغدغه‌هایشان می‌گفتند، جمله‌ای را ناگفته می‌گذاشتند؛ جمله‌ای که در جمع خود آهسته‌نچو می‌کردند و ریزریز می‌خندیدند. گرچه که شاید از شرم یا حیا از طرح موضوع اجتناب می‌کردند اما سوسوی اضطراب در نگاهی که نگاهم را دنبال می‌کرد، از من می‌خواست، خود بخوانم این حدیث ناگفته‌را. پرسیدم: «در استان شما سن ازدواج دختران چند سال است؟»

پشت سر هم عددها عنوان می‌شدند: ۱۰، ۱۳، ۱۵، ۱۶. علت را از خانم رضوی جویا شدم و او در پاسخ گفت: «مردم



این منطقه ازدواج دختر در سن پایین را مایه شأن، شخصیت و مباحثات می‌دانند. لذا گاه در مواردی که حتی پسر بی‌کار است، این موضوع مانع ازدواج زود هنگام نمی‌شود.

نکته دیگر تعداد زیاد اعضای خانواده است. خانواده برای این که وضعیت مالی خود را سامان دهد، دختران را زودتر شوهر می‌دهد. حقیقت این است که این دغدغه به دختران نیز منتقل شده و ازدواج در سن مناسب (زیر ۱۸ سال) را به یکی از نگرانی‌های اصلی آنان بدل کرده است.

خانم رضوی یکی از علل رشد طلاق را ازدواج زود هنگام می‌داند و می‌گوید: «بچه‌ها تا دیپلم ثبات شخصیت ندارند و احساساتشان زودگذر است. یک سال ازدواج می‌کنند و سال بعد متوجه می‌شوند اصلاً این آقا را دوست ندارد و با هم، هم کفو نیستند.»

در مدرسه‌ای که خانم رضوی در آن تدریس می‌کرد، ما با چند دانش‌آموز دبیرستانی مطلقه و با در شرف طلاق

آن‌ها حتی از زنان معتاد سخن به میان می‌آورند. به دنبال بحث اعتیاد، افزایش طلاق را مولود نامیمون اعتیاد می‌انگارند و از تلاشی شدن خانواده‌هایی می‌گویند که سرپرست خانوار برای تأمین نیازهای خانواده را ندارند.

خانم زهرا رضوی مهر، مشاور مدرسه می‌گوید: «تعداد مراجعینی که طلاق گرفته‌اند و یا در شرف طلاق هستند، کم نیست که علت اصلی این جدایی‌ها اول اعتیاد و بعد مسائل اقتصادی است.»

قطعاً اعتیاد را می‌توان یکی از علل افزایش طلاق دانست، اما داستان طلاق از آن دست قصه‌هایی است که سر دراز دارند.

### کودکانی در لباس عروس

در خلال صحبت با دختران نکته‌ای مرا به خود می‌خواند: نکته‌ای که شاید ردپایش از بیراهه طلاق بگذرد.

مواجه شدیم که تا حدی اثباتی بود بر مدعای او. بد نیست در این خصوص نگاهی به وضعیت آمار کل کشور بیندازیم.

آمار «سازمان ملی جوانان» در سال ۱۳۸۳ وجود بیش از ۳۰ هزار کودک متأهل ۱۴-۱۰ ساله را در کشور تأیید می‌کند. از این میان دختران زیر ۱۴ سال با جمعیت ۲۴ هزار و ۵۰۶ نفر بیشترین آمار را به خود اختصاص می‌دهند. فراوانی چنین ازدواج‌هایی موجب شده است از آن‌ها به عنوان پدیده «مادران کودک» یا «عروسان کودک» یاد شود. اما این پدیده صرفاً به کشور ایران اختصاص ندارد. براساس برآوردهای انجام شده، پدیده یاد شده حداقل در ۴۹ کشور جهان رواج دارد. بیشترین آمار که تاکنون منتشر

مثال، در مطالعه‌ای در استان بوشهر که روی ۳۳۳ پرونده طلاق در دادگاه خانواده صورت گرفت، آمارها نشان دادند زندگی زوجینی که در سنین بین ۱۹ تا ۱۵ ازدواج کرده‌اند، در ۷۸ درصد موارد به جدایی منتهی شده است.

از دیگر سو، تداوم این زندگی‌ها با مخاطرات مواجه است. از جمله می‌توان به دشواری‌های ناشی از عدم آمادگی روحی، روانی و فکری زوجین برای تربیت فرزندان و ترک تحصیل زوجین به ویژه دختران یاد کرد. هم‌چنین، ازدواج در سنین پایین از جهت بهداشت باروری ممکن است خطرات جدی به دنبال داشته باشد.

به تأیید اسناد سازمان ملل متحد، هر ساله حدود ۱۴ میلیون دختر ۱۹-۱۵ ساله زایمان می‌کنند. مرگ و میر



شده، مربوط به جمهوری دموکراتیک کنگو با ۷۴ درصد، افغانستان ۵۴ درصد و بنگلادش ۵۱ درصد است که دختران پیش از رسیدن به سن ۱۸ سالگی ازدواج می‌کنند.

در تحقیقاتی که چند سال پیش در کشور مصر صورت گرفت، مشخص شد بیش از ۲۹ درصد عروسان کودک توسط همسران یا اقوام آن‌ها مورد آزار قرار می‌گیرند.

این آزارها در بسیاری موارد سبب فرار این دختران شده و در برخی کشورها، همین امر خود سبب بروز معضلی دیگر با عنوان «قتل محارم» شده است.

افزایش آمار طلاق از دیگر پیامدهای ازدواج زودهنگام است. در ایران آمار رسمی درباره فراوانی طلاق در میان زوجینی که در سنین پایین مبادرت به ازدواج می‌کنند، منتشر نشده است.

اما پاره‌ای مطالعات پراکنده و موردی، مؤید وجود رابطه نزدیک و گاهی مستقیم میان طلاق و سن پایین است. برای

ناشی از زایمان این گروه سنی دو برابر و زنان کمتر از ۱۵ سال، ۵ برابر بیشتر از زایمان زنان در دهه ۲۰ سالگی است.

درواقع زایمان عامل اصلی مرگ و میر زنان ۱۵ و ۱۴ ساله است. خطر مرگ نوزادانی که مادران آن‌ها کمتر از ۱۹ سال دارند نیز بیشتر است.

با توجه به آن چه گفته شد، ضروری است آموزش و پرورش کلاس آموزش خانواده با موضوع ازدواج زودهنگام را برای خانواده‌ها و نیز دانش‌آموزان برگزار و جوانب موضوع را به آنان گوشزد کند.

به علاوه، با توجه به فراوانی مسئله میان دانش‌آموزان، آموزش مهارت‌هایی در خصوص شیوه انتخاب مناسب، شرایط ازدواج صحیح و موضوعاتی نظیر آن می‌تواند به وقوع ازدواجی موفق و پایدار بینجامد.



▲ موزه گرمابه و تاریخ شهر جاحرم



▲ رباط قره بیل، کاروانسرای بین راهی که قدمت آن به دوران صفویه می رسد

## گزارشی از استان خراسان شمالی

# بسیار سفر باید

### اشاره

گروه خبرنگاری «رشد آموزش علوم اجتماعی» این بار به استان خراسان شمالی به مرکزیت بجنورد اعزام شد. این استان به مساحت ۲۸۴۳۴ کیلومترمربع، پس از مصوبه دولت در سال ۱۳۸۳، از خراسان بزرگ جدا و به استانی مستقل تبدیل شد. خراسان بزرگ قبلاً دربردارنده سه استان خراسان شمالی، رضوی و جنوبی که پس از تصمیمات کارشناسانه دولت مردان، اکنون به صورت استانی‌هایی مستقل اداره می‌شوند.

استان خراسان شمالی به حق گنجینه فرهنگ‌هاست. ترکیبی از اقوام تات و کرد و ترک و بلوچ و ترکمن که به آرامش در کنار هم زندگی می‌کنند و با یکدیگر مرادات بسیار صمیمانه‌ای دارند.

در این سفر سه موضوع کلی را مدنظر داشتیم: مسائل کتاب‌های درسی، مسائل آموزش و پرورش و پدیده‌های اجتماعی ویژه استان. گزارش حاضر نگاهی کلی به مجموع این سفر دارد.

### چو ایران نباشد تن من مباد.

برای درک واقعیت باید در موقعیت قرار گرفت. مشاهده‌ای عمیق داشت و به ثبت و ضبط آن پرداخت. بدین منظور ما نیز بار سفر بستیم؛ چون می‌دانستیم: «بسیار سفر باید تا پخته شود خامی».

دکتر همدانی، مدیر داخلی مجله «رشد آموزش علوم اجتماعی» با توجه به شاخص‌هایی، استان خراسان شمالی، این گنجینه فرهنگ‌ها را برگزیده بود. صبح جمعه همان‌طور که قول داده بودم، زودتر از ساعت مقرر داخل سالن ترمینال ۴ فرودگاه مهرآباد حاضر شدم. منتظر ماندیم آقایان دشتی و اردوخانی و خانم خرقانیان هم از راه برسند. آشنایی‌ها صورت گرفت و هواپیما رأس ساعت ۶:۴۵ دقیقه صبح آسمان تهران را به مقصد آسمان بجنورد، مرکز استان خراسان شمالی، ترک کرد.

در خانه معلم در خیابان «تربیت» بجنورد ساکن شدیم. در انتهای راهرو اتاقی تمیز و باصفا بود که به من و خانم خرقانیان تعلق گرفت. قرار بر این شد که هر روز جلسه‌ای در



▲ مقبرهٔ بار محمد خان شادلو سردار مفخم - حاکم بجنورد که در دوران قاجار به ساخته شده است



▲ قلعهٔ جلال الدین یکی از برجسته‌ترین قلعه‌های نظامی خراسان شمالی



▲ استاد عیسی بخشی - پایانه‌ای بر حدیث "بخشی گوها"

# تا پخته شود خامی

مریم معینی فر

کوهستان که به دست مردم منطقه و به سبک معماری باغ ایرانی - اسلامی ساخته شده بود.

## آخرین خبر: چه کسی جواب گوست؟!

چون تاکسی به سختی پیدا می‌شد، من و خانم خراقانیان سوار خودروبی شدیم که فقط ظرفیت دو نفر را داشت و بقیه وسیلهٔ نقلیهٔ دیگری سوار شدند. در راه از راننده که همراه با خانواده‌اش بود، تشکر کردیم. از شهرشان و از توجه شهرداری به شهر هم تمجید کردیم.

خانمی که ظاهراً خواهر خانم راننده بود، گفت به تازگی به خاطر اتفاقی که افتاده است، مردم از دست شهردار به شدت شاکی هستند. به دلیل بارش تگرگ و گرفتگی راه آب‌ها و بازبودن دریچهٔ وسط خیابان، آب بالا آمده و امکان دیدن دریچهٔ باز هم میسر نبود. متأسفانه مادری با فرزندش به درون راه آب سقوط کردند و جان باختند. سر دوراهی امام علی پیاده شدیم. هر قدر به راننده اصرار کردیم، پولی بابت کرایه نگرفت. خداحافظی کردیم و منتظر تاکسی برای خیابان تربیت شدیم.

سالن ترتیب داده شود تا از برنامهٔ بعدی و کم و کیف خبرها گزارشی شفاهی به دکتر بدهیم و این‌گونه نیز از نقطه‌نظرات یکدیگر آگاه شویم. رابط ما با آموزش و پرورش منطقه، آقای وحدانی، مردی با قامت متوسط و کمی پهن‌شانه و با ظاهری متین و محبوب بود که ادب را در هر شرایطی حفظ می‌کرد. اما عکاس مجله، آقای معتمدی، اهل نیشابور که با اتوبوس به بجنورد آمده بود، از هواپیما می‌ترسد و راه‌های دراز را با اتوبوس یا قطار طی می‌کند. شنیدم که نورسیده‌ای بیمار دارند. برای سلامتی نازنین زهرا، همگی در دل دست‌نیز به سوی معبود دراز می‌کنیم و شفای او را عاجلانه خواستار می‌شویم.

## اماکن دیدنی

برای صرفه‌جویی در وقت، بعد از ظهر جمعه سری به تالار آئینه و عمارت مفخم زدیم که هر دو مکان به دلیل تعطیلی روز جمعه بسته بودند. از آن‌جا به مکان دینی و زیبای «بش قارداش» به معنای «پنج برادر» رفتیم؛ پارکی بزرگ در دل



نماهایی از روستای ترکمن نشین جَرگلان - در مرز ایران و ترکمنستان - خراسان شمالی



## زوج خوشبخت

وسيله‌ای که سوار شدیم بسیار تمیز بود و روکش‌های نارنجی داشت. نتوانستیم لب به تمجید سلیقه‌راننده باز نکنم. همسر راننده که جلو نشسته بود، به لهجهٔ بجنوردی گفت: «ماشاله بگید، یه وقت شوهرم چشم نخوره.» و این‌گونه سر صحبت باز شد. آقا اهل شمال کشور و به روایت خود بهشت ایران بود و خانم اهل بجنورد. در کنار یکدیگر به خوشی و سعادت‌مندی سالیانی دراز روزگار گذرانده و راضی از زندگی‌شان بودند. نزدیک خانهٔ معلم پیاده شدیم و آقای دکتر را دم در خانه منتظر دیدیم.

## میزگرد دانش‌آموزی

با آقای اکبرزاده، معاون اداره که همکاری صمیمانه‌ای برای تنظیم ملاقات‌ها و تدارکات و ملزومات در جهت تحقق اهدافمان داشتند، ملاقات کوتاهی داشتیم. ایشان با چهره‌ای پر از لبخند اهداف مجله را از زبان دکتر همدانی شنیدند و گزارشی اجمالی از استان ارائه دادند. با هماهنگی انجام شده به «دبیرستان نمونهٔ مردمی دخترانهٔ نرجس» در شهر بجنورد رفتیم.

در میزگردی با حضور دانش‌آموزان و معلمان مدرسه، مسئلهٔ قومیت‌ها در شهر مطرح شد. همگی از جمله دبیران به «روابط صمیمانهٔ بین قومیت‌های مختلف» اشاره کردند و گفتند در استان مخصوصاً بجنورد، به دلیل تجمع قومیت‌ها در کنار یکدیگر، این موضوع امری معمول تلقی می‌شود و مشکلی در این زمینه پیش نیامده است. دانش‌آموزان از ارزش‌گذاری براساس نمره گله داشتند و آن را مانعی برای فهم بهتر دروس، مخصوصاً علوم اجتماعی می‌دانستند. به علاوه، از این‌که رشتهٔ علوم انسانی مهجور واقع شده و ارزش واقعی آن نمود پیدا نکرده است، گله‌مند بودند.

## ناهنجاری اجتماعی

از ناهنجاری‌های جامعه پرسیدیم. همگی متفق‌القول از اعتیاد گفتند؛ غولی بی‌شاخ و دم که آهسته می‌خزد و ویران می‌کند. علت اصلی آن را نامهربانی خانواده و ناتوانی‌شان در ارتباط با جوان‌ها ذکر کردند. در دسترس و ارزان بودن مواد مخدر، نزدیکی به کشور افغانستان و تبلیغ مثبت را از دیگر علل گرایش به مواد مخدر برشمردند. دربارهٔ تبلیغ مثبت سؤال شد، پاسخ دادند: «در سطح دانشگاه‌ها از مواد مخدر به عنوان دارویی برای شب‌زنده‌داری در شب‌های امتحان استفاده می‌شود.»

## دبیر خوش ذوق

اما باریک‌بینی یکی از دبیران خوش ذوق بجنوردی درباره قومیت‌ها جالب بود. خانم محمدی، دبیر تاریخ، در دقایق اضافه و پایانی کلاس از بچه‌ها می‌خواهد لطیفه‌ای تعریف کنند. با توجه به تنوع قوم‌ها در کلاس، دانش‌آموزان سعی می‌کنند هویت قومی خود را برتر و سایر هویت‌ها را پایین‌تر جلوه دهند. بعضی از آن‌ها یکدیگر را دست می‌اندازند و عیب‌های طرف مقابل را مضحکه می‌کنند. اما معلم تیزبین به این مطلب پرنغز اشاره می‌کند که آگاه‌ترین، پر تلاش‌ترین و سیاسی‌ترین افراد کسانی هستند که مورد تمسخر قرار می‌گیرند و چون در جامعه افرادی تأثیرگذار هستند، برای کم جلوه‌دادن نقششان آن‌ها را انگشت‌نما و تحقیر می‌کنند. با حرف‌های خانم محمدی نهال دوستی بچه‌ها پیوندی عمیق می‌خورد و گل خنده بر لبانشان آشکار می‌شود. با دبیران و دانش‌آموزان دبیرستان نمونه مردمی نرجس خداحافظی کردیم و راهی خانه معلم شدیم.

## مردمان صریح‌الهیجه

ساعت هشت صبح وسیله نقلیه در خیابان تربیت و در کنار خانه معلم حاضر بود. قرار بود زودتر برویم، اما نشد. با یک دست‌گناه ون سفید رنگ به سمت «شیروان» حرکت کردیم. ساعت حدود ۹:۲۰ دقیقه بود که به اداره آموزش و پرورش شیروان رسیدیم. آن‌چه در کنار اداره خودنمایی می‌کرد، مسجد جامع شیروان بود که کاشی‌کاری فیروزه‌ای آن چشم‌ها را نوازش می‌داد. تمامی کارشناسان از دیر آمدنمان گله داشتند، اما چه باید می‌کردیم، گاهی پیش‌بینی‌ها درست از آب در نمی‌آیند.

## گله‌گذاری اجتماعی

برای صرفه‌جویی در وقت به دو گروه تقسیم شدیم تا مصاحبه‌ها سریع‌تر انجام گیرند. اهداف مشخص و تعریف شده بود و سؤالات نیز با توجه به هدف در ذهنمان سیلان داشت. در مورد قومیت همگی اتفاق نظر داشتند که هیچ‌گونه تضاد فرهنگی بین قوم‌ها وجود ندارد و در جوار یکدیگر زندگی مسالمت‌آمیزی دارند. آقای شیرنژاد، کارشناس ارشد خانواده، علت این یکپارچگی را اعتقادات قومی مردم می‌دانستند. در بحث پدیده‌های اجتماعی، معضل اصلی را اعتیاد و علت آن را بی‌کاری ذکر کردند.

آقای یاسین جیران، سرگروه تاریخ و مدرس دانشگاه، یکی از عوامل صمیمیت قوم‌ها را با هم بودن، و شیعه بودن آن‌ها می‌داند و این که تفاوت قومیتی روز به روز کم‌رنگ‌تر می‌شود تا جایی که دیگر هیچ‌گونه تفاوتی نمی‌توان دید.



▲ آستانه مقدسه امامزاده حمزه الرضاعی



▲ چهار تاقی نیموری، صاحب بقعه را عبد خواجه از سرداران امیر تیمور گورکانی می‌دانند



▲ آرامگاه خواجه علی بن مهزیار از اصحاب خاص امام محمد تقی (ع) - مربوط به دوره ایلخانی



## شکست شیروان

آقای ملکی، کارشناس علوم اجتماعی، از موضوعی سخن گفت که تأثرمان را بیشتر کرد: اعتیاد بین دانش‌آموزان. ایشان معتقد است آموزش و پرورش در این خصوص نمی‌تواند کار مؤثری انجام دهد. مشکل در کتاب‌های درسی است که مشکلات اجتماعی منطقه را تبیین نمی‌کنند و در واقع در این زمینه کتاب مخصوص هر منطقه طراحی نشده است. هم‌چنین، دوگانگی فرهنگی و مهاجرت از روستا به شهر را از عوامل دیگر اعتیاد جوانان می‌داند.

شیروان روزگاری شهری صنعتی بوده است. کارخانه قند آن در خاورمیانه بی‌نظیر و مشهور بود که اکنون ورشکست شده است. شیروان کارخانه الیاف، اسفنج و کشت و صنعت نیز داشته است که الان هیچ‌کدام را ندارد. «سیاست‌زدگی» که به صورت پنهان می‌خزد و ویران می‌کند، در این‌جا نیز اتفاق افتاده و شیوع پیدا کرده است.

## اعتیاد سنتی و صنعتی

آقای خادم، کارشناس ارشد علوم اجتماعی، به اعتیاد سنتی و صنعتی اشاره می‌کند. وی معتقد است که اعتیاد سنتی چندان مشکلی ایجاد نمی‌کند و مشکل اساسی اعتیاد صنعتی است. ایشان دید فرهنگی افراد و نزدیکی به مرز را عوامل مهمی می‌داند.

## خاری دیگر در پیکره اجتماع

کارشناسان و دبیران شهرستان شیروان سن پایین ازدواج، مهاجرت و تجمعات را از جمله علت‌های طلاق در منطقه دانستند. شنیدن برخی ناهنجاری‌ها سخت و دشوار است. لذا در حالی که سعی می‌کردم تندی لحنم را پنهان کنم، پرسیدم نکته‌های مثبت شهرستان شیروان کدام‌اند. پاسخ این بود: ظرفیت بزرگی فرهنگی و استعدادهای خلاق. از دبیران و کارشناسان، از این‌که وقت‌گران بهایشان را در اختیار گذاشتند و صمیمانه پاسخ‌گوی سؤالاتمان بودند، تشکر کردیم و اداره را به مقصد دبیرستان دخترانه دیگری ترک کردیم.



▲ ارگ نظامی آما دوشن

## مهاجرین روستایی

در «دبیرستان شبانه‌روزی دخترانه»، با بچه‌های پایه دوم انسانی در اتاق ورزش، اتاقی دنج و کوچک، صمیمانه دور هم حلقه زدیم و به صحبت نشستیم. خوش‌بختانه بچه‌ها از وضعیتشان در خوابگاه راضی بودند؛ راضی‌تر از این‌که به شهر مهاجرت کرده بودند. مهاجرت برای تحصیل باعث شده بود اجتماعی‌تر شوند و مستقل عمل کنند. هر چند در سال اول حضورشان، بی‌عدالتی‌ها و تحقیرهایی را تحمل کرده بودند، ولی اکنون در وضعیت خوبی بودند.

حرف اصلی دانش‌آموزان مهاجرماندن علوم انسانی، عدم فهم کتاب علوم اجتماعی و معضل اجتماعی را غول اعتیاد و تفاله آن طلاق، بیکاری و... بود. دغدغه‌شان بیکاری بعد از اتمام درس و ترس از انحراف در دانشگاه.



▲ بقعة امزاده ابراهیم که مربوط به دوره تیموری می‌باشد

## آشخانه

در «مانه و سملقان» به مرکزیت «آشخانه» که از نظر سرسبزی و زیبایی در نوع خود بی‌نظیر بود، با استقبال گرم و صمیمی مدیر و کارشناسان اداره مواجه شدیم. در این شهر مدیر اداره، آقای عابدی، از پیشرفت تحصیلی بچه‌ها، رابطه بسیار خوب شیعه و سنی و مشکلات ریز و درشت همانند شهرهای دیگر سخن گفت. ایشان گفتند طرحی به اجرا درآمده است به نام «روزی به یاد دیروز» که در



بود که شغل مناسبی پیدا کنند تا در آینده کمک خرج خانواده باشند. اما تمام سعی‌شان هم این بود که به نحو احسن درس بخوانند و این‌گونه جواب‌گوی زحمات خانواده باشند.

### شام آخر

در شب پایانی اقامت‌مان در استان، آقای وحیدی، مدیرکل آموزش و پرورش به همراه معاون‌شان، آقای اکبرزاده، قدم رنجه فرمودند و به خانه معلم آمدند. آن‌چه دیده و شنیده بودیم، تک به تک گفتیم و ایشان نیز با جان دل گوش کردند و راهکارهای خود را شرح دادند. این راهکارها جاده‌ای است که همگان باید در آن قدم بگذارند و برای سربلندی فرزندان میهن‌مان و در واقع برای به سرانجام رساندن آن‌چه بر گرده‌مان است، ادای تکلیف کنیم چرا که بنی آدم اعضای یک پیکرند.



بخشی از مقبره یار محمد خان شادلو سردار مفتح - حاکم بجنورد که در دوران قاجار به ساخته شده است



میدان امام علی (ع) - استان خراسان شمالی

بزرگداشت یکی از دبیران بازنشسته است. کلاس درسی با حضور دانش‌آموزان دیروز برپا شده بود و جالب بود وقتی فهمیدیم، شهردار شهر هم جزو دانش‌آموزان دیروز بوده است. جای خالی ۳ شهید بزرگوار هم با صدای «حاضر» همه دانش‌آموزان قدیم در رسم حضور و غیاب پر شد. این نشان از پیوندی عمیق در دل‌ها داشت؛ چه زنده و چه حاضر در پیشگاه الهی.

آقای عابدی می‌گوید شهر آشخانه با ۲۳۰۰۰ نفر جمعیت، مرکز شهرهای مانه و سملقان است. در این شهر اهل تسنن سعی دارند جمعیتشان را با جمعیت شیعه برابر کنند، به همین دلیل جمعیت رو به افزایش است. این شهر روی گسل زلزله قرار دارد و به‌خاطر نزدیکی به استان گلستان، هنگام خشک‌سالی دچار آتش‌سوزی می‌شود. آشخانه تمدن ۵۰۰۰ ساله دارد.

مانه و سملقان شهر اول ورودی استان گلستان و منطقه‌ای پهلوآن خیز است. مردمان آن دارای تعصبات قومی و حماسی هستند.

### و اما راز

«راز» جایی بسیار دیدنی و زیبا، سرسبز و آرام است. برای من شگفت‌انگیز بود که چرا چنین مناطقی زیبایی هنوز کشف نشده‌اند. شاید نام‌گذاری آن هم به همین سبب باشد؛ رازی پنهان و دست‌نیافتنی. حتماً به راز سری بزنید، شاید راز آفرینش را بیابید.

در شهر زیبای راز همانند مکان‌های دیگر استان، دستانمان را به گرمی فشردند و ما نیز در سایه لبخند مهربانشان به قصه غم‌ها و شادی‌هایشان دل سپردیم. آقای هاشمی، مدیر اداره شهرستان راز، از افتخارات منطقه‌شان گفتند: موفقیت دانش‌آموزان در سطح علمی، افزایش سطح سواد دختران ترکمن و ایجاد مدارس شبانه‌روزی. آن‌چه که بیش از همه اهمیت داشت، وحدت قومی و مردمی در سایه اعتقاد به خداوند باری تعالی در جهت افزایش سطح فرهنگی و علمی بود. ما نیز برایشان آرزوی موفقیت کردیم و با جمعی از کارشناسان، اداره را به مقصد «دبیرستان پسرانه شبانه‌روزی غلامان» ترک کردیم.

### غلامان

در دبیرستان پسرانه شبانه‌روزی غلامان پای صحبت تنی چند از پسران نشستیم. آن‌ها از دوری خانواده‌هایشان ناراحت بودند و دوست داشتند به هر نحوی شده، کمک حال خانواده‌هایشان باشند؛ چه در برداشت محصول و... پسرها دوست نداشتند سربار خانواده باشند و تمام ذهنشان مشغول این موضوع

نقش تعلیم و تربیت جدید آن است که استعدادها و توانایی‌های دانش‌آموزان را شکوفا سازد و آن‌ها را برای شرکت در فعالیت‌های جامعه آماده سازد. نیل به این اهداف مستلزم تغییر مطلوب در رفتار دانش‌آموزان است. آموزش و پرورش در رسیدن به اهداف خود دارای مشکلات فراوانی است. یکی از معضلات نظام آموزشی کشور در زمینه امتحان است. علل زیادی باعث می‌شوند که دانش‌آموزان به هدف‌های آموزشی خود نرسند که از آن میان می‌توان به این موارد اشاره کرد: «عدم آمادگی یادگیرندگان برای یادگیری هدف‌های آموزشی، نداشتن انگیزه لازم برای یادگیری، عدم تلاش لازم برای یادگیری، برخوردار نبودن روش آموزش از کیفیت مطلوب و...». اما سؤال این‌جاست که میزان و سهم امتحانات در پیشرفت نظام تعلیم و تربیت چیست؟ ارزش‌یابی یادگیری‌های دانش‌آموزان یکی از اساسی‌ترین و در عین حال پیچیده‌ترین ارکان نظام آموزشی است. امتحان عامل مهمی در جهت شناخت دانش‌آموزان، تعیین میزان تحقق اهداف، کشف نارسایی‌ها و مشکلات

یکی از اهداف اساسی آموزش و پرورش، آشنا کردن دانش‌آموزان با مسائل مختلف زندگی اجتماعی و یادگیری آداب و مهارت‌های مواجهه منطقی با این مسائل است. این نگرش و مواجهه منطقی باعث بهبود کیفی زندگی افراد جامعه می‌شود. یکی از فنون مورد مطالعه معلمان، فن ارزش‌یابی از آموخته‌های دانش‌آموزان است. اگر ارزش‌یابی در درس به کار رود، معلمان قادر می‌شوند یادگیری‌های دانش‌آموزان را به نحو چشم‌گیری بهبود بخشند. ارزش‌یابی صحیح و آگاهی از نتایج آن باعث می‌شود دانش‌آموزان بیاموزند که چگونه یاد بگیرند و معلمان می‌آموزند که چگونه و با چه روشی یاد بدهند. اگر مربی از همان آغاز به انتقال یکطرفه دانش و معلومات رو کند و دانش‌آموز هیچ تفکری در مورد معلومات نداشته باشد و آن‌ها را بیان نکند، امر یادگیری به نحو مطلوب انجام نخواهد گرفت. لذا هدف از ارزش‌یابی تشخیص وضعیت دانش‌آموز در امر یادگیری، رشد، پیشرفت و بهبود است. ارزش‌یابی و تدریس هیچ‌گاه نباید جدا از یادگیری باشند.

فریبرز اصل مرز  
کارشناس ارشد علوم تربیتی

# تأثیر ارزش‌یابی در بهبود یاددهی - یادگیری

## چکیده

ارزش‌یابی وسیله‌ای برای تحقق اهداف آموزشی به‌شمار می‌آید و یکی از فنونی است که آشنایی با آن برای معلمان ضرورت دارد. در این پژوهش کاربردی، «چگونگی تأثیر ارزش‌یابی بر بهبود یاددهی - یادگیری و اصلاح برنامه‌ها و روش‌ها» مورد بررسی قرار گرفته است و این نتیجه به‌دست آمده است که ارزش‌یابی به معلم و دانش‌آموز در دستیابی مطمئن به هدف‌های تربیتی و آموزشی کمک می‌کند و با نشان دادن نقاط قوت و ضعف فرایندهای تدریس و یادگیری، موجبات اصلاح و بهبود بموقع آن‌ها را فراهم می‌سازد. البته برای نیل به این اهداف باید مسائلی همچون افزایش کیفیت ارزش‌یابی، ایجاد تنوع در شیوه‌های ارزش‌یابی، تأکید بر نحوه استفاده از نتایج امتحان و... مورد توجه قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: آزمون، ارزش‌یابی، اندازه‌گیری، سنجش، یادگیری

دانش‌آموزان و پیشرفت و بهبود روش‌های تدریس محسوب می‌شود که معلمان در آن نقش مهمی دارند. معلمان باید از این‌گونه ارزش‌یابی تا حد ممکن استفاده کنند و برای تجدیدنظر در روش کار خود از نتایج آن سود ببرند. چرا که آگاهی معلم از نحوه استفاده از ارزش‌یابی، گامی مؤثر در راه رسیدن به کیفیت مطلوب فرایند یادگیری است و تأثیری مثبت در تغییر روش‌های نامطلوب تدریس دارد. معلم با آگاهی از نتایج روش تدریس و یاددهی می‌تواند روش‌های صحیح را بشناسد، در تأیید و تداوم آن‌ها بکوشد و از شیوه‌های نامطلوب خود مطلع شود و آن را متحول کند. همچنین، معلم باید استعدادها را بشناسد و به تفاوت‌های فردی اهمیت دهد. نتیجه همه این امور بهبود کیفیت آموزش و تعلیم و تربیت خواهد بود.

- پژوهش حاضر قصد دارد به این پرسش‌ها پاسخ دهد:
۱. استفاده از ارزش‌یابی چه تأثیری در بهبود فرایند یاددهی و آموزش دانش‌آموزان دارد؟
  ۲. استفاده از ارزش‌یابی چه تأثیری در بهبود فرایند یادگیری و آموزش دانش‌آموزان دارد؟

۳. چگونه می‌توان با استفاده از ارزش‌یابی، برنامه‌ها و روش‌های یادگیری و یاددهی را تغییر داد؟

### ضرورت پژوهش

اگرچه ارزش‌یابی تحصیلی آخرین فعالیت آموزشی معلم به‌نظر می‌رسد، اما در عین حال، یکی از اساسی‌ترین فعالیت‌های معلمان محسوب می‌شود. ارزش‌یابی به معلمان کمک می‌کند تا علت و چگونگی پیشرفت و یا عدم پیشرفت دانش‌آموزان را بررسی کنند و در جهت مطلع شدن از نقاط قوت و ضعف فعالیت‌های آموزشی از نتایج آن بهره بگیرند. بنابراین هدف اصلی ارزش‌یابی کمک به معلم در بهبود شیوه‌های آموزشی خود و تشخیص و رفع نواقص یادگیری دانش‌آموزان است. در صورتی که یادگیری و یاددهی بدون ارزش‌یابی باشند، فعالیت دانش‌آموزان به حفظ مطالب و کسب مهارت‌ها خلاصه می‌شود، بدون این که معلم از کم و کیف آن مطلع شود. در صورت نبود ارزش‌یابی، معلم هیچ‌گاه از نحوه یادگیری دانش‌آموزان مطلع نمی‌شود و هم‌چنان به ارائه مطالب با روش‌های خود ادامه می‌دهد.



عکاس: انظم لاریجانی

اما نتیجه ارزش‌یابی می‌تواند به تغییر کیفیت روش تدریس و مطلع کردن دانش‌آموزان از روش‌های گوناگون یادگیری بینجامد. بنابراین، بی‌توجهی به این نکته در حقیقت بی‌توجهی به کیفیت آموزش و بهبود آن است. اگر معلم خود و دانش‌آموزان را محک نزند، نمی‌تواند به آثار مثبت فرایند آموزشی و تأثیر آن بر دانش‌آموزان پی ببرد.

### اهداف پژوهش

**هدف کلی:** استفاده از ارزش‌یابی در بهبود فرایند یاددهی - یادگیری و اصلاح برنامه‌ها و روش‌ها.

#### اهداف جزئی:

۱. بهبود فرایند یادگیری دانش‌آموزان با استفاده از ارزش‌یابی و نتایج آن.
۲. اصلاح و تغییر شیوه‌ها و روش‌های تدریس و یادگیری با استفاده از نتایج ارزش‌یابی.
۳. تغییر و اصلاح فرایند یاددهی و آموزش با استفاده از ارزش‌یابی و نتایج حاصل از آن.
۴. کمک به معلمین برای استفاده از ارزش‌یابی به‌منظور بالابردن کیفیت آموزش.

### تعریف کلیدواژه‌ها و اصطلاحات

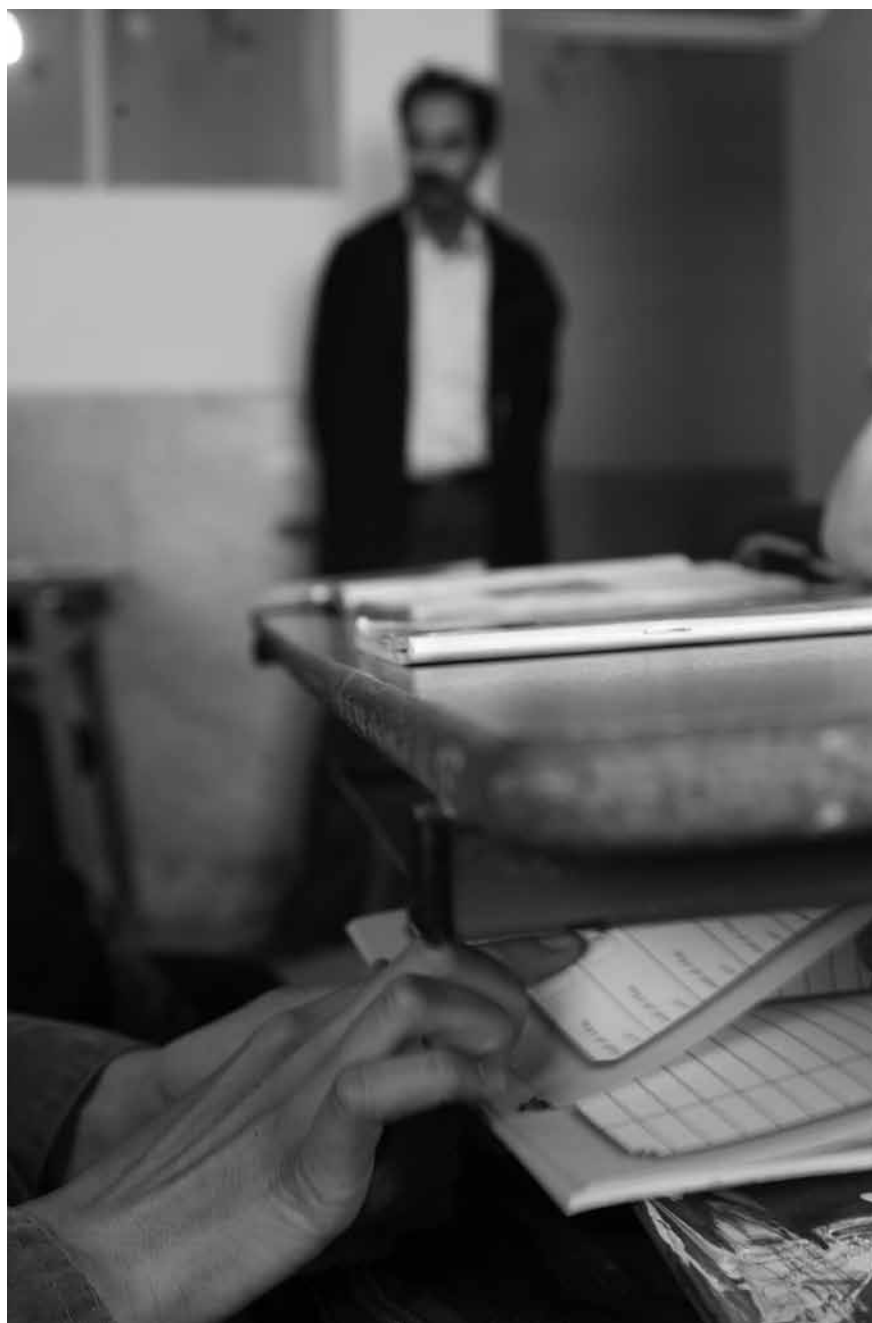
**آزمون:** مجموعه‌ای از پرسش‌ها یا سؤالات است که به یک یا چند نفر در شرایط خاصی و برای مقاصد اندازه‌گیری داده می‌شود.

**ارزش‌یابی:** فرایندی منظم است برای تعیین و تشخیص میزان پیشرفت یادگیرندگان در رسیدن به هدف‌های آموزشی. **اندازه‌گیری:** توصیف کمی رفتار، اشیا و وقایع و تعیین کمیت و خصوصیتی است که یک چیز یا یک واقعه دارای آن است. اندازه‌گیری صرفاً یک جریان جمع‌آوری اطلاعات است که با استفاده از آن‌ها به تعمیم، ارزش‌یابی و داوری می‌پردازیم. **سنجش:** عبارت است از به‌دست آوردن اندازه‌ها و اطلاعات مربوط به یک رفتار خاص.

**یادگیری:** جریانی فعال است که به کمک اصول و قواعدی، دانش‌آموز را به فهم یک موضوع ناآشنا می‌سازد.

### بحث

ارزش‌یابی در حقیقت قضاوت در مورد اصول، امور و اطلاعات یادگرفته دانش‌آموزان است. انسان پیوسته درصدد ارزیابی کارها و تجربه‌های گذشته خود است تا عملکردش را رضایت‌بخش کند و یا با بهبود بخشیدن به عملکرد آینده، رضایت بیشتری به‌دست آورد. در واقع، ارزش‌یابی قسمتی از فرایند بقای انسان است. ارزش‌یابی به معلم کمک می‌کند



که هم از چگونگی موفقیت یا شکست یادگیرندگان در یادگیری، و هم از نقاط قوت و ضعف فعالیت‌های آموزشی خود آگاهی حاصل کند و در جهت بهبود آن‌ها گام بردارد. از آن‌جا که هدف اصلی ارزش‌یابی، اصلاح و بهبود روش‌های یادگیری-یاددهی است، لذا برای رسیدن به این مهم توجه به نکات زیر ضروری است:

۱. تأکید بر ارزش‌یابی تکوینی: معلم در هفته‌های آغاز سال تحصیلی، پس از یکی دو جلسه تدریس، می‌تواند امتحان کوچکی (در حد ۱ تا ۲ نمره) از دانش‌آموزان به‌عمل آورد. این ارزش‌یابی بسیار مفید و مناسب است، زیرا به کمک آن معلم درمی‌یابد که آیا دانش‌آموزان مباحث اولیه را خوب فراگرفته‌اند یا نه. ضمناً هدف اصلی معلم از این امتحان دریافت بازخورد مناسب برای بهبود، اصلاح یا تغییر روش تدریس خویش است. آگاهی معلم از تفاوت‌های فردی، کشف دلایل برخی نارسایی‌ها و عقب‌ماندگی‌های دانش‌آموزان، و جست‌وجوی راه و روش جبران آن عقب‌ماندگی، سایر مزایای این ارزش‌یابی برای معلم است. دانش‌آموزان نیز از این ارزش‌یابی بهره‌هایی می‌برند که از آن میان می‌توان به آگاهی از میزان یادگیری و نتیجه‌گیری عملکرد خود، آشنایی با نقاط ضعف و نارسایی آموخته‌های خود و اقدام برای رفع آن‌ها اشاره کرد. البته این ارزش‌یابی نباید با ویژگی‌های منفی همچون گرفتن امتحان بدون اطلاع قبلی و دشواری بیش از حد همراه باشد، زیرا در این صورت نه تنها به اهداف اصلی ارزش‌یابی کمک نخواهد کرد، بلکه اضطراب و سرخوردگی از درس را نیز به همراه خواهد داشت. بنابراین می‌توان گفت این نوع ارزش‌یابی بازخورد مناسبی به معلم می‌دهد تا بتواند فعالیت‌هایی را طراحی کند که با سطح دانش، نگرش و مهارت‌های دانش‌آموزان تناسب داشته باشد. معلمان وقتی بدانند دانش‌آموزان چه‌طور پیشرفت می‌کنند و در چه جاهایی با دشواری مواجه هستند، می‌توانند از این اطلاعات برای ایجاد تغییر و اصلاحات لازم در آموزش، مثل تدریس مجدد، تلاش برای ارائه رویکردهای آموزشی جای‌گزین یا پیشنهاد فرصت‌های بیشتر برای تمرین استفاده کنند.

۲. تأکید بر چگونگی استفاده از نتایج ارزش‌یابی در کشف نارسایی‌های آموزش: هر معلم در طول سال تحصیلی به دفعات متعدد به منظور سنجش آموخته‌های دانش‌آموزان از مطالبی که تدریس کرده است، امتحان به‌عمل می‌آورد تا از چگونگی پیشرفت دانش‌آموزان آگاه شود. اما غالباً شنیده‌ایم که دانش‌آموزان می‌گویند: «کتاب را خوانده‌ام، اما نمره کم شد». یا: «سوالات مشکل بود». معلمان نیز می‌گویند: «انتظار بهتری داشتم»، و غیره. این مشکلات غالباً به علت

روش نامناسب تدریس و امتحان پیش می‌آیند و غالباً بین شیوه و مواد تدریس و ارزش‌یابی تقارن و تناسب وجود ندارد. از آن‌جا که هدف از امتحان کمک به یادگیری دانش‌آموزان، شناساندن هدف‌های تدریس به دانش‌آموزان، بهبود و اصلاح روش تدریس، کشف نارسایی‌های آموزشی دانش‌آموزان به منظور کوشش در جهت رفع آن‌ها، ایجاد رغبت و عادات صحیح آموزشی در دانش‌آموزان و تعیین ملاکی برای ارتقای دانش‌آموزان و طبقه‌بندی آن‌ها در تصمیم‌گیری به منظور شروع مراحل بعدی تدریس است.»

بنابراین معلمان باید بعد از امتحان و تصحیح برگه‌ها، با تجزیه و تحلیل نتایج آن، نقاط ضعف و دشواری‌های یادگیری دانش‌آموزان را کشف کنند و آن‌ها را برای رفع مشکل یاری دهند. برای قضاوتی صحیح‌تر و عمیق‌تر باید نتایج امتحان را از ابعاد گوناگونی، مثل نتیجه هر دانش‌آموز نسبت به کل آزمون، نسبت به انتظار از آموزش و غیره سنجید. البته در این زمینه معلمان باید نحوه گردآوری اطلاعات تحقیقی و کاربردی صحیح را مطابق با اصول ارزش‌یابی فراگیرند.

۳. افزایش کیفیت ارزش‌یابی از آموخته‌های دانش‌آموزان: ارزش‌یابی‌هایی در کلاس درس از دانش‌آموزان انجام می‌شود. در صورتی که خوب تهیه شده باشد و از آن به عنوان یک ابزار تشبیه‌کننده استفاده نشود، بهترین روش برای ایجاد و افزایش رغبت دانش‌آموزان به مطالعه و یادگیری است. در تعریف امتحان گفته شده است: «تعیین میزان تغییرات حاصل در جنبه‌های خاص از رفتار دانش‌آموز در فواصل زمانی معین در جهت نیل به هدف‌های آموزش و پرورش.» بنابراین، هدف‌های آموزشی هم قبل از امتحان باید مشخص شوند. هدف‌های آموزشی هر درس نکاتی هستند که منظور معلمین را از آموزش و مقصود دانش‌آموز را از یادگیری مشخص می‌کنند. اگر این اهداف مشخص نشوند، هیچ‌کدام به غایت و نهایت هدف آموزش نخواهند رسید. معمولاً هدف‌های آموزشی را برای ارزش‌یابی به هدف رفتاری تبدیل می‌کنند. هدف‌های رفتاری ارائه اعمال و رفتار از سوی دانش‌آموز است. برای مثال، شناخت انواع سنگ‌ها هدف آموزشی درس زمین‌شناسی است. وقتی دانش‌آموز با در دست داشتن انواع سنگ‌ها بتواند نام آن‌ها و ویژگی‌های هر یک را به‌طور مجزا تشخیص دهد، به هدف رفتاری نائل شده‌ایم. البته هدف‌های آموزشی به سه قلمروی شناختی، عاطفی و روانی - حرکتی تقسیم می‌شوند. قلمرو شناختی از شش طبقه دانش، فهمیدن، به‌کار بستن، تجزیه و تحلیل، ترکیب و ارزش‌یابی تشکیل می‌شود که هر کدام بنابر ضرورت و کیفیت مطالب مورد استفاده قرار می‌گیرند.

استفاده از آزمون‌های پیشرفت هم در افزایش کیفیت ارزش‌یابی مؤثر است. یک آزمون پیشرفت اقامی منظم برای

**بنابر این معلمان باید بعد از امتحان و تصحیح برگه‌ها، با تجزیه و تحلیل نتایج آن، نقاط ضعف و دشواری‌های یادگیری دانش‌آموزان را کشف کنند و آن‌ها را برای رفع مشکل یاری دهند. برای قضاوتی صحیح‌تر و عمیق‌تر باید نتایج امتحان را از ابعاد گوناگونی، مثل نتیجه هر دانش‌آموز نسبت به کل آزمون، نسبت به انتظار از آموزش و غیره سنجید. البته در این زمینه معلمان باید نحوه گردآوری اطلاعات تحقیقی و کاربردی صحیح را مطابق با اصول ارزش‌یابی فراگیرند**

دیگر ارزش‌یابی است. در این شیوه فردی از اعضای گروه مسئول پاسخ‌گویی می‌شود و در صورتی که نتواند جواب بدهد، سایر اعضای گروه اقدام به جواب‌گویی می‌کنند. برای هر نفر امتیازی منظور می‌شود. این روش علاوه بر ایجاد تنوع در ارزش‌یابی و در کلاس، رغبت دانش‌آموزان را به مطالعه و یادگیری بالا می‌برد و زمینه دقت در یادگیری را فراهم می‌کند.

### راهکارها

- با توجه به نتایج پژوهش، به منظور تأثیر بهتر ارزش‌یابی نکات زیر پیشنهاد می‌شوند:
- دانش‌آموزان قبل از امتحان با شیوه سؤالات و ارزش‌یابی آشنا شوند.
  - در مورد اهمیت ارزش‌یابی و تأثیر آن با دانش‌آموزان بحث و گفت‌وگو شود.
  - در طرح سؤالات، به سطح یادگیری توجه کنند و نظم از آسان به مشکل رعایت شود.
  - از نتایج امتحان به شیوه صحیح استفاده کنند و فقط ارزش کمی آن مورد نظر نباشد.
  - از شیوه‌های متنوع و جدید ارزش‌یابی، همچون ارزش‌یابی گروهی، ارائه مقاله، تهیه پوستر و... استفاده شود.
  - از ارزش‌یابی به قصد بهبود کیفیت یادگیری و یاددهی استفاده کنند نه توبیخ و تنبیه.
  - با استفاده از نتایج ارزش‌یابی، نقص‌ها و نارسایی‌ها شناخته شوند و به رفع آن‌ها اقدام شود، روش‌های جدیدی جای‌گزین روش‌های پیشین شوند، و نقاط قوت تشویق، تأیید و تکرار شوند.

### نتیجه‌گیری

ارزش‌یابی گامی مهم در جهت افزایش کیفیت آموزش و محقق کردن اهداف آموزش‌وپرورش است. استفاده از آموزش می‌تواند فرایند یادگیری دانش‌آموزان را به سوی بهبود سوق دهد. اگر ارزش‌یابی با شیوه‌های متنوع تدریس همراه باشد، به معلم امکان می‌دهد که از روش‌های صحیح تدریس خود مطلع شود و شیوه‌های نامطلوب را کنار بگذارد. به علاوه، دانش‌آموز آگاه می‌شود در فهم چه نوع مطالبی ضعف و اشکال دارد و نسبت به رفع و کاهش آن اقدام می‌کند. با استفاده از ارزش‌یابی، معلم می‌تواند روش‌های جدیدی در یاددهی اتخاذ کند. این شیوه‌ها با استفاده از شناخت دانش‌آموزان و پی‌بردن به نقاط قوت و ضعف آن‌ها اتخاذ می‌شوند. ایجاد انگیزه و رغبت در دانش‌آموزان برای یادگیری، از دیگر نتایج مثبت ارزش‌یابی است.

تعیین آموخته‌های دانش‌آموز است. استفاده از این آزمون‌ها علاوه بر تصمیمات مربوط به بهبود تدریس، بهبود انگیزه دانش‌آموز برای فعالیت، افزایش شناخت دانش‌آموز از خود و ارائه بازخورد در مورد کارایی تدریس را به همراه خواهد داشت. البته این آزمون‌ها دارای بخش‌ها و روش‌های متفاوتی هستند که معلمان موظف‌اند با مطالعه کتاب‌های مربوط به اصول ارزش‌یابی و سنجش با این نکته‌ها آشنا شوند.

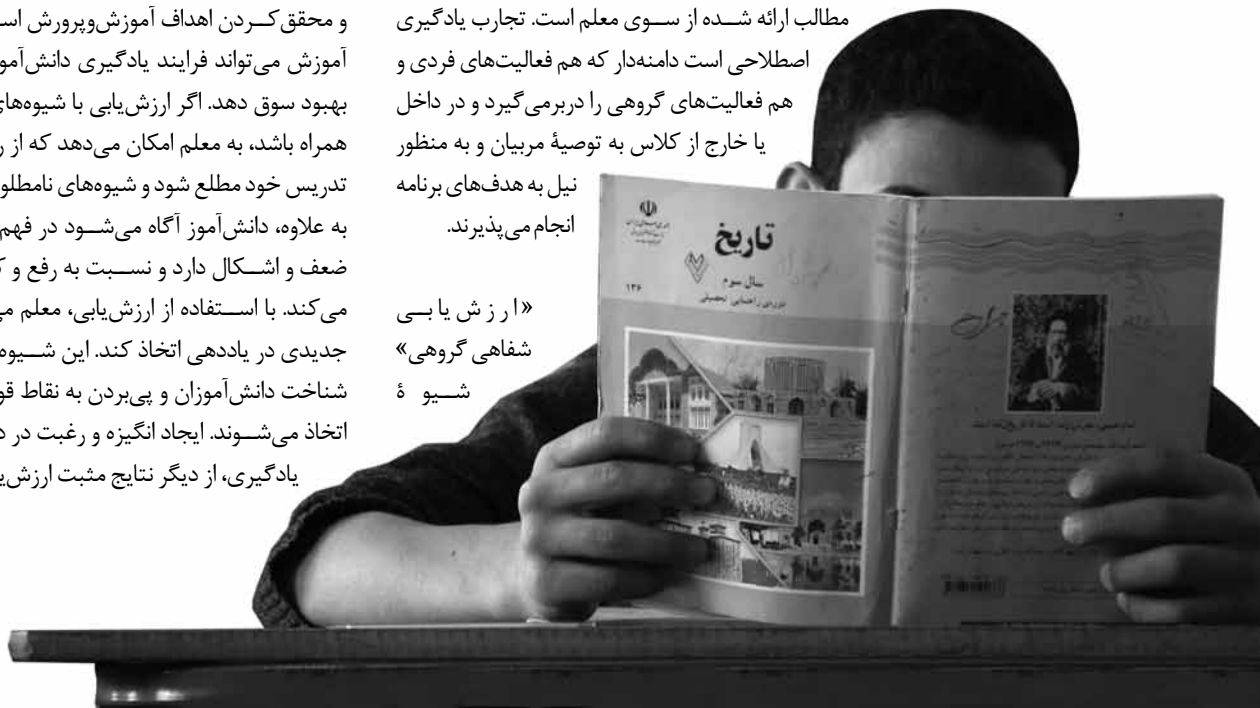
### ۴. ایجاد تنوع در شیوه‌های ارزش‌یابی: تاکنون هر وقت

صحبت از امتحان و ارزش‌یابی به‌میان آمده، فکر متوجه امتحان یا آزمون آخر سال یا پایان نیم‌سال و یا آزمون ورودی مؤسسه‌ها می‌شود. در حالی که شیوه‌های جدید و متنوعی که معلم به ابتکار خود در کلاس به‌کار می‌گیرد، گام مهمی در بهبود فرایند یادگیری محسوب می‌شود. روش‌های ارزش‌یابی تنها جنبه وسیله و ابزار را دارند و هرچه متنوع‌تر و دقیق‌تر باشند، بر میزان مهارتی که برای استفاده از آن‌ها لازم است، افزوده می‌شود. تهیه گزارش از عملکرد درسی، رفتار، و یادگیری دانش‌آموز توسط خود او، یکی از این شیوه‌هاست. اگرچه این شیوه ممکن است معایبی داشته باشد، اما درگیر شدن دانش‌آموزان در ارزش‌یابی قطعاً نتایج مطلوبی خواهد داشت.

استفاده از ارزش‌یابی با کتاب، باز هم شیوه جدید دیگر ارزش‌یابی است که در کلاس‌های ضعیف اثربخش است. اگر از دانش‌آموز بخواهیم جواب سؤالات را از روی کتاب بنویسد، سپس همان را تصحیح کنیم، دانش‌آموز به میزان دقت خود در یادگیری پی می‌برد و دفعات بعد سعی می‌کند با کسب اعتماد به نفس، مطالعه را جدی‌تر بگیرد و به نتایج مطلوبی برسد. استفاده از تجارب یادگیری نیز رابطه‌ای مستقیم با ارزش‌یابی دارد. ارائه مطالب خواندنی، سخن‌رانی، تهیه پوستر و نشریه و مقاله، و تهیه گزارش از بازدیدها از سوی دانش‌آموزان، نشان‌دهنده یادگیری و یا عدم یادگیری مطلوب مطالب ارائه شده از سوی معلم است. تجارب یادگیری اصطلاحی است دامن‌دار که هم فعالیت‌های فردی و هم فعالیت‌های گروهی را دربرمی‌گیرد و در داخل یا خارج از کلاس به توصیه مربیان و به منظور نیل به هدف‌های برنامه انجام می‌پذیرند.

« ارزش‌یابی  
شفاهی گروهی »  
شیوه

- منابع
۱. جعفری، اسماعیل. مباحث مرتبط با ارزش‌یابی تحصیلی و یادگیری. اصفهان. ۱۳۷۳.
  ۲. پاشا شریفی، حسن. «راهبردهای ارزش‌یابی پیشرفت تحصیلی». همایش ارزش‌یابی تحصیلی. ۱۳۷۱.



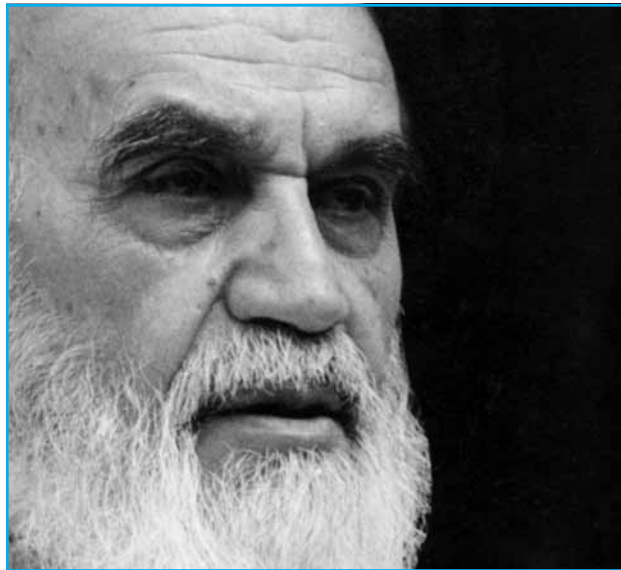
# در احیای هویت ایرانی اسلامی

کارشناس ارشد رشته جامعه‌شناسی

# نقش امام خمینی (ره)

اسدالله رضایی

سرگروه علوم اجتماعی، خراسان شمالی



## چکیده

در حوزه روان‌شناسی اجتماعی معمولاً موضوع تأثیر متقابل «فرد» و «نظام اجتماعی» بررسی و مطالعه می‌شود. نظام اجتماعی ماهیتش را از احاد افراد موجود در مجموعه‌ای که با هم کنش متقابل دارند می‌گیرد. به عبارت دیگر، یک‌یک افراد در کنار هم جامعه را می‌سازند. وقتی جامعه متشکل از افراد ایجاد شد، خود پدیده‌ای جدید می‌شود که با هر یک و یا هر گروه از افراد که در شکل دادن به آن نقش اساسی دارند بسیار متفاوت است. با این‌که قوام جامعه بر وجود افراد مبتنی است، ولی جامعه نیز فرد را از خودش متأثر می‌کند. به رفتارش جهت می‌دهد، کنترلش می‌کند و او را آموزش می‌دهد. در یک کلمه، جامعه تا حدود زیادی آن‌گونه که می‌خواهد فرد را می‌سازد و آن‌قدر روی او تأثیر می‌گذارد که می‌توانیم بگوییم فرد، بدون جامعه و نظام اجتماعی، نمی‌تواند

«انسان» باشد، بلکه موجودی است همانند حیوان. ولی همین فرد تا این حد متأثر از جامعه، صرفاً پدیده‌ای منفعل و تأثیرپذیر نیست. بلکه گاهی با همه آن ظاهر کوچکش در مقابل جامعه، به‌عنوان یکی از اجزا و عناصر آن، چنان مؤثر می‌شود که همانند موتور محرکه‌ای قدرتمند، کل جامعه را با همه عظمتش متحول می‌کند، چنان‌که گویی این جامعه آن جامعه قبلی نیست.

در این مقاله بر آنیم که نقش مؤثر امام خمینی (ره) بر انقلاب اسلامی را با تأکید بر جنبه عینی هویت‌بخشی اسلامی به جامعه ایران، در کنار دیگر صاحب‌نظران و مصلحان جامعه بررسی کنیم.

**کلیدواژه‌ها:** بازگشت به خویشتن، هویت اسلامی، رهبری، مقاومت، وفاق اجتماعی، جلال آل احمد، علی شریعتی، شهیدمرتضی مطهری

## مقدمه

از زمان ناصرالدین شاه قاجار، ضرورت تحول در جامعه ایرانی به صورت جدی احساس و مطرح شد. در این رهگذر صاحب‌نظران و اندیشمندان متعددی در حوزه اندیشه و عمل وارد شدند تا با تلاشی پیگیر، جامعه را از دو آسیب «استعمار» و «استبداد» که مانعی جدی بر سر راه پیشرفت و توسعه کشور بود نجات دهند. بنابراین دو قطب فکری و فرهنگی جامعه ما، یعنی دانشگاه و حوزه علمیه، که می‌دیدند فرهنگ غرب به صورت غالب در شکل استعمار خارجی و به کمک استبداد داخلی، یورش می‌دهد را علیه فرهنگ جامعه آغاز کرده است، راهی برای مقابله جست‌وجو کردند. این سیر تکاملی تاریخی، از سیدجمال‌الدین اسدآبادی شروع شد و با انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) به تکامل و پیروزی رسید. در این مقاله، نقش مؤثر این جریان یعنی شخصیت‌هایی همچون جلال آل احمد، دکتر علی شریعتی و شهید مرتضی مطهری را بررسی می‌کنیم.

## سیدجمال‌الدین اسدآبادی

سیدجمال در مقابله با غرب از اولین اندیشمندانی بود که بازگشت به خویشتن را با محور قرار دادن موارد زیر مطرح کرد:

- اعتقاد به توانایی‌های ذاتی اسلام برای رهبری



مسلمانان و تأمین نیرومندی و پیشرفت آنان؛

- مبارزه با روحیه تسلیم‌پذیری، گوشه‌نشینی و بی‌حرکتی؛
- بازگشت به منابع اصیل اندیشه اسلامی؛
- تبیین تعالیم اسلام به زبان روز و فراخواندن مسلمانان به یادگیری علوم جدید؛
- مبارزه با استعمار و استبداد به مثابه نخستین گام در راه نوزایی اجتماعی و فکری مسلمانان؛
- تلاش در راه گسترش حضور روحانیت در مبارزات سیاسی و برداشتن مرزهای موهوم بین دیانت و سیاست به ویژه در جوامع اهل تسنن.

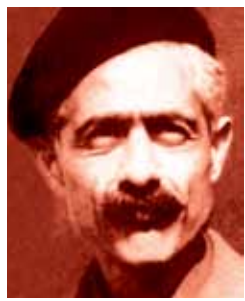
او با تلاشی وافر برای تحقق اهدافش سفرها می‌کرد و از افغانستان تا هند و اروپا، آفریقا و روسیه را در نوردید. کوشید

در فکر و اندیشه مؤثران قدرتمند و اندیشمندان زمانش نفوذ کند، آن‌ها را به «بازگشت به خویشتن» دعوت کند و قدرت و نفوذ از دست رفته جهان اسلام را برگرداند. هرچند تفکر بزرگش در عصر و زمان خودش محقق نشد، ولی اندیشه و تلاشش منشأ اثرات فراوانی شد که به تعبیر شهید مطهری «سلسله جنیان نهضت‌های اصلاحی در صد ساله اخیر گردید.» ایده سیدجمال، که همان احیای قدرت اسلامی در سایه وحدت مسلمانان بود، در دهه‌های بعد متفکرانی چون جلال آل احمد، دکتر علی شریعتی و شهید مرتضی مطهری را به خود جلب کرد. اینان در حوزه اندیشه و ترویج بازگشت به خویشتن مؤثر واقع شدند، اما حضرت امام خمینی (ره) در جامعه عمل پوشاندن به این تفکر نقش بی‌بدیلی ایفا نمود. در ادامه نقش فردی هر کدام از این افراد را می‌آوریم:

## جلال آل احمد

جلال آل احمد از نویسندگان و روشنفکرانی بود که با نوشتن کتاب «غرب‌زدگی» در تنویر افکار عمومی، خصوصاً جوانان نقش مؤثری داشت. او قدیمی فکر نمی‌کرد. ولی برای مقابله با غلبه فرهنگ غرب بر هویت ایرانی، جدی بود و بر استفاده

از مذهب، به عنوان بخشی از سنت و اهرمی وحدت‌بخش که می‌تواند مانعی سر راه نفوذ فرهنگی غرب باشد، تأکید می‌ورزید. او در کتاب «چاره ما» در برابر تندبادی که از جانب غرب می‌وزد این است که به



دستگیره سنت آویزان شویم. غرب‌زده، زن صفت و هرهری مذهب و پا در هوا و راحت‌طلب و بی‌تخصص و بی‌شخصیت و قرتی و چشم به دهان غرب است.»

این تعبیر، فهم و درک مرحوم جلال آل احمد از مفهوم بازگشت به خویشتن است که در جایگاه و موقعیت خاص زمانش، بر افکار عمومی، خصوصاً جوانان، برای مقابله با فرهنگ غرب که راه غلبه بر فرهنگ ایرانی - اسلامی را در پیش گرفته بود، تأثیری ژرف گذاشت.

## دکتر علی شریعتی

دکتر علی شریعتی، با جایگاه علمی و انبوه نوشته‌هایش و با نگرشی انقلابی و نو به فرهنگ و اندیشه اسلامی، موجی



بین جوانان و روشنفکران ایجاد کرد که حتی مخالفان او هم نمی‌توانند نقش مؤثرش را در وفات جامعه قبل از انقلاب انکار کنند. او با نوشته‌هایش در حوزه شناخت اندیشه و ایدئولوژی اسلامی، خصوصاً با نوشتن کتاب «بازگشت به خویشتن»، جاذبه‌ها آفرید. او در عصری که تفکر ناسیونالیستی و پان‌ایرانیستی حاکمیت داشت و مرموزانه با فرهنگ اسلامی تحت عنوان این که اسلام فرهنگ عرب است، مقابله می‌کرد، در این کتاب نوشت: «وقتی مسئله بازگشت به خویشتن مطرح است، برای من مذهبی یا تسوی غیرمذهبی که هر دو در مسئولیت اجتماعی‌مان مشترک هستیم و به تفاهم مشترک رسیده‌ایم، مسئله تبدیل می‌شود از بازگشت به خویش به بازگشت به فرهنگ خویش و شناختن آن خویشتن که ما هستیم و در این مسیر مطالعات است که می‌رسیم به بازگشت به فرهنگ اسلامی؛ و اسلام نه به عنوان یک سنت، وراثت و یک نظام اعتقادی موجود در جامعه، بلکه اسلام به‌عنوان یک ایدئولوژی؛ اسلام به‌عنوان یک ایمان که آگاهی دارد و آن معجزه را در همین جامعه‌ها پدید آورد. در حقیقت تکیه براساس احساس موروثی دینی و یا یک احساس خشک روحانی نیست، بلکه یک نیروی

وحدت‌بخش پویایی است که می‌تواند در جامعه ما بین همه اقشار وحدت ایجاد کند و در برابر تهاجم و ناتوی فرهنگی غرب به وفاق اجتماعی برسد.»  
به این ترتیب، هویت ایرانی-اسلامی که متأثر از



اسلامی در صد سال اخیر» و «احیای تفکر اسلامی» است. در ابتدای شروع مقابله با فرهنگ غرب، به دلیل پراکندگی و تفرقه مسلمانان و مصلحان اجتماعی، وضعیت اتحاد مسلمانان خصوصاً در تعارض با غرب چنان در موضع ضعف بود که شهید مطهری در این خصوص نوشت: «ترس ما تنها از این است که ظاهر خیره‌کننده فرهنگ اروپایی از حرکت ما جلوگیری کند و از رسیدن به ماهیت واقعی آن فرهنگ عاجز بمانیم... بزرگ‌ترین عیب فرهنگ اروپا این است که می‌خواهد، به تنهایی کشتی بشریت را از مهلکه نجات دهد» [مطهری، ۱۳۸۵: ۱۳].

اما بعد از این که کار فرهنگی اندیشمندان مسلمان در صد سال اخیر در چهره انقلاب اسلامی متبلور شد و به پیروزی رسید، روزنه امید در دل‌ها گشوده شد. تلاش‌ها به بار نشست و رستاخیزی به پا شد که براساس آن می‌توان گفت که صبح صادق پیروزی مسلمانان نزدیک است. به‌گونه‌ای که شهید مطهری در کتاب «پیرامون انقلاب اسلامی» نوشت: «به گمان من وقت آن رسیده است که نوای بازگشت به فرهنگ اصیل اسلامی، نه تنها در جامعه ما که در سراسر کشورهای اسلامی طنین‌انداز شود و در آن صورت دور نخواهد بود که صدای شکستن زنجیرهای بندگی و بردگی

را بشنویم و شاهد اقتدار دوباره ملل مسلمان باشیم.» [مطهری، ۱۳۶۶، پیرامون انقلاب اسلامی: ۱۲۴].

حال بعد از گذشت بیش از سه دهه از عمر انقلاب ایران، با بیداری اسلامی ملل مسلمان، این خواسته که روزگاری

بیشتر به یک رؤیا شبیه بود، می‌رود که جامعه عمل بپوشد. گردبادی که به تعبیر جلال آل احمد از سوی غرب وزیدن گرفته بود و ما باید در مقابل آن برای نجات خودمان به دستگیره سنت چنگ می‌زدیم، اینک به‌طور وارونه به طوفانی سهمگین علیه غرب و منافع آن تبدیل شده و می‌رود تا بنیاد بی‌عدالتی و ظلم سرمایه‌داری را به هم بریزد.

### امام خمینی، بازگشت عملی به هویت ایرانی-اسلامی

آنچه که از سیر تاریخی می‌آموزیم و اثر اجتماعی آن را می‌بینیم، تأثیرات رهبران و افراد مؤثر بر تغییر و تحول

جامعه است. نخستین تغییرات ابتدا در فکر و اندیشه رهبران، بعد در رفتار آنان و آن‌گاه در رابطه بین رهبران و توده‌های مردم متجلی می‌شود. ابتدا گروه‌ها از رهبری متأثر می‌شوند و در نهایت به کل جامعه سرایت می‌کند و موجبات تحولات اجتماعی و انقلاب می‌شود. یکی از رهبرانی که در دوره معاصر منشأ تحولات جهانی و منطقه‌ای بوده و هویت ایرانی-اسلامی را عملاً از سیطره نفوذ فرهنگ غرب نجات داد، **امام خمینی (ره)** است. به تعبیر **آنتونی گیدنز**، جامعه‌شناس مشهور معاصر: «چهره اصلی و مسلط در انقلاب اسلامی، آیت‌الله خمینی بود که تفسیری تازه و انقلابی از افکار شیعی به عمل آورد» [گیدنز، ۱۳۸۸: ۸۱۲].

اعتراض امام (ره) در سال ۱۳۴۲ به کاپیتولاسیون و لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی و تبعید ایشان توسط رژیم شاه، نقطه عطفی در تاریخ ایران شد که به لحاظ فکری، آگاهی دهنده، متحول‌کننده و حرکت‌بخش بود. وی یک تحرک فکری و عملی را در وجدان و رفتار ملت ما بنیاد نهاد که تا آن موقع در تاریخ ایران بی‌سابقه بود در حالی که رژیم پهلوی به‌طور همه‌جانبه از طرف آمریکا حمایت می‌شد، اعتراض کرد و آن را نامشروع خواند. به دنبال آن، توسط رژیم شاه تبعید شد. برای مردم واقعاً سؤال برانگیز شد که چرا امام باید تبعید شود. وقتی وجدان جمعی جامعه در این خصوص قضاوت کرد، به این جواب رسید که او مجتهد جامع‌الشرایطی است که به دلیل دفاع از عزت یک ملت این‌گونه راست قامت در مقابل استعمار و استبداد ایستاده است. پس شیفته و مفتونش شدند. روح جمعی ملت چنان از این حرکت متأثر شد که هرگز آن را از یاد نبرد و آن را به حافظه تاریخی‌اش سپرد.

سال‌ها گذشت، اما نه تنها این خاطره تاریخی از ذهن جمعی ملت ایران محو نشد، بلکه روز به روز گسترده‌تر شد تا زمینه و بستر لازم برای بازگشت تاریخ‌ساز امام از تبعید فراهم آمد. این تأثیر فرد بر جمع به‌صورت یک موتور محرکه قوی ابعاد متعددی پیدا کرد که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌کنیم:

● موجب وفاق اجتماعی بی‌نظیری در جامعه ایران، و در نتیجه براندازی رژیم شاهنشاهی در ایران شد.

● موجب وحدت بی‌سابقه‌ای شد که در پناه آن، جنگ نابرابر هشت ساله‌ای با از خود گذشتگی فرزندان ایران رهبری شد و کسانی در این مکتب تربیت شدند که نشان دادند با دست

خالی می‌توان در مقابل دشمن تا بن دندان مسلح ایستاد، مقاومت کرد و پیروز شد.

● ملت ایران به هویت ایرانی-اسلامی با ویژگی ستیزندگی آشتی‌ناپذیر با تهاجم فرهنگ غرب دست یافت. تا آن موقع بی‌سابقه بود که کشوری بدون وابستگی به غرب یا شرق بتواند مقاومت کند و به حیات سیاسی‌اش ادامه دهد.

● سبب وحدت خدشه‌ناپذیر ملت شد. به تبعیت از مقاومت‌های رهبری که با همه فشارهای طاقت‌فرسا که از غربی‌ها خصوصاً آمریکا وارد می‌شد، دچار کاستی و نقصان نشد. مردم ایران با پشتیبانی از رهبری در روز استقبال از ایشان، وحدت تاریخی بی‌سابقه‌ای را نشان دادند. این حمایت و پشتیبانی از رهبری، در روز رحلت و تشییع ایشان از طرف امت که با سختی‌ها و مرارت‌های ناشی از مقاومت در برابر نیرنگ‌های استعمار روبه‌رو بود، ذره‌ای کم نشد و به شکلی بی‌نظیر و منحصر به فرد به نمایش درآمد.

● بعد از سه دهه مقاومت، می‌تواند الهام‌بخش بیداری اسلامی در منطقه و بین مسلمانان باشد، و به آنان پیغام دهد که با رهبری واحد، قاطع و آشتی‌ناپذیر می‌توان با فرهنگ غرب مبارزه کرد، به الگوی اسلامی متحد و مقتدر رسید و رنسانس اسلامی و تجدید حیات علمی و اقتدار آن را محقق ساخت. می‌توان تلاش نظریه‌پرداز اسلامی و بیدارگر شرق، **سیدجمال‌الدین اسدآبادی** را ارج نهاد و مقاومت بی‌نظیر امام (ره) را مداوم بخشید و در سایه فرمان آسمانی «واعتصموا بحبل الله»، به اقتدار و عزت اسلامی نائل شد.

#### منابع

۱. قرآن کریم، شرح و تفسیر آیت‌الله مکارم شیرازی، سوره آل عمران، آیه ۱۰۳.
۲. آل‌احمد، جلال. غریب‌دگی.
۳. شریعتی، علی. بازگشت به خویشتن. مجموعه آثار.
۴. گیدنز، آنتونی. تغییر اجتماعی. ترجمه حسن چاوشیان. نشر نی. تهران. چاپ سوم، ۱۳۸۸.
۵. مطهری، مرتضی. پیرامون انقلاب اسلامی. انتشار صدر. تهران. ۱۳۶۶.
۶. ----- . خدمات متقابل اسلام و ایران. انتشارات صدر. تهران. چاپ چهاردهم، ۱۳۶۶.
۷. ----- . احیای تفکر اسلامی. انتشارات صدر. تهران. ۱۳۸۵.
۸. ----- . نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر. انتشارات صدر. تهران. چاپ سی‌ویکم، ۱۳۸۵.
۹. سایت ویکی‌پدیا.

# آشنایی با روزهای ملی

## زهر اصادقی

- ۶ بهمن: سالروز حماسه مردم آمل
- ۱۰ بهمن: ولادت حضرت رسول و روز اخلاق و مهرورزی
- ۱۲ بهمن: ورود امام خمینی به ایران و آغاز دهه فجر
- ۲۲ بهمن: پیروزی انقلاب اسلامی
- ۲۹ بهمن: قیام مردم تبریز
- ۱۹ اسفند: روز حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان
- ۲۵ اسفند: سالروز بمباران شیمیایی حلبچه

### ۹ دی: روز بصیرت و تجدید میثاق امت با ولایت

روز نهم دی‌ماه سال ۱۳۸۸، مردم آگاه و هوشمند ایران اسلامی با حضور هشیارانه خود در صحنه، از ارزش‌ها و اهداف مقدس و جاودانه نظام اسلامی پاسداری کردند. دفاع عاشورایی، از هویت دینی و به تبع آن از هویت میهنی، و پاسداشت رکن رکین ولایت فقیه، رهنمودها و روشنگری‌های مقام معظم رهبری، از عوامل اصلی ظهور حماسه ۹ دی و حضور میلیونی مردم در صحنه دفاع از ارزش‌های انقلاب و نظام بوده و خواهد بود.

چندی قبل از آن، فتنه‌گران با نقشه‌های از پیش تعیین‌شده دشمنان بیرونی نظام کوشیده بودند با هجوم گسترده و میدانی به آمال و اندیشه‌های زیرساختی نظام، همچون ولایت فقیه، ارزش‌های دفاع مقدس و انقلاب حسینی، با ایجاد اختلاف بین

آشنایی با مناسبت‌های دینی و ملی برای هر فرد ایرانی، به‌ویژه دبیران و دانش‌آموزان عزیز سراسر کشور، ضروری است تا از آن برای آموزش‌شان بهره بگیرند. هر چند این موارد به گذشته بازمی‌گردند، اما انسان و سرزمین بدون گذشته متعالی بی‌شناسنامه و بی‌هویت است و نمی‌تواند پایدار باشد. در این فصل ما با ایام زیر روبرو هستیم که به برخی از آن‌ها متناسب با ویژگی‌های «رشد آموزش علوم اجتماعی» پرداخته‌ایم.

۱ دی: ولادت امام موسی کاظم(ع)

۳ دی: روز ثبت احوال

۵ دی: میلاد حضرت عیسی(ع)

۹ دی: روز بصیرت و میثاق امت با ولایت

۱۲ دی: آغاز سال ۲۰۱۲

۱۴ دی: اربعین حسینی

۱۷ دی: روز مقاومت زن مسلمان در برابر کشف حجاب

رضاخانی

۲۲ دی: سالروز رحلت رسول اکرم(ص)؛ شهادت امام

حسن(ع)؛ سالروز تشکیل شورای انقلاب

۲۳ دی: شهادت امام رضا(ع)

۲۶ دی: فرار شاه

۱ بهمن: شهادت امام حسن عسکری(ع)

۵ بهمن: ولادت رسول اکرم(ص) به روایت اهل سنت



است که در میان مسلمین جهان برگزار می‌شود. در روز بیستم صفر، شیعیان مراسم سوگواری عظیمی را در کشورها و شهرهای مختلف به یاد عاشورای حسینی برپا می‌کنند. عاشقان و پیروان آن امام، در اربعین به ذکر می‌پردازند و مظلومیت حسین و یارانش را به گوش جهانیان می‌رسانند. از این روی همچنان منتقم مظلومیت حسین(ع) و همیشه حسینی باقی می‌مانند؛ ان شاء الله.

در اربعین شهادت امام حسین(ع)، جابر بن عبدالله انصاری و عطیه عوفی موفق به زیارت تربت و قبر سیدالشهدا شدند. مرحوم محدث قمی در «منتهی‌الامال» دلایلی ذکر می‌کند که دیدار اهل بیت از کربلا در اربعین اول نبوده است. به هر حال، تکریم این روز و احیای خاطره غم‌بار عاشورا، رمز تداوم شعور عاشورایی در زمان‌های بعد بوده است.

### اربعین و عرفان

اربعین از رازهای هستی است، خصوصیت عدد ۴۰ و اسرار نهفته در آن برای ما روشن نیست. در فرهنگ اسلامی عدد ۴۰ (اربعین) جایگاه ویژه‌ای دارد. میقات چهل روزه موسی(ع) در طور، چله‌نشینی سالکان، حفظ کردن ۴۰ حدیث، اخلاص ۴۰ صباح، کمال عقل در ۴۰ سالگی، و دعا برای ۴۰ مؤمن از این نمونه‌هاست. پیامبر حکیم(ص) فرمود: «من اَخْلَصَ لِلَّهِ اَرْبَعِينَ يَوْمًا فَجَرَّ اللَّهُ يَنْابِيعَ الْحِكْمَةِ مِنْ قَلْبِهِ عَلَيَّ لِسَانَهُ»: هر کس ۴۰ روز فقط برای خداوند تعالی اخلاص ورزد، خداوند چشمه‌های حکمت را از قلبش بر زبانش جاری می‌سازد.

مردم و طرفداران انقلاب اسلامی از یک سو و مسئولان نظام از سوی دیگر، مطامع اربابانشان را عملی سازند. اما به یقین آن‌ها درک درستی از این مردم و دین آنان نداشتند. مردم و مسئولان با یک اشاره رهبری، توطئه و فتنه عظیم آن‌ها را خنثی و منکوب کردند و دست در دست یکدیگر «حماسه بصیرت» آفریدند.

در این میان برخی پیش‌کسوتان انقلابی یا خود را باخته بودند و یا با بی‌بصیرتی و بی‌تقوایی، در زمره خودباختگان قرار گرفتند و شد آن‌چه که نمی‌باید رخ دهد. این حرکت دینی، میهنی و ملی درسی برای اهل تردید و عبرتی برای تصمیم‌سازان فتنه شد که اگر بخواهند با آرمان‌های یک ملت و اندیشه‌های برآمده از خون شهدا و رهبری، به گستاخی حرمت‌شکنی کنند، با خشم عاشورایی آنان روبه‌رو خواهند شد.

بدون شک تعظیم و نکوداشت سالروز این حماسه تاریخی در شرایط حساس امروز بسیار لازم و حیاتی است و موجب تعظیم شعائر اسلامی و بیعت مجدد با آرمان‌های نظام مقدس جمهوری اسلامی، امام راحل(ره) و مقام معظم رهبری (مدظله العالی) می‌شود.

### ۱۴ دی: اربعین حسینی

#### اربعین در فرهنگ عاشورایی

در فرهنگ عاشورا، اربعین به چهلمین شب شهادت حسین بن علی(ع) گفته می‌شود که مصادف با روز بیستم ماه صفر است. گرامیداشت اربعین فوت‌شدگان از سنت‌های حسنه‌ای



چنان‌که در حدیث آمده است: «إِنَّ خَلْقَ أَحَدِكُمْ يُجْمَعُ خَلْقُهُ فِي بطنِ أُمَّهِ أَرْبَعِينَ يَوْماً نَظْفَهُ، ثُمَّ يَكُونُ عَلاقَهُ مِثْلَ ذَلِكِ... وَ خَواجِهِ [رَسُولِ خَدا] عَلَیْهِ السَّلَامُ ظَهَرَ چِشمه‌های حَکمتِ از دَل بر زَبانِ را اِختِصاصِ اِخلاصِ اَرْبَعِينَ صَباحاً فَرموده اِست، وَ حَوالَتِ کِمالِ تَخْمیرِ طینَتِ اَدَمِ (عَلِیْهِ السَّلَامُ) بِه اَرْبَعِينَ صَباحاً کَرَد وَ از اِین نَوعِ بسیارِ اِست.»

لذا اربعین حسینی می‌باید منبع حکمت برای اهل ذکر باشد و همه سرشار از حکمت‌اندوزی شوند. پس آن‌که این مهم را دریافت، پای در حلقه حکیمانه خواهد گذاشت و آن‌که این را از دست داد، از منبع عظیم حکمت فاصله خواهد گرفت و دچار نقصانی بزرگ خواهد شد.

«برگرفته از پایگاه اطلاع‌رسانی سوره مهر»

## ۱۷ دی ۱۳۱۴: اجرای طرح استعماری کشف حجاب

طرح شوم و خائنانه کشف حجاب از زن مسلمان در ایران محرک‌های خارجی داشت. این پدیده ناشی از تأثیر فرهنگ و آداب و رسوم غربی تحت عنوان «تجددخواهی» در میان برخی خودباختگان، به‌ویژه کسانی بود که افکار و زندگی غربی را تجربه کرده بودند. در این بین اراده دولت‌مردان مزدور بیگانه نقش مکمل داشت و سبب اشاعه هرچه بیشتر آن شد.

براساس شواهد تاریخی، اولین نشانه‌های کشف حجاب در دربار ناصرالدین شاه قاجار دیده شد. مسافرت‌های شاه به اروپا و مشاهدات وی از وضعیت پوشش زنان اروپایی در انتقال فرهنگ آن دیار به کشور ما و در ابتدا به دربار، تأثیر بسزایی داشت. به تدریج موضوع کشف حجاب در قالب تجددخواهی به محافل روشن‌فکری و اشعار شعراً نفوذ کرد و در مطبوعات منعکس شد. این وضعیت کم و بیش تا پایان دوره قاجار ادامه داشت. اما مقاومت خانواده‌ها سبب شد پدیده کشف حجاب به غیر از دربار و محافل نزدیک به شاه، گسترش چندانی نیابد. هر چند در اواخر دوره قاجار و در جریان نهضت مشروطه و پس از آن، برخی سیاسیون «نوگرا» و «منورالفکر» گام‌هایی برای حذف پوشش اسلامی بانوان و اشاعه بی‌حجابی در جامعه برداشتند و بعضی نویسندگان و شاعران در این زمینه قلم‌فرسایی کردند. آنان مشروطه را تجددخواهی معنا کردند و بی‌حجابی را از مظاهر تجددخواهی دانستند.

طراحان و منادیان کشف حجاب می‌دانستند که برای رسمیت بخشیدن به این پدیده باید زمینه‌های لازم، ابتدا در کانون‌های خانواده، فراهم آید. از دید آنان، مخالفت مرد با بی‌حجابی همسر در معیار عمومی عامل اصلی عدم پیشرفت کشف حجاب بود. از این‌رو، برنامه‌های اولیه در جهت تغییر ذهنیت سرپرست خانواده تدوین شد و سپس جنبه رسمی و قانونی یافت. در وهله نخست از کارکنان دولت آغاز کردند، زیرا

آنان در کنترل دولت بودند و دولت نظارت بیشتری بر رفتار آنان داشت؛ به‌ویژه که پذیرش این تغییرات توسط آنان، می‌توانست راه را برای پذیرش سایر افراد جامعه نیز هموار کند.

برای رسمیت یافتن کشف حجاب، قانون اتحاد شکل البسه و تبدیل کلاه در چهار ماده و هشت تبصره در جلسه ۶ دی ۱۳۰۷ و در سومین سال پادشاهی رضاخان - دوره هفتم قانون‌گذاری مجلس شورای ملی - به تصویب رسید. در آغاز بسیاری از روحانیون از جمله مراجع، ائمه جماعات، مفتی‌های اهل سنت و... از این مقررات مستثنا شدند. اجرای این قانون با مقاومت گسترده‌ای در تهران و چند شهر دیگر روبه‌رو شد و روحانیون نیز پیشنهاد این مخالفت‌ها بودند.

تشکیل «جمعیت بیداری نسوان» - دی ۱۳۰۵ - ترویج دکلته و منع چادر از سوی ملکه، حضور خانواده سلطنتی با وضع زننده در قم - نوروز ۱۳۰۶ -، مسافرت امان‌الله‌خان افغان به همراه همسرش، ثریا به ایران - خرداد ۱۳۰۷ - و حضور تعدادی از زنان افغانی همراه آن‌ها که در میهمانی‌ها حجاب را رعایت نمی‌کردند و در بازگشت به افغانستان نیز با لباس و کلاه اروپایی از شهرهای ایران عبور می‌کردند، از نشانه‌های گرایش دربار رضاخان به کشف حجاب بود.

در سال ۱۳۱۰، مجلس شورای ملی مجوز ورود هیأتی از سوی «جامعه ملل» را برای جلوگیری از آن‌چه که «تجاوز به حقوق زن در شرق» خوانده می‌شد، صادر کرد. در این سال که به دستور رضاخان مقرر شد که زنان در برداشتن حجاب خود آزاد باشند و اگر فردی یا ملایی متعرض آنان شد، شهربانی باید از زنان بی‌حجاب حمایت کند.

تشکیل «کنگره زنان شرق» در سال ۱۳۱۱ در تهران و دعوت از زنان بی‌حجاب سایر کشورها، از دیگر گام‌های رضاخان برای مبارزه با حجاب بانوان بود. از بی‌حجابی به عنوان مظهری از تمدن یاد شد و در مورد آن تبلیغات فراوان به‌عمل آمد.

استفاده از مراکز تعلیم و تربیت و ایجاد مدارس آموزشی به سبک اروپا از دیگر عوامل زمینه‌ساز کشف حجاب در ایران عصر رضاخان بود. گرچه سابقه ایجاد این مدارس نیز به دوره ناصرالدین‌شاه باز می‌گشت، اما رضاخان در آستانه اعلام کشف حجاب، مشوق توسعه این مدارس بود. سفر رضاشاه به ترکیه در خرداد ۱۳۱۳ و مشاهدات وی از بی‌حجابی در آن کشور، او را در پی‌گیری روند مقابله با حجاب مصمم‌تر ساخت. رضاشاه در جریان این سفر به سفیر کبیر ایران، مستشارالدوله صادق گفت: «ما عقب هستیم و فوراً باید با تمام قوا به پیشرفت سریع مردم خصوصاً زنان اقدام کنیم.»

رضاشاه روز ۲۲ اردیبهشت ۱۳۱۴ «جمعیت زنان آزادی‌خواه ایران» را تحت ریاست شمس پهلوی به عنوان گام تازه‌ای برای پیشبرد روند بی‌حجابی در کشور تأسیس کرد. در

مرحله بعد وزارت داخله برای ایجاد هماهنگی بیشتر میان لباس متحدالشکل مردان و کشف حجاب زنان، مقررات جدیدی در مورد نوع پوشش وضع کرد. سپس شاه نیز به وزرا و نمایندگان مجلس اعلام کرد که حذف حجاب زنان را آغاز کنند. در قدم اول بی‌حجابی از زنان وزرا، معاونان، و کلا و مسئولان کشور آغاز شد.

حکومت، قانون کشف حجاب را پیش از اعلام رسمی آن در ۱۷ دی ۱۳۱۴، به ولایات ابلاغ کرده بود. این قانون در مرحله اجرا با مقاومت‌های خونینی روبه‌رو شد و قیام «مسجد گوهرشاد» در تیر ۱۳۱۴ از نمونه‌های آن است. آیت‌الله قمی، آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری، آیت‌الله سید یونس اردبیلی، آیت‌الله سید محمد تقی خوانساری، آیت‌الله حجت کوه‌کمره‌ای و آیت‌الله میرزا محمود آقازاده از جمله مراجع و علمای سرشناس بودند که نسبت به اقدامات رضاخان در ترویج بی‌حجابی شدیداً اعتراض کردند. بسیاری از علما و روحانیون نیز به سبب اعتراض به کشف حجاب تبعید شدند.

روز ۱۷ دی ۱۳۱۴ رضاشاه با همسر و دختران کشف حجاب کرده خود، در مراسم جشن فارغ‌التحصیلی دختران دانش‌سرای مقدماتی حضور یافت. همه مسئولان کشوری که در این جشن دعوت شده بودند، طبق یک برنامه از پیش طراحی شده با همسران بدون حجاب خود شرکت کردند. رضاشاه در سخنانی در این مجلس اظهار داشت: «باید خیاط‌ها و کلاه‌دوزها را تشویق کرد که مدهای قشنگ به بازار بیاورند. ما میله‌های زندان را شکستیم. حالا خود زندانی آزاد شده وظیفه دارد که برای خودش به جای قفس، خانه قشنگی بسازد.»

مراسم روز ۱۷ دی ۱۳۱۴ در حقیقت رسمیت بخشیدن به کشف حجاب در کشور بود. پس از آن، مطبوعات به تجلیل از این رویداد پرداختند و بی‌حجابی را آزادی زن، تجدد او و هم‌تایی‌اش با پیشرفت و ترقی مردم اروپا تلقی کردند. کشف حجاب در سال‌های باقی‌مانده حکومت رضاخان اجباری بود و حجاب اسلامی مظهر عقب‌ماندگی شمرده می‌شد. به همین دلیل نیز، برداشتن چادر از سر زنان به اجبار، بخشی از وظیفه مأموران انتظامی شده بود.

کشف حجاب مفاسد اخلاقی بسیاری را در جامعه در پی داشت و خشم مردم به‌ویژه قشر مذهبیون را برانگیخت. بسیاری از زنان مؤمنه، برای حفظ حجاب از خانه خارج نمی‌شدند و خود را در خانه حبس کردند. بسیاری نیز می‌کوشیدند حجاب خود را در کوچه و خیابان، به دور از چشم مأمورین، حفظ کنند. در روستاها که مأوای سه چهارم جمعیت کشور بود اساساً کشف حجاب واقع نشد. پس از سقوط رضاشاه، ظاهراً قید اجبار از کشف حجاب برداشته شد، اما مطبوعات حکومتی همچنان در ستایش اقدام رضاخان قلم می‌زدند و درباره مظاهر «تمدن» و

«تجددخواهی» و «عقب‌نماندن از پیشرفت اروپایی‌ها» مطلب می‌نوشتند.

برنامه کلی حکومت نیز در دوره حکومت پهلوی دوم همچنان تبلیغ بی‌حجابی بود و با کسانی که علیه آن اقدام می‌کردند و یا تبلیغ حجاب در برنامه‌هایشان بود، برخورد می‌شد. این در حالی بود که تعداد بسیاری از زنان که در دوره رضاخان به اجبار از پوشش اسلامی محروم شده بودند، در دوره پهلوی دوم و در پی آزادی‌های نسبی سال‌های اول پس از سقوط رضاخان، به حجاب اسلامی خود بازگشتند.

اکنون بر دانش‌آموزان و اولیای آنان است که بدانند بدحجابی و بی‌حجابی ریشه در کجا دارد و آگاه باشند که بدحجابی هویت آنان را زیر سؤال می‌برد، نه آن‌که آزادی را برای آن‌ها رقم زند. در واقع، بدحجابی زنجیر اسارتی است که دشمنان می‌خواهند در قالب تمدن به مردم جهان تحمیل کنند تا به سبب آن، مردم را فیشل و بی‌هویت سازند و خود هر آن‌چه هست به غارت ببرند؛ از جمله دین، هویت و آزادی شرافتمندانه مرد و زن ما را.

## ۲۲ دی: تشکیل شورای انقلاب

با اوج‌گیری نهضت اسلامی در سال ۱۳۵۷، اندیشه شکل‌گیری «شورای انقلاب» در میان روحانیون معتمد امام پدید آمد که در سفر شهید مطهری به پاریس، این طرح با امام در میان گذاشته شد. امام روز ۲۲ دی ۱۳۵۷، فرمان تشکیل شورای انقلاب را صادر کردند. در بخشی از این فرمان آمده است: «به موجب حق شرعی و براساس رأی اعتماد اکثریت قاطع مردم ایران که نسبت به این جانب ابراز شده است، در جهت تحقق اهداف اسلامی ملت، شورایی به نام شورای انقلاب اسلامی، مرکب از افراد با صلاحیت و مسلمان و متعهد و مورد وثوق، موقتاً تعیین شده و شروع به کار خواهند کرد... این شورا موظف به انجام امور و معین و مشخصی شده است. از آن جمله مأموریت دارد شرایط تأسیس دولت انتقالی را مورد بررسی و مطالعه قرار داده و مقدمات اولیه آن را فراهم سازد.»

اعضای اولیه این شورا، شهید مطهری، شهید بهشتی، آیت‌الله موسوی اردبیلی، شهید باهنر، آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، آیت‌الله طالقانی، آیت‌الله خامنه‌ای، آیت‌الله مهدوی کنی، احمد صدر حاج سیدجوادی، مهندس بازرگان، دکتر یدالله سبحانی، مهندس کتیرایی، سرلشکر ولی‌الله قرنی و سررتیب علی‌اصغر مسعودی بودند. از مهم‌ترین فعالیت‌های این شورا، پیشنهاد مهندس بازرگان به‌عنوان نخست‌وزیر دولت موقت، تصویب اساس‌نامه «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی»، ملی کردن بانک‌ها، سامان بخشیدن به دادگاه‌های انقلاب، برگزاری همه‌پرسی درباره نظام جمهوری اسلامی، بررسی



## با مجله‌های رشد آشنا شوید

مجله‌های رشد توسط دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وابسته به وزارت آموزش و پرورش تهیه و منتشر می‌شوند:

مجله‌های دانش آموزی

(به صورت ماهنامه و هشت شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

رشد **کودک** (برای دانش‌آموزان آمادگی و پایه اول دوره دبستان)

رشد **نخود** (برای دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره دبستان)

رشد **دانش‌آموز** (برای دانش‌آموزان پایه‌های چهارم، پنجم و ششم دوره دبستان)

رشد **نوجوان** (برای دانش‌آموزان دوره راهنمایی تحصیلی)

رشد **دانش‌آموز** (برای دانش‌آموزان دوره متوسطه و پیش‌دانشگاهی)

مجله‌های بزرگسال عمومی

(به صورت ماهنامه و هشت شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

رشد آموزش ابتدایی ♦ رشد آموزش راهنمایی تحصیلی ♦ رشد تکنولوژی آموزشی ♦ رشد مدرسه فردا ♦ رشد مدیریت مدرسه ♦ رشد معلم

مجله‌های بزرگسال و دانش‌آموزی تخصصی

(به صورت فصل‌نامه و چهار شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

رشد برهان راهنمایی (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره راهنمایی تحصیلی) ♦  
رشد برهان متوسطه (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره متوسطه) ♦ رشد آموزش قرآن ♦  
رشد آموزش معارف اسلامی ♦ رشد آموزش زبان و ادب فارسی ♦ رشد آموزش هنر ♦  
رشد آموزش مشاور مدرسه ♦ رشد آموزش تربیت بدنی ♦ رشد آموزش علوم اجتماعی ♦  
رشد آموزش تاریخ ♦ رشد آموزش جغرافیا ♦ رشد آموزش زبان ♦ رشد آموزش ریاضی ♦  
رشد آموزش فیزیک ♦ رشد آموزش شیمی ♦ رشد آموزش زیست‌شناسی ♦  
رشد آموزش زمین‌شناسی ♦ رشد آموزش فنی و حرفه‌ای ♦ رشد آموزش پیش‌دبستانی

مجله‌های رشد عمومی و تخصصی، برای معلمان، مدیران، مربیان، مشاوران و کارکنان اجرایی مدارس، دانش‌جویان مراکز تربیت معلم و رشته‌های دبیری دانشگاه‌ها و کارشناسان تعلیم و تربیت تهیه و منتشر می‌شوند.

نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۶، دفتر تکنولوژی و انتشارات کمک آموزشی.

تلفن و نامبر: ۰۲۱ - ۸۸۳۰۱۴۷۸

پیش‌نویس قانون اساسی، تصویب قانون شوراهای محلی، ملی کردن صنایع بزرگ، تصویب آیین‌نامه مجلس خبرگان و برگزاری انتخابات ریاست جمهوری و مجلس بود.

به دنبال تسخیر لانه جاسوسی و استعفای دولت موقت، با ادغام دولت در شورای انقلاب، در اداره مملکت این‌گونه بین اعضای شورا تقسیم کار شد: آیت‌الله خامنه‌ای: دفاع و پاسداران؛ هاشمی رفسنجانی: وزارت کشور؛ شهید باهنر: آموزش و پرورش؛ مهدوی کنی: کمیته و دادگستری؛ شهید بهشتی: جهاد سازندگی؛ بنی‌صدر: وزارت خارجه؛ معین‌فر: نفت؛ حبیبی: آموزش عالی؛ عزت‌الله سحابی: برنامه و بودجه؛ میناچی: ارشاد ملی؛ شهید قدوسی: دادگاه انقلاب. با تصویب قانون اساسی و برگزاری انتخابات ریاست جمهوری و مجلس، آخرین جلسه شورای انقلاب روز ۲۶ تیر ۱۳۵۹ برگزار و سپس این شورا منحل شد.

## ۱۲ بهمن: ورود امام خمینی به ایران و آغاز دهه فجر

با گسترش قیام مردم و خروج شاه از ایران، شاپور بختیار به عنوان آخرین و تنها امید رژیم پهلوی و سردمداران غربی پشتیبان این رژیم، به عنوان نخست‌وزیر باقی‌مانده بود. در طرف مقابل تظاهرات مردم هر روز پرشورتر و مصمم‌تر می‌شد و شعار «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» به‌عنوان اصلی‌ترین خواسته مردم در نهضت انقلابی به رهبری امام خمینی (ره) مطرح می‌شد. امام که شرط ورود خود را به کشور خروج شاه اعلام کرده بودند، با فرار شاه در ۲۶ دی ۱۳۵۷، تصمیم به بازگشت گرفتند. قرار بود این رجعت تاریخی روز پنجشنبه پنجم بهمن ۱۳۵۷ انجام گیرد، اما بختیار با بستن فرودگاه‌ها مانع از انجام این امر شد. با انتشار خبر بسته شدن فرودگاه‌ها، مردم خشمگین



به خیابان‌ها ریختند و با تحصن و شعارهای کوبنده، دولت بختیار را تحت فشار شدیدی قرار دادند. در همین زمان رئیس شورای سلطنت، سیدجلال تهرانی، در پاریس ضمن تقدیم استعفاى خود به امام، اعلام کرد که شورای سلطنت غیرقانونی است.

سرانجام، تحصن‌ها و تظاهرات عظیم مردم، بختیار را مجبور کرد فرودگاه‌ها را باز کند. کارکنان اعتصابی تلویزیون اعلام کردند برای ضبط و پخش مستقیم مراسم آماده‌اند. فرودگاه مهرآباد آماده استقبال از پرواز انقلاب بود. روز ۱۲ بهمن ۱۳۵۷، پرشکوه‌ترین استقبال تاریخی رقم خورد و هواپیمای ایرفرانس حوالی ساعت ۹ صبح در فرودگاه مهرآباد نشست و حضرت امام، با قلبی آرام و مطمئن پس از ۱۵ سال هجرت، پا به خاک میهن اسلامی گذاشتند. صدها خبرنگار، عکاس و فیلم‌بردار به ثبت این رویداد تاریخی پرداختند. جمعیت استقبال‌کننده در طول ۳۳ کیلومتر از فرودگاه مهرآباد تا بهشت زهرا که مقصد بعدی امام بود، بین چهار تا هشت میلیون نفر تخمین زده می‌شد.

امام از فرودگاه مستقیماً به بهشت زهرا رفتند و ضمن ادای احترام به شهدای انقلاب اسلامی، سخنرانی تاریخی خود را در آنجا ایراد کردند. در این سخنرانی، امام نخست وزیری شاپور بختیار را غیرقانونی اعلام کردند و فرمودند: «من به پشتیبانی این ملت دولت تعیین می‌کنم.» بدین ترتیب از ورود امام ۱۰ روز تاریخی، که بعدها دهه فجر انقلاب اسلامی نام گرفت، سپری شد تا طومار رژیم پهلوی و ۲۵۰۰ سال استبداد شاهنشاهی برای همیشه بسته شود.

دیگر وقایع دوازدهم بهمن ۱۳۵۷ عبارت‌اند از:

● هنگام ورود امام خمینی به مدت ۲۰ دقیقه مراسم استقبال توسط تلویزیون دولتی ایران به‌طور زنده پخش شد، اما ناگهان عکس شاه روی صفحه تلویزیون ظاهر و برنامه قطع شد. گفتند نظامیانی که در ایستگاه فرستنده بودند، از این‌که سرود شاهنشاهی نواخته نشده بود عصبانی شده بودند و برنامه را قطع کردند. رادیوی دولتی در تمام مدت سکوت اختیار کرد و مراسم را پخش نکرد.

● فرماندار نظامی اعلام کرد به مناسبت ورود امام خمینی (ره)، حرکات و اجتماعات از ساعت هفت صبح امروز به مدت سه روز با رعایت نظم و ترتیب در سطح شهر تهران و حومه به نحوی که موجب هیچ‌گونه درگیری و عملیات مخل نظم عمومی نشود، مجاز خواهد بود.

● دکتر علی‌آبادی از شورای سلطنت استعفا داد.

● با آمدن امام به وطن روحانیون متحصن در مسجد دانشگاه طی اعلامیه‌ای به تحصن خود خاتمه دادند.



## تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی

### برگ اشتراک مجله‌های رشد

نحوه اشتراک:

شما می‌توانید پس از واریز مبلغ اشتراک به شماره حساب ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت، شعبه سه‌راه آزمایش کد ۳۹۵، در وجه شرکت افست از دو روش زیر، مشترک مجله شوید:

۱. مراجعه به وبگاه مجلات رشد: نشانی: [www.roshdmag.ir](http://www.roshdmag.ir) و تکمیل برگه اشتراک به همراه ثبت مشخصات فیش واریزی.

۲. ارسال اصل فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شده اشتراک با پست سفارشی (کپی فیش را نزد خود نگه‌دارید).

◆ نام مجلات در خواستی:

◆ نام و نام خانوادگی:

◆ تاریخ تولد: میزان تحصیلات:

◆ تلفن:

◆ نشانی کامل پستی:

استان: شهرستان: خیابان:

شماره فیش:

مبلغ پرداختی:

پلاک:

شماره پستی:

◆ در صورتی که قبلاً مشترک مجله بوده‌اید، شماره اشتراک خود را ذکر کنید:

امضا:

● نشانی: تهران، صندوق پستی امور مشترکین: ۱۶۵۹۵/۱۱۱  
● وبگاه مجلات رشد: [www.roshdmag.ir](http://www.roshdmag.ir)  
● اشتراک مجله: ۱۴-۱۳۹۷۱۳۰۷۷۳۳۵۱۱۰/۷۷۳۳۶۵۶/۷۷۳۳۶۵۶-۲۱

◆ هزینه اشتراک یکساله مجلات عمومی (هشت شماره): ۱۲۰۰۰۰ ریال

◆ هزینه اشتراک یکساله مجلات تخصصی (چهار شماره): ۸۰۰۰۰ ریال